

همراه گرامی

شبکه روستایی ایران «روستانت» در راستای حمایت از توسعه روستایی در کشور سرویس‌های متعددی را در فضای مجازی اینترنت راه‌اندازی نموده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

کتابی که نسخه الکترونیک آن هم‌اکنون در اختیار شما قرار گرفته است یکی از کتب موجود در «کتابخانه الکترونیکی روستایی» است که شما با مطالعه و پذیرش موارد زیر امکان بهره‌برداری از آن را خواهید داشت:

- ۱- امتیاز این کتاب متعلق به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور است. این سازمان در راستای اهداف خود اقدام به تهیه این کتاب نموده است و آن را به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.
- ۲- این کتاب و نیز سایر کتب حوزه روستایی این سازمان قبلاً در قالب تفاهم نامه‌ای توسط این شبکه به صورت لوح فشرده منتشر گردیده است و این شبکه مجوز نشر غیرتجاری این کتب را از این سازمان دریافت نموده است.
- ۳- این کتاب صرفاً جهت مطالعه و انجام امور پژوهشی در اختیار شما قرار گرفته است و در راستای حفظ حقوق مالکیت مادی و معنوی، هرگونه فعالیت تجاری با این کتاب ممنوع است.

عناوین کتب موجود در کتابخانه الکترونیکی شبکه روستایی ایران:

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با نحوه تهیه برنامه پنج‌ساله دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با توسعه اقتصاد روستایی، ایجاد اشتغال و توسعه صنایع دستی
- ❖ آشنایی با اصول و مبانی محیط زیست
- ❖ آشنایی با اصول کامپیوتر
- ❖ مدیریت و سامان‌دهی بافت‌های فرسوده روستایی
- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت فضای سبز و فضاهای چند منظوره روستایی
- ❖ محیط زیست روستا (مدیریت مواد زائد، فضای سبز روستا و...)
- ❖ اصول انبارداری

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با طرح‌های هادی و کنترل و نظارت بر ساخت و ساز روستایی
- ❖ آشنایی با حفظ و بهسازی میراث فرهنگی بافت‌های تاریخی
- ❖ آشنایی با وظایف، تشکیلات و جایگاه دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با سازمان‌های مرتبط با امور دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه ریزی روستایی
- ❖ راهنمای جامع مدیریت روستایی
- ❖ منابع درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ دستورالعمل‌ها و قوانین دهیاری‌ها
- ❖ اصول و مبانی بهداشت روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی روستا
- ❖ مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی
- ❖ برنامه‌ریزی و کنترل پروژه‌های روستایی
- ❖ قوانین مالی و معاملاتی دهیاری‌ها
- ❖ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا
- ❖ فضای سبز روستایی
- ❖ مدیریت توسعه زیرساخت‌های خدماتی روستایی
- ❖ منابع مالی و درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ مفاهیم و مبانی صنایع روستایی
- ❖ مدیریت روستایی در ایران
- ❖ برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران
- ❖ بودجه نویسی و بودجه ریزی روستایی
- ❖ بهسازی طبیعت و حفاظت از محیط زیست روستایی
- ❖ منابع انسانی و قوانین استخدامی
- ❖ توسعه فرهنگی و اجتماعی روستا
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی دهیاران با هدفمندسازی یارانه‌ها
- ❖ آشنایی با اصلاح الگوی مصرف در روستا
- ❖ آنچه یک دهیار باید بداند

- ❖ آشنایی با قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی
- ❖ آشنایی با صدور پروانه ساختمان و هدایت ساخت و ساز در روستا
- ❖ مدیریت مواد زائد روستایی
- ❖ اصول و مفاهیم مذاکره و ارتباطات در مدیریت روستایی
- ❖ حسابداری، حسابرسی و امور مالی دهیاری‌ها
- ❖ کارآفرینی روستایی
- ❖ مدیریت اقتصادی روستا
- ❖ مدیریت بحران روستایی
- ❖ مشارکت و ارتباط متقابل دهیار، شورا و دولت
- ❖ مقدمه‌ای بر مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری
- ❖ منابع مالی و اشتغال روستایی
- ❖ تجزیه و تحلیل مشاغل و استانداردهای آموزشی
- ❖

برای استفاده از خدمات و سرویس‌های متعدد «شبکه روستایی ایران» می‌توانید روی عنوان هر یک کلیک کنید:

سایت افبار و اطلاعات روستاها ➦	آلبوم تصاویر روستایی ➦	آگهی محصولات روستایی ➦
سرویس پیامک روستایی ➦	بانک اطلاعات روستاها ➦	دانشنامه روستایی ➦
نامه رسان روستایی ➦	کتابخانه الکترونیکی روستایی ➦	اطلس و نقشه‌های روستایی ➦
اوقات شرعی روستاها ➦	اطلاعات استان‌ها ➦	مجلات روستایی ➦
هواشناسی روستایی ➦	مستجوگر کتاب روستایی ➦	فانهای قرآن روستایی ➦
گردشگری روستایی ➦	نرم‌افزار مسابرداری ➦	امور دهیاری‌ها ➦
وبلاگ‌های روستایی ➦	اطلاعات فرهیفتگان روستاها ➦	مقالات موزه روستایی ➦
فروشگاه اینترنتی ➦	صدای مشاور روستایی ➦	قیمت نهاده‌های روستایی ➦
بانک غذاهای مملی ➦	بانک رگوردهای روستایی ➦	قوانین و مقررات عمومی ➦

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیریت اقتصادی

روستا

از سری منابع آموزشی دهیاری ها

تهیه و تنظیم :

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور



مدیریت اقتصادی روستا

تالیف: دکتر بهمن صحنه

(عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور)

کارفرما: استانداری گلستان – دفتر امور روستایی

سرشناسه	: صحنه، بهمن، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: مدیریت اقتصادی روستا/ تالیف بهمن صحنه؛ کارفرما استانداری گلستان دفتر امور روستایی.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور: بنیاد خواجه نصیر طوسی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۶ص: جدول.
شابک	: ۹-۹۵-۷۰۱۲-۹۶۴-۹۷۸: ۵۲۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: عمران روستایی - ایران: روستاها -- ایران -- اوضاع اقتصادی: عمران روستایی: روستاها در توسعه
شناسه افزوده	: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور
شناسه افزوده	: استانداری گلستان. دفتر امور روستایی و عشایری
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ع ۸ص/ HN۴۹
رده بندی دیویی	: ۳۰۷/۱۲۱۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۲۹۹۷۵



عنوان کتاب: مدیریت اقتصادی روستا

مولف: بهمن صحنه

کارفرما: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

مجری: استانداری گلستان - دفتر امور روستایی

ناشر: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور - بنیاد خواجه نصیر طوسی

مدیر پروژه: حسین رجب صلاحی - حسن نوروزی

ناظر پروژه: سید عارف موسوی - یوسف جاهدی - مسعود صارمی - ابراهیم حق دادی

نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۱

قیمت: ۵۲۰۰۰ ریال

شابک: ۹-۹۵-۷۰۱۲-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

۱.....	فصل اول: مفاهیم و معانی توسعه اقتصادی
۲.....	توسعه چیست؟
۳.....	تعریف اقتصاد
۳.....	مدیریت اقتصادی
۵.....	استراتژی‌های مختلف توسعه اقتصادی
۵.....	استراتژی پولی
۶.....	استراتژی اقتصاد باز
۸.....	استراتژی صنعتی شدن
۸.....	استراتژی انقلاب سبز
۹.....	استراتژی توزیع مجدد
۱۰.....	استراتژی سوسیالیستی توسعه
۱۲.....	توسعه اقتصادی چیست؟
۱۴.....	شاخص‌های توسعه اقتصادی
۱۵.....	مکاتب مختلف توسعه اقتصادی
۱۵.....	نظریه آدام اسمیت
۱۶.....	نظریه مالتوس
۱۷.....	نظریه ریکاردو
۱۸.....	مدل رشد کلاسیک
۱۸.....	نظریه کارل مارکس
۱۹.....	مدل رشد اقتصادی سرمایه‌داری مارکس
۲۰.....	نظریه شومپیتر
۲۱.....	فصل دوم: توسعه اقتصادی و توسعه روستایی
۲۲.....	آشنایی با برخی از مفاهیم اقتصاد روستایی
۲۴.....	رابطه میان اقتصاد روستایی و توسعه
۲۵.....	ضرورت توسعه روستایی و نقش آن در توسعه
۲۷.....	پیشینه توسعه
۲۸.....	تعریف روستا
۲۸.....	توسعه روستایی چیست؟
۲۹.....	توسعه روستایی در برنامه پنجم توسعه کشور (۹۴-۱۳۹۰)
۳۲.....	توسعه پایدار روستایی
۳۳.....	ضرورت توسعه روستایی
۳۴.....	توسعه روستایی «ضرورتها و راهبردها»
۳۶.....	نقش توسعه روستایی در توسعه ملی
۳۹.....	بعد اقتصادی
۳۹.....	بعد اجتماعی
۴۰.....	بعد زیست محیطی
۴۰.....	بعد سیاسی و امنیتی
۴۱.....	استراتژی‌های توسعه روستایی

۴۱	رویکردهای فیزیکی-کالبدی
۴۱	استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی
۴۲	رویکردهای اقتصادی
۴۲	استراتژی انقلاب سبز
۴۲	استراتژی اصلاحات ارضی
۴۳	استراتژی صنعتی نمودن روستاها
۴۴	استراتژی رفع نیازهای اساسی
۴۴	رویکردهای اجتماعی-فرهنگی
۴۴	استراتژی توسعه اجتماعی
۴۴	استراتژی مشارکت مردمی
۴۵	رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای
۴۵	استراتژی‌های تحلیل مکانی
۴۶	استراتژی توسعه روستا-شهری
۴۷	استراتژی یوفرد
۴۸	فصل سوم: بررسی وضع موجود نظام اقتصادی نواحی روستایی کشور
۴۹	بررسی وضع موجود نظام اقتصادی نواحی روستایی کشور
۵۲	فرصت‌های اساسی در زمینه‌های اقتصادی
۵۳	چالش‌ها و تنگناهای اقتصادی
۵۴	تعریف و اهمیت اقتصاد روستایی
۵۵	شناسایی منابع تولید اقتصاد روستا در بخش کشاورزی
۵۷	رابطه میان اقتصاد روستایی و توسعه
۵۷	روش‌های احیای ارزش اقتصادی و فرهنگی صنایع دستی
۵۸	بهینه‌سازی روش‌های حمایت از صنایع دستی
۵۹	ایجاد شرایط مناسب در بهینه‌سازی بازارهای صنایع دستی و نمایشگاهها
۶۰	نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی
۶۱	کشاورزی و نقش آن در اقتصاد و توسعه روستا
۶۱	اهمیت کشاورزی
۶۲	ظرفیت‌های بخش کشاورزی
۶۴	نقش کشاورزی در توسعه ملی اقتصاد
۶۴	نقش و اهمیت بخش کشاورزی در ایجاد فرصت‌های شغلی
۶۶	توسعه کشاورزی
۶۶	توسعه پایدار کشاورزی و روستایی
۶۷	مشارکت در اقتصاد کشاورزی
۷۵	دهیارها و توسعه کشاورزی
۷۷	دلایل ناکافی کشورهای در حال توسعه در حمایت از بخش کشاورزی
۷۷	مشکلات و تنگناهای توسعه کشاورزی در ایران
۷۹	خدمات روستایی و نقش آن در اقتصاد و توسعه روستا
۷۹	تعریف خدمات
۸۰	اهمیت بخش خدمات در اقتصاد
۸۱	سهم بخش خدمات روستایی در اقتصاد ملی

۸۴	فصل چهارم: مدیریت اقتصادی روستا
۸۵	افق‌ها و چشم‌اندازهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری در ایجاد فرصت‌های شغلی روستا
۸۵	جریان تشکیل سرمایه و محدودیتها
۸۶	اتخاذ سیاستهای جدید
۸۷	نقش سرمایه‌گذاری در توسعه مناطق روستایی
۸۸	نقش سرمایه‌گذاری و مدیریت در بهره‌برداری از منابع محلی
۸۹	مدیریت و نقش شوراهای اسلامی در جذب و هدایت منابع اقتصادی
۹۰	دهیاری و اهمیت آشنایی با مدیریت اقتصاد روستا
۹۱	نقش مدیریت اقتصادی تعاونیه‌های روستایی در تأمین منابع مالی و توسعه اقتصاد روستا
۹۲	الزامات برنامه ریزی و مدیریت برای صنعت روستا
۹۴	تکنولوژی مناسب کدام است؟
۹۵	چرا برنامه ریزی و مدیریت بر صنایع دستی و روستایی از اهمیت و حساسیت بیشتر برخوردار است؟
۹۵	رهیافتها و اتخاذ سیاستهای لازم برای توسعه اقتصادی روستاها با تکیه بر صنایع روستایی
۹۸	تمرکز زدایی و دگرگونی اقتصاد روستایی
۱۰۰	طرح‌های اقتصادی روستا
۱۰۰	طرح ایجاد نواحی صنعتی روستایی
۱۰۲	طرح ساماندهی توسعه اقتصادی و اجتماعی فضاهای روستایی
۱۰۳	فصل پنجم: توسعه اقتصاد محلی و توسعه اقتصادی روستا
۱۰۴	تعریف و مفهوم اقتصاد محلی
۱۰۶	گام اول: سازماندهی فعالیتها
۱۰۶	گام دوم: سنجش و ارزیابی اقتصاد محلی
۱۰۷	گام سوم: توسعه راهبرد توسعه اقتصاد محلی
۱۰۷	گام چهارم: پیاده‌سازی راهبرد توسعه اقتصاد محلی
۱۰۷	گام پنجم: مرور استراتژی توسعه اقتصاد محلی
۱۰۸	فصل ششم: اعتبارات خرد و اقتصاد روستا
۱۰۹	کاربرد اعتبارات خرد
۱۰۹	تعاریف اعتبارات خرد
۱۱۰	تعریف اعتبار خرد (از نظر سازمان ملل)
۱۱۰	تعریف نهاد منابع مالی خرد (از نظر سازمان ملل متحد)
۱۱۰	اهداف سازمان ملل از منابع مالی خرد در سال ۲۰۰۵
۱۱۱	دیدگاه
۱۱۱	لزوم سودآوری اعتبارات خرد
۱۱۲	دستاوردهای اعتبارات خرد
۱۱۲	پس انداز افراد فقیر
۱۱۲	تأثیر منابع مالی خرد بر موقعیت زنان
۱۱۳	شرایط پرداخت اعتبار خرد
۱۱۳	مدیریت صندوق اعتبارات خرد
۱۱۳	اهداف صندوق اعتبارات خرد در ایران
۱۱۴	ویژگیهای عمده صندوقهای اعتبارات خرد
۱۱۴	ویژگی‌های صندوقهای اعتبارات خرد

۱۱۵.....	متقاضیان منابع مالی خرد
۱۱۵.....	عضوگیری
۱۱۵.....	مقررات مالی
۱۱۶.....	بازپرداخت وام
۱۱۸.....	فصل هفتم: زنان و اقتصاد روستایی
۱۱۹.....	زنان و توسعه اقتصادی
۱۱۹.....	نقش اعتبارات در توسعه مشارکت اقتصادی زنان روستایی
۱۲۰.....	ضرورت دسترسی به اعتبارات در مناطق روستایی
۱۲۰.....	مزایای تأمین مالی زنان روستایی از طریق صندوق اعتبارات خرد
۱۲۲.....	فصل هشتم: کارآفرینی و توسعه اقتصادی روستا
۱۲۳.....	تعاونی ها و توسعه کارآفرینی
۱۲۴.....	تعاونی ها، محلی برای کارآفرینی و اشتغال زایی
۱۲۴.....	ویژگی های بارز تعاونی ها در راستای کارآفرینی
۱۲۵.....	نقش تعاونی ها در کارآفرینی جامعه
۱۲۶.....	کارآفرینی روستایی
۱۲۸.....	فصل نهم: راهکارها و پیشنهادات برای توسعه اقتصادی روستا
۱۲۹.....	راهکارها و پیشنهادات
۱۳۷.....	منابع و مواخذ

فصل اول: مفاهیم و معانی توسعه اقتصادی

توسعه چیست؟

در مورد تعریف توسعه در میان صاحب نظران اتفاق وجود ندارد با مروری بر آثار و نظرات محققان توسعه، چند نکته روشن می شود برخی از این نکات چنین است:

اول - توسعه پدیده ای چند بعدی است که ابعاد مختلف زندگی بشر اعم از جنبه های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر می گیرد و در نهادها و ساختارهای جامعه دگرگونی اساسی و بنیادی پدید می آورد، توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد.

دوم - توسعه از نظر بسیاری از محققان دارای بار ارزشی است و تقریباً مترادف با کلمه ی بهبود بکار می رود. اقتصاد دانان این ارزش را در افزایش سطح زندگی بصورت کمی مورد مطالعه قرار می دهند در حالیکه برای جامعه شناسان این تمایل با نظمی از ارزش ها مرتبط می گردد که دارای کار کرد است. همه ی جوامع به یک اندازه به افزایش سطح زندگی ارزش نداده و اهمیّت یکسانی در این مورد قائل نیستند.

سوم - آنکه توسعه به فرا گرد تغییری اطلاق می شود. تصادفی یا ادواری نیست بلکه متراکم تکرار شونده و دارای جهت است.

چهارم - ویژگی تکثر و پاره افزایشی فراگرد توسعه است این ویژگی در تعاریف برخی محققان از توسعه تحت عنوان گسترش نظام اجتماعی آمده است. (اردبیلی، ۱۳۸۰) توسعه به معنی کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری می تواند باشد (از کیا، ۱۳۶۹) اگر بخواهیم تعریف کلی از توسعه ارائه کنیم می توانیم بگوئیم: توسعه عبارت است از فراگرد تحوّل نهادها از وضع موجود به وضع مطلوب است به نحوی که توان و ظرفیت بالقوه جامعه بصورت بالفعل درآید و استعدادهای اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی آن از هر جهت بارور و شکوفا شود.

دکتر افتخاری توسعه را چنین تعریف کرده است:

توسعه فرآیند افزایش انتخاب مردم، گسترش مشارکت دموکراتیک، تواناسازی مردم برای تصمیم گیری در شکل دهی فضای زیست خویش، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت ها و ظرفیت های بالقوه، توانا سازی همه ی مردم بویژه زنان، فقرا، کشاورزان خرده با و ... برای سامان دهی فضای زیست خود و تواناسازی برای انجام کار گروهی است.

با توجه به تعریف توسعه و ابعاد مختلف آن در جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دهیاران می توانند با برنامه ریزی و هماهنگی با سازمانهای ذیربط دگرگونی های اساسی و بنیادی را در حوزه ی مأموریت خود بوجود آورند.

تعریف اقتصاد

به نظر برخی محققان اقتصاد علمی است که بررسی می کند چگونه امکانات و منابع در اختیار بشر را جهت برطرف نمودن نیازهای او اختصاص دهیم بطوری که از این امکانات و منابع حداکثر استفاده بهینه به عمل آید. علم اقتصاد عبارت است از علم به مجموع وسایلی که برای رفع نیازمندی های مادی بشر از آن استفاده می شود (کوپاهی، ۱۳۶۵)

مدیریت اقتصادی

مساله مدیریت اقتصادی مهم ترین نقش را در استفاده بهینه از منابع در اختیار، سازماندهی نیروی انسانی و ارائه محصول از سوی هر بنگاه اقتصادی و نهاد خدمت رسان دارد. اگر در ایران بخواهیم به اجمال شیوه مدیریت اقتصادی معمول را تقسیم و توصیف کنیم به «چهار نوع مدیریت اقتصادی» می توان اشاره کرد.

۱- مدیریت اقتصادی در بخش دولتی:

در این نوع مدیریت غالباً دغدغه ای برای تامین منابع وجود ندارد چراکه از طریق بودجه عمومی منابع در اختیار مدیر قرار می گیرد و به دلیل بوروکراسی حجیم دولتی شاخص های دقیقی برای اندازه گیری میزان کارایی و اثربخشی و استفاده بهینه از منابع در اختیار وجود ندارد. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت هزینه و روزمرگی است و به همین دلیل مشاهده می شود نسبت هزینه به فایده (محصول) به جای آنکه با افزایش بهره وری روندی کاهشی داشته باشد، به عکس روندی افزایشی دارد و روزه روز بر حجم هزینه های دولت می افزاید و...

۲- مدیریت اقتصادی در بخش عمومی:

در این نوع مدیریت تامین درآمد و منابع یکی از دغدغه های اصلی اداره بنگاه را تشکیل می دهد چرا که بدون تامین منابع اداره بنگاه ممکن نیست، از این رو مدیریت ناچار از برنامه ریزی برای تامین منابع و هزینه آن از طریق چرخه تولید کالا و خدمات است و به نسبتی که این چرخه خالی از دست اندازی به

منابع بودجه عمومی و شرایط رانتی باشد بر کارایی و اثر بخشی و استفاده بهینه از منابع در اداره بنگاه می افزاید. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت هزینه- فایده است و به میزانی که بنگاه های این بخش استقلال مالی و اداری از دولت داشته باشند ناچار از کاهش هزینه و افزایش بهره وری و تولید برای ادامه حیات اقتصادی خواهد بود در نتیجه مدیریت اقتصادی آینده نگر و دقیق و پاسخگویی را می طلبد.

۳- مدیریت اقتصادی در بخش خصوصی:

در این نوع مدیریت تامین سود حرف اول را می زند و اصل در اداره بنگاه دستیابی به سودی معقول است و به همین دلیل برنامه ریزی برای تداوم چرخه تولید و فروش محصول از طریق تامین سرمایه و منابع و محاسبه دقیق هزینه ها راهنمای عمل مدیریت اقتصادی بنگاه در هر مقطع است. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت هزینه - فایده با حاشیه سود انتظاری است و مدیریت اقتصادی بنگاه باید تمام تلاش و سعی خود را برای بهینه سازی استفاده از امکانات موجود و ارتقای بهره وری به منظور دستیابی به سود انتظاری به کار بندد و معیار سودآوری بنگاه شاخصی است که در هر مقطع کارایی و اثربخشی و استفاده بهینه از منابع را اندازه می گیرد و به مدیر نمره می دهد و جایگاه او را در قبولی یا ردی و ادامه کار تعیین می کند.

۴- مدیریت اقتصادی نهادهای مدنی و صنفی:

در این نوع مدیریت انگیزه داوطلبانه افراد عضو حرف اول و آخر را می زند و چون تامین درآمد و منابع این بنگاه ها داوطلبانه صورت می گیرد اداره بنگاه و ارائه محصولش در برابر انتظاراتی که اعضا (و افراد هدف) دارند برنامه ریزی غلتانی را نیاز دارد. در مجموع این نوع مدیریت مبتنی بر مدیریت داوطلبانه با حداقل هزینه در برابر حداکثر خدمات دهی است و آنچه شاخص اندازه گیری اداره بهینه بنگاه است رضایتمندی اعضا (و افراد هدف) است که بازخورد آن را می توان در افزایش اعضا و گسترش دامنه فعالیت این نوع از بنگاه ها شاهد بود.

بر پایه آنچه آمد در این «چهار نوع مدیریت اقتصادی» در ایران به جرات می توان گفت آسان ترین آن، مدیریت اقتصادی در بخش دولتی است و سخت ترینش در بخش خصوصی و نهادهای مدنی و صنفی و از آنجا که در ایران غلبه کامل با بخش دولتی است می توان نتیجه گرفت ما بدترین وضعیت را به دلیل مدیریت اقتصادی در کشور داریم اما نکته جالب تر اینکه مدیریت اقتصادی در نهادهای مدنی و صنفی کمترین هزینه و بیشترین فایده را برای دولت و جامعه دارند از این رو در ادبیات اقتصادی از تعداد آنها در هر واحد ملی به عنوان شاخصی برای اندازه گیری میزان «سرمایه اجتماعی» استفاده می شود که در

کشور ما مورد کمترین توجه و حمایت از سوی حاکمیت است البته تکلیف بخش خصوصی هم روشن است، به نظر نویسنده اگر قرار است که کشور ما راه توسعه و رشد را بییماید و فردایی بهتر را برای ایران و ایرانی رقم زند جز از طریق گذار از مدیریت اقتصادی در بخش دولتی به مدیریت اقتصادی در بخش خصوصی و نهادهای مدنی و صنفی ممکن نیست و همانگونه که در قانون برنامه چهارم توسعه آمده بود نگاه و سیاست های حاکمیت در این زمینه باید دگرگونی اساسی یابد به ویژه آنکه نگاه دولت به بخش خصوصی و نهادهای مدنی و صنفی نباید نگاهی مبتنی بر رقابت باشد بلکه دولت باید اینها را به عنوان مکمل و همکار خود در پیمودن مسیر سخت و دشوار توسعه بپذیرد و میدان فعالیت را به روی آنها گشاده دارد از این رو هرگونه برخورد محدودکننده دولت با نهادهای مدنی و صنفی با هر بهانه و دلیلی را باید یک گام ضد توسعه ای و به ضرر نهایی اقتصاد کشور به شمار آورد.

استراتژی‌های مختلف توسعه اقتصادی

در طول چند دهه اخیر، کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط، فرصت‌ها، ساختار حکومتی و فرهنگ اجتماعی خود استراتژی‌های توسعه اقتصادی مختلفی را در پیش گرفتند. این استراتژی‌ها بطور کامل قابل تفکیک نیستند بلکه طیفی را تشکیل می‌دهند که استراتژی‌های ذیل در آن قرار می‌گیرند. بعلاوه باید گفت که تقریباً هیچ کشوری بطور شفاف و مشخص هیچ یک از استراتژی‌ها را در پیش نمی‌گیرد (یا حداقل اعلام نمی‌دارد) بلکه این تحلیل کارشناسان و مطالعه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها است که مشخص می‌کند هر کشور تقریباً کدام استراتژی را انتخاب نموده است یا به انتخاب او نزدیک است.

از جمله استراتژی‌های توسعه اقتصادی بکارگرفته‌شده توسط کشورهای درحال توسعه (از دهه ۱۹۶۰ تا پایان دهه ۱۹۸۰) می‌توان به این موارد اشاره کرد.

استراتژی پولی

این استراتژی، بر ارتقای علایم بازار، به عنوان راهنمایی برای بهبود تخصیص منابع، متمرکز است. در عمل، این استراتژی اغلب در طول دوره‌ای بحرانی بکار گرفته می‌شود که تثبیت و تعدیل اقتصادی عدم تعادل‌های شدید از اولویت بالایی برخوردارند، و نتیجتاً معمولاً معیارهای بهبود قیمت‌های نسبی همراه با معیارهای کنترل نرخ افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. این استراتژی دارای جهت‌گیری اقتصاد خرد است، اما

هدف‌های اقتصاد کلان را دنبال می‌کند. وجه اصلی این استراتژی، اعطای فضای گسترده‌ای به بخش خصوصی است تا در آن به فعالیت بپردازد.

این استراتژی در آن دسته از کشورهای جهان سوم بکار می‌آید که از لحاظ اقتصادی پیشرفته‌تر هستند و اتکای خود را بر صنایع خصوصی قرار می‌دهند (در عین حال کشاورزی نیز به همان اندازه آزاد است تا رشد کند). نکته مهم آن است که بخش خصوصی به عنوان محور توسعه در نظر گرفته می‌شود و نقش "بخش پویا" را در اقتصاد به خود می‌گیرد و مسؤول ایجاد ارتباط بین بخش‌های عقب‌مانده و پیشرفته اقتصاد با دیگر بخش‌های اقتصاد می‌شود.

نقش دولت به حداقل کاهش می‌یابد، و در شرایط آرمانی، محدود به فراهم‌آوردن محیط اقتصادی باثباتی می‌شود که در آن بخش خصوصی بتواند رشد کند. دولت با استفاده از سیاست تثبیت می‌کوشد نوسانات اقتصادی را تا آنجا که مقدور است کاهش دهد، و بدین وسیله، بخش خصوصی را در انجام پیش‌بینی‌های قابل اتکا و اجرای برنامه‌ریزی‌های دقیق یاری رساند. اساساً روح این استراتژی غیرمداخله‌گرانه است و بر نوآوری و کارآفرینی (برای پیشبرد اقتصاد) استوار است.

از جمله کشورهایی که چنین استراتژی را در این دوره در پیش گرفتند می‌توان به شیلی و آرژانتین اشاره کرد.

استراتژی اقتصاد باز

این استراتژی نگاه به خارج دارد و در بعضی از وجود همچون استراتژی پولی است اما نه در همه آن‌ها. این استراتژی نیز برای تخصیص منابع، متکی به نیروهای بازار و بخش خصوصی است (که نقش برجسته‌ای را برای آن ایفا می‌نمایند) اما با تاکید بر سیاست‌هایی که مستقیماً بخش تجارت خارجی را تحت تاثیر قرار می‌دهند مثل سیاست‌های نرخ مبادله ارز، مقررات تعرفه‌ای، سهمیه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای بر تجارت، و سیاست‌هایی که سرمایه‌گذاری خارجی و بازگشت سود این سرمایه‌گذاری‌ها به خارج را تنظیم می‌کنند که در این زمینه‌ها متفاوت با استراتژی پولی است.

تجارت خارجی که اغلب با سرمایه‌گذاری مستقیم بخش خصوصی خارجی تکمیل می‌شود، به عنوان بخش پیش‌تاز یا موتور رشد در نظر گرفته می‌شود. استراتژی‌هایی که دارای جهت‌گیری صادراتی‌اند به دنبال استفاده

از مزیت نسبی بین‌المللی کشور هستند و در همین راستا، به استفاده کارا و اثربخش منابع دست می‌یابند. فشار رقابت بین‌المللی امری حیاتی برای اقتصاد تلقی می‌شود چون انگیزه‌ای قوی در تولیدکنندگان ایجاد می‌کند (کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، نوآوری، بهبود استانداردهای کیفیت. استراتژی توسعه با سمت‌گیری خارجی، باید نه تنها سطح درآمد را ارتقا دهد بلکه باید بتواند سطح پس‌اندازها و احتمالاً میزان پس‌اندازها را نیز افزایش دهد. این امر به نوبه خود، نرخ سریع‌تر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد سریع‌تر را امکان‌پذیر می‌نماید.

اقتصاد باز نه تنها بر روی تجارت خارجی باز است بلکه بر روی حرکت‌ها و جابجایی‌های عوامل تولید (یعنی سرمایه و کار) نیز باز است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی و کمک‌های خارجی همگی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. نه صرفاً انتقال بین‌المللی سرمایه، بلکه انتقال دانش، فناوری و مهارت‌های مدیریتی به کشورهای جهان سوم نیز به عنوان افزایش بهره‌وری تلقی می‌شود، چون از این طریق می‌توان به افزایش سطح تولید و رشد سریع‌تر درآمدها دست یافت. مهاجرت نیروی کار غیرماهر به عنوان کمکی در جهت کاهش بیکاری (نه مهاجرت نیروی کار متخصص و ماهر، یعنی فرار مغزها) دارای تاثیر مثبت در افزایش درآمد نیروهای موجود است.

منطقاً نباید "عدم وجود تبعیض در مقابل صادرات" را از "عدم وجود تبعیض در مقابل ورود سرمایه‌گذاری خارجی" جدا دانست، چون یک محیط حفاظت‌شده در مقابل واردات، باعث جذب سرمایه‌های خارجی در بخش‌های نامناسب و کاهش مقدار آن در بلندمدت می‌شود (بدلیل کمتر بودن گزینه‌های پیش روی سرمایه‌گذاران). بعلاوه وجود یک نرخ مبادله ارز متعادل (یا به طور کلی‌تر نبود سیاست‌های حمایتی در مقابل صادرات) باعث تضمین هرچه‌بیشتر جذب وام‌های خارجی به بخش‌های مولد و بارور خواهد شد. برخلاف استراتژی پولی، یک استراتژی توسعه با سمت‌گیری خارجی، حاکی از نقش فعال دولت است. از دولت انتظار می‌رود که علاقمند به دستیابی به قیمت‌های صحیح (واقعی)، بخصوص قیمت‌های کلیدی نرخ مبادله ارز، نرخ‌های بهره، و نرخ دستمزد باشد (وجه مشترک با استراتژی پولی). در اقتصادی که نیروی کار فراوان دارد، استراتژی دارای سمت‌گیری صادرات "کار-بر" (متکی بر نیروی کار) خواهد بود و نتیجتاً تأثیری مثبت بر کاهش فقر و نابرابری خواهد گذاشت. اگر ارتباطات مابین بخش تجارت خارجی و دیگر بخش‌های اقتصادی کشور قوی باشد، یک بخش صادراتی روبه‌گسترش موجب ایجاد فعالیت در سراسر اقتصاد خواهد بود (در غیر اینصورت تنها یک بخش تحت سلطه خارجی خواهد بود).

استراتژی صنعتی شدن

در این استراتژی نیز همچون استراتژی قبلی، تاکید بر رشد است اما ابزار دستیابی به رشد، گسترش سریع بخش صنعت است. برخلاف استراتژی پولی، توجه بی‌واسطه معطوف به کارآیی کوتاه‌مدت در تخصیص منابع نیست بلکه شتاب نرخ کلی رشد تولید ناخالص داخلی مورد توجه است. این امر از سه طریق حاصل می‌شود: تولید کالاهای مصرفی صنعتی عمدتاً برای بازارهای داخلی (پشت دیوارهای بلند تعرفه‌ای)، تاکید بر توسعه صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای (معمولاً تحت اداره و هدایت دولت)، سمت‌گیری سنجیده بخش صنعت به سمت صادرات ترکیبی از برنامه‌ریزی ارشادی و کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی.

استراتژی‌های صنعتی‌کردن در عمل مایل به بالابردن سطح تشکیل سرمایه، دستیابی به فناوری‌های نوین (که اغلب سرمایه‌بر هم هستند)، و به دنبال آن، ترغیب رشد چند منطقه شهری بزرگ هستند. گسترش شهرنشینی و درپیش گرفتن استراتژی صنعتی‌شدن به همراه هم روی می‌دهند. دخالت‌های دولت در تعقیب اهداف، غالباً زیاد است اما شکل آن وابسته به انتخاب یکی از سه طریق فوق است. در واقع از دخالت دولت حمایت می‌شود با این توجیه که موجب رشد سریعتر می‌شود. این دخالت با هدف بالابردن سطح تولید طراحی می‌گردد، نه بخاطر افزایش کارآیی تخصیص منابع یا تغییر توزیع درآمد و ثروت به نفع گروه‌های کم‌درآمد.

فرضیه اساسی این است که میزان پس‌انداز تابعی صعودی از سطح درآمد خانوار است و از این رو هرچه درجه نابرابری بیشتر باشد، سطح پس‌اندازهای کل بیشتر خواهد بود، یعنی تحت این استراتژی، به توزیع درآمد به عنوان ابزاری نگریسته می‌شود که هدف آن انتقال توزیع درآمد به سوی گروه‌های متمایل به پس‌انداز بالا است. اعتقاد نیز بر این است که این روش سرمایه‌گذاری، آسان‌تر تامین مالی می‌شود و رشد شتاب خواهد گرفت و درنهایت فقرا از این فرآیند منتفع خواهند شد (زمانی که ثمرات رشد پخش شود و به سمت فقرا بازگردد).

استراتژی انقلاب سبز

کانون توجه این استراتژی رشد کشاورزی است. یکی از اهداف این استراتژی، افزایش عرضه غذا (بویژه غلات و حبوبات) به عنوان مهمترین کالاهای دستمزدی است. عرضه فراوان این محصولات، قیمت نسبی غذا را کاهش داده و در نتیجه باعث کاهش هزینه‌های پایه کار خواهد شد. هزینه‌های پایین‌تر هر واحد کار،

باعث افزایش سطح عمومی سود در فعالیت‌های غیرکشاورزی شده و این امر باعث افزایش پس‌اندازها، سرمایه‌گذاری و نرخ بالاتر رشد همه‌جانبه خواهد شد.

دومین هدف این استراتژی، کمک مستقیم به صنعت است (بویژه صنایعی که در مناطق روستایی قرار دارند) که از طریق برانگیزاندن تقاضا برای نهاده‌های کشاورزی، کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای (کود، تلمبه آبیاری، مواد ساختمانی) و بوسیله ایجاد یک بازار بزرگتر برای کالاهای مصرفی ساده که در حومه شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرند (دوچرخه، رادیو و ... صورت می‌گیرد. بسیاری از این صنایع، "کار-بر"تر از صنایعی هستند که در استراتژی صنعتی شدن ترغیب و توصیه می‌شوند و به همین خاطر، فرصت‌های اشتغال بیشتری را هم در مناطق روستایی و هم شهری ایجاد می‌کنند.

عامل کلیدی شتاب‌دهنده به رشد کشاورزی در مناطق روستایی، رشد فنی (فناورانه) است. تاکیدات به‌نسبه کمتری روی تغییرات نهادی، اصلاحات حق‌الاجاره‌ها، توزیع مجدد زمین یا مشارکت مستقیم و بسیج جمعیت روستایی می‌شود. در عوض، تاکیدات بیشتری روی تنوع محصولات اصلاح‌شده، استفاده بیشتر از کود شیمیایی و دیگر نهاده‌های جدید، سرمایه‌گذاری در سیستم‌های آبیاری، تحقیقات کشاورزی بیشتر، و ارائه خدمات ترویجی و اعتباری بهتر است. بنابراین این روش دارای سمت‌گیری فن‌سالارانه است.

هدف عمده این استراتژی، کاهش فقر توده مردم از طرق مختلف است: اول اینکه تصور آن است فقرا مستقیماً از فراوانی بیشتر غذا منتفع می‌شوند. دوم اینکه به‌خاطر افزایش تولیدات کشاورزی، اشتغال بیشتری در کشاورزی بوجود خواهد آمد. سوم اینکه به‌خاطر کشش درآمدی، تقاضای بیشتری برای اقلام مصرفی غیرغذایی ایجاد می‌شود که باعث ایجاد مشاغل بیشتری در زمینه‌های غیرکشاورزی و صنایع شهری خواهد شد. چهارم اینکه بخاطر "کار-بر" بدون فوق‌العاده این استراتژی، دستمزدهای واقعی هم در شهرها و هم در مناطق غیرشهری افزایش می‌یابد که این امر نهایتاً منجر به توزیع برابرتر درآمد خواهد شد.

استراتژی توزیع مجدد

می‌توان گفت این استراتژی از جایی آغاز می‌شد که استراتژی انقلاب سبز خاتمه می‌یابد، یعنی با هدف مستقیم بهبود توزیع مجدد درآمد و ثروت. این استراتژی با اولویت‌دهی به ضوابطی که مستقیماً گروه‌های کم‌درآمد را منتفع می‌سازد، برای برخورد رودرو با مساله فقر طراحی شده است. سه رویکرد در این استراتژی وجود دارد: نخست، تاکید بر ایجاد اشتغال بیشتر یا اشتغالزایی تولیدی بیشتر برای طبقات فقیر و زحمتکش؛ دوم، توزیع مجدد بخشی از درآمد اضافی حاصل از رشد کشور بین فقرا؛ و سوم اولویت‌دهی به تامین نیازهای اساسی (غذا، لباس، مسکن و برنامه‌های بهداشتی و آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه توسط دولت) که به

طور ضمنی قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری را در اختیار فقرا قرار می‌دهد. تصور غالب اینست که این استراتژی نیازمند توزیع مجدد دارایی‌های مولد (بویژه اصلاحات ارضی) است. بعلاوه بایستی مشارکت فقرا در اداره جامعه را افزایش داده و آنان را در قالب گروه‌های اجتماعی و سیاسی (فشار) سازماندهی کرد. این استراتژی در واکنش نسبت به شکست استراتژی‌های رشدمحور در کاهش تعداد فقرا یا ارتقای سطح زندگی آنان ظهور نموده است. هدف اصلی این استراتژی بهبود توزیع درآمد و ثروت از طریق مداخله مستقیم دولت است: اولویت‌دهی به نیاز فقرا و ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر. این استراتژی شامل پنج عنصر اصلی است:

- توزیع مجدد دارایی‌های اولیه (عمومی)
- ایجاد نهادهای محلی برای جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه
- سرمایه‌گذاری فراوان و سنگین در سرمایه انسانی کشور
- یک الگوی اشتغالزای توسعه
- رشد سریع و پایدار درآمد سرانه کشور

بعلاوه باید گفت که برخلاف استراتژی پولی و صنعتی کردن، فرض طرفداران استراتژی توزیع مجدد اینست که لزوماً تضاد یا ارتباطی مابین سیاست‌های توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت در جامعه، و سیاست‌های شتاب‌بخشی به رشد وجود ندارد.

استراتژی سوسیالیستی توسعه

وجه تمایز این استراتژی با دیگر استراتژی‌ها در کمرنگ‌بودن نقش مالکیت خصوصی تولید است. تقریباً تمامی شرکت‌های بزرگ، دولتی هستند و شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند براساس اصول تعاونی‌ها سازماندهی گردند و به فعالیت بپردازند. مالکیت خصوصی تنها در کسب‌وکارهای کوچک خدماتی یا فروشگاهی) وجود دارد. در کشاورزی نیز، مزارع دولتی، اشتراکی، تعاونی و جمعی وجود دارند، هرچند در بعضی کشورها همچون چین، زمینی که مالکیت جمعی دارد منفرداً توسط خانوارهای روستایی مورد کشت قرار می‌گیرد.

مالکیت دولتی و اشتراکی دارایی‌های مولد معمولاً با برنامه‌ریزی متمرکز اغلب فعالیت‌های اقتصادی همراه است. از بعد تاریخی، اکثر برنامه‌ریزی‌ها برحسب کالاها و اجناس انجام می‌شود (سه‌میه‌ها و کنترل‌های مقداری، ابزار سیاستی اصلی هستند)، اما برخی تجربیات جدید نیز وجود داشته است که در آنها به جای هدف‌های مقداری، از قیمت‌ها برای هدایت اقتصاد استفاده شده است.

کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر تفاوت دارند بطوریکه می‌توان چهار روش مختلف توسعه اقتصادی را که از سوی حکومت‌های سوسیالیستی در زمان‌های مختلف پذیرفته شده است، شناسایی نمود. این چهار روش عبارتند از:

الف) الگوی کلاسیک شوروی (یا استالینیست)، که در آن به منظور تامین مالی گسترش سریع صنایع مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، کشاورزی تقویت می‌گردد.

ب) الگوی خودگردانی کارگران یوگسلاوی، که درجه بالایی از عدم تمرکز با خود دارد.

پ) الگوی چینی (مائوئیست)، که تاکید عمده آن بر توسعه روستایی در قالب مزارع اشتراکی است.

ت) الگوی کره شمالی، که مبتنی بر خودکفایی (اتکا به خود) است.

علی‌رغم تنوع موجود، تمامی این استراتژی‌های توسعه را می‌توان با نرخ‌های بالای سرمایه‌گذاری شناخت. غیرمعمول نیست که شاهد سرمایه‌گذاری در ۳۰ درصد یا حتی درصد بالاتری از تولید داخلی در این کشورها باشیم. البته بعضی اوقات، کارایی سرمایه‌گذاری‌ها پایین است. اما به‌هرحال، نرخ‌های رشد بسیار سریع هستند. نرخ بالای سرمایه‌گذاری، نشانگر نسبت پایین مصرف به درآمد ملی است که نتیجه آن به نفع مصارف عمومی (همچون بهداشت، آموزش، حمل و نقل عمومی) و به‌بهای کاهش مصرف بخش خصوصی، هزینه خواهد شد. نتیجه این امر، کمیابی خدمات شخصی، توزیع نسبتاً یکنواخت کالاهای مصرفی میان خانوارها، و توزیع نسبتاً عادلانه منافع حاصل از رشد کشور است.

توسعه اقتصادی چیست؟

باید بین دو مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود.

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد. توسعه اقتصادی عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد.

الف) توسعه اقتصادی: در رویکرد عمومی، توسعه اقتصادی به معنای افزایش مستمر و باثبات درآمد ملی است. این باور بر پایه این تصور است که چنین افزایشی فقط در صورتی می‌تواند در دوره‌های بلندمدت پایدار باشد که فرایندهای اقتصادی و اجتماعی خاصی در کار باشند. این فرایندها را که تصور می‌شود در جریان توسعه نقش پایه‌ای دارند، می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

- سهم سرمایه‌گذاری در افزایش هزینه‌های ملی، به افزایش سهم سرمایه سرانه هر شاغل منجر می‌شود.
- ساخت تولید ملی تغییر یافته، متنوع‌تر شود و به صورت صنایع بخش‌های رفاه یا خدماتی سهم نسبتاً بیشتری در مقایسه با کشاورزی و دیگر شکل‌های تولید اولیه به دست آورد.
- بخش بازرگانی خارجی، خصوصاً به صورت صادرات فرآوری شده متناسب با کل اقتصاد، در صادرات افزایش یابد و سهم بیشتری کسب کند.

• بودجه دولت، با توجه به آنکه تعهدات وسیعی در ایجاد زیربنای اقتصادی و اجتماعی بر عهده دارد، متناسب با درآمد ملی افزایش یابد.

• همزمان و همگام با این دگرگونی‌های ساختاری در اقتصاد، تغییرات مهمی نیز در ساختار اجتماعی رخ می‌دهد که از این قرارند:

- جمعیت در اثر کاهش میزان مرگ‌ومیر به سرعت زیاد می‌شود. سپس یک گذار جمعیتی به وقوع می‌پیوندد که در آن شرایط ارتقایافته زندگی، به نوبه خود موجب پایین آمدن نرخ تولد در راستای ممانعت از افزایش کل جمعیت می‌شود.

- سواد، مهارت و دیگر صور تحصیل و آموزش و پرورش به سرعت در بین جمعیت رواج می‌یابد.

این نوع مفهوم‌سازی از توسعه اقتصادی به صورت روابط متقابل میان هم‌سازی سرمایه، صنعتی‌شدن، رشد دولت، شهری‌شدن و آموزش و پرورش را می‌توان در آثار بسیاری از نویسندگان معاصر یافت (اسملسر ۱۹۶۳، ازکیا ۱۳۶۵، تودارو ۱۹۸۱، روشه ۱۳۷۰، سن ۱۳۸۱، زاهدی ۱۳۸۲، وینر ۱۳۵۰، هانت ۱۳۷۶ و میردال ۱۳۵۵).

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد:

- افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر
- ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

شاخص‌های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتگی می‌توان این موارد را برشمرد.
الف. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل‌ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه‌یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار.

ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد.

ج. شاخص درآمد پایدار: (GNA SSI) کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید.

د. شاخص‌های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گراناهان (۱۹۷۳) برمبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد (بعد، شاخص توسعه انسانی معرفی گردید).
و. شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (دربدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه‌رفتن افراد است).

مکاتب مختلف توسعه اقتصادی

از قرن هجدهم و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه‌های اقتصادی ظهور نمود. این اندیشه‌ها، در پی تئوریزه کردن رشد در حال ظهور، علل و عوامل، راهکارهای هدایت و راهبری، و بررسی پیامدهای ممکن بود. از جمله مکاتب پایه در توسعه اقتصادی می‌توان به این موارد اشاره کرد.

نظریه آدام اسمیت

اسمیت یکی از مشهورترین اقتصاددانان خوشبین کلاسیک است که از او به عنوان "پدر علم اقتصاد" نام برده می‌شود. اسمیت و دیگر اقتصاددانان کلاسیک (همچون ریکاردو و مالتوس)، "زمین"، "کار" و "سرمایه" را عوامل تولید می‌دانستند. مفاهیم دست نامرئی "تقسیم کار"، "انباشت سرمایه" و "گسترش بازار"، اسکلت نظریه وی را در توسعه اقتصادی تشکیل می‌دهند. تعبیر "دست‌های نامرئی" آدام اسمیت را می‌توان، به طور ساده، نیروهایی دانست که عرضه و تقاضا را در بازار شکل می‌دهند، یعنی خواست‌ها و مطلوب‌های مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات (از یک طرف) و تعقیب منافع خصوصی توسط تولیدکنندگان آنان (از طرف دیگر)، که در مجموع سطوح تولید و قیمت‌ها را به سمت تعادل سوق می‌دهند. او معتقد بود "سیستم مبتنی بر بازار سرمایه‌داری رقابتی" منافع همه طرف‌ها را تامین می‌کند.

اسمیت سرمایه‌داری را یک نظام بهره‌ور با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان می‌دید. بخصوص او روی اهمیت تقسیم کار (تخصصی شدن مشاغل) و قانون انباشت سرمایه به عنوان عوامل اولیه کمک‌کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌داری (و یا به تعبیر او "ثروت ملل") تاکید می‌کرد. او اعتقاد داشت "تقسیم کار" باعث افزایش مهارت‌ها و بهره‌وری افراد می‌شود و باعث می‌شود تا افراد (در مجموع) بیشتر بتوانند تولید کنند و سپس آنان را مبادله کنند. باید بازارها توسعه یابند تا افراد بتوانند مازاد تولید خود را بفروشند (که این نیازمند توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل است).

آدام اسمیت اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در کشاورزی، صنعت و تجارت می‌دانست، چون او معتقد بود به دلیل نیاز فزاینده‌ای که برای مواد غذایی وجود دارد کمبود آن و تأثیرش بر دستمزدها می‌تواند مانع توسعه شود. تئوری توسعه اقتصادی اسمیت، یک نظریه گذار از فئودالیسم به صنعتی‌شدن است.

نظریه مالتوس

شهرت مالتوس بیشتر به نظریه جمعیتی وی مربوط می‌شود حال آنکه وی در مورد مسایل اقتصادی مانند اشباع بازار و بحران‌های اقتصادی نیز دارای نظریات دقیقی است. در اینجا به صورت گذرا هر دو را بیان می‌کنیم:

الف. نظریه جمعیتی مالتوس: او معتقد بود با افزایش دستمزدها (فراتر از سطح حداقلی معیشت)، جمعیت افزایش می‌یابد، چون همراهی افزایش دستمزدها با افزایش میزان تولید، باعث فراوانی بیشتر مواد غذایی و کالاهای ضروری شده و بچه‌های بیشتری قادر به ادامه حیات خواهند بود. به اعتقاد او، وقتی دستمزدها افزایش می‌یابد و با فرض سیری‌ناپذیری امیال جنسی فقرا، می‌توان انتظار داشت که در صورت عدم وجود موانع، جمعیت طی هر نسل (هر ۲۵ سال یک‌بار) دو برابر گردد. به همین علت، علی‌رغم افزایش درآمدهای فقرا، همچنان طبقات فقیرتر جامعه، فقیر باقی می‌مانند. در مقابل رشد محصولات کشاورزی فقط به صورت تصاعد حسابی و با نرخ ۱ و ۲ و ۳ و ۴ ... افزایش می‌یابد. دین خاطر، ناکافی بودن تولید مواد غذایی باعث محدود شدن رشد جمعیت شده و بعضاً درآمد سرانه نیز به سطحی کمتر از معیشت تنزل می‌یابد. تعادل وقتی بوجود می‌آید که نرخ رشد جمعیت، با افزایش میزان تولید همگام گردد.

ب. نظریه اشباع بازار مالتوس: او بیان می‌دارد که کارگران بایستی بیش از ارزش کالاهایی که تمایل به خرید آن‌ها دارند ارزش ایجاد نمایند تا توسط کارفرمایان استخدام شوند. این امر باعث می‌شود که کارگران قادر به خرید کالاهای تولیدی خود نباشند، لذا لازم است چنین کالاهایی توسط دیگر اقشار جامعه خریداری شود. به نظر وی، اگرچه سرمایه‌داران قدرت مصرف منافع خود را دارند اما بیشتر مایل به گردآوری ثروت هستند. مالکان زمین هم که مایل به خرید چنین کالاهای مازادی هستند نمی‌توانند تمام مازاد تولید را جذب نمایند. به همین خاطر "جنگ" (برای تصاحب بازارهای جدید و افزایش تولید) راهگشای معضل اشباع بازار برای کشورهای همچون آمریکا و انگلستان بوده است. او پیشنهاد می‌کند در مواقعی که کشور دچار بحران است باید به افزایش هزینه‌ها در کارهایی که بازده و سودشان مستقیماً برای فروش وارد بازار نمی‌شود (همچون راهسازی و کارهای عمومی) پرداخت.

نظریه ریکاردو

ریکاردو با پذیرش نظریه جمعیتی مالتوس، به توسعه مکتب کلاسیک بنیان‌گذاری‌شده توسط اسمیت پرداخت. درحالی‌که اسمیت روی مساله "تولید" تاکید می‌ورزید، ریکاردو بر مبحث "توزیع درآمد" متمرکز گردید و بعداً نئوکلاسیک‌ها (شاگردان وی) بر "کارآیی" متمرکز شدند. دو نظریه معروف او، "قانون بازده نزولی" و "مزیت نسبی" است:

الف. قانون بازده نهایی نزولی: به اعتقاد ریکاردو، همزمان با رشد اقتصادی و جمعیتی، به دلیل افزایش نیاز به مواد غذایی و محصولات کشاورزی، کشاورزان مجبور خواهند شد زمین‌های دارای بهره‌وری پایین‌تر را نیز زیر کشت ببرند (بعد از زمین‌های درجه یک که در آغاز زیر کشت می‌روند، زمین‌های درجه دو و درجه سه مورد استفاده قرار می‌گیرند). از آنجایی‌که بهره‌وری زمین‌های درجه ۲، ۳ و ۴ کمتر از زمین‌های درجه ۱ است، هزینه تولید در آنان افزایش می‌یابد. در نتیجه قیمت مواد غذایی افزایش یافته و بالتبع سود بادآورده‌ای (رانت) نصیب صاحبان زمین‌های درجه ۱ می‌گردد. مقدار این رانت دریافتی توسط صاحبان زمین، همگام با رشد جمعیت افزایش یافته و باعث کاهش درآمد کل جامعه (در دسترس کارگران و مهمتر از آن سود سرمایه‌گذاران) می‌شود. نهایتاً اقتصاد به یک وضعیت ایستا یا تعادلی می‌رسد که در آن، کارگران صرفاً دستمزدهایی در سطح حداقل معیشت دریافت می‌کنند. به اعتقاد او، رشد اقتصادی در یک جامعه سرمایه‌داری در سایه وجود مواد غذایی ارزان‌قیمت (که به معنی پایین‌تر بودن دستمزدهای کارگران صنعتی و بالاتر رفتن سودهای سرمایه‌داران است و در نتیجه افزایش امکان انباشت سرمایه در صنعت، تولید بیشتر و در نهایت افزایش درآمدهای اقتصادی کل، تحقق می‌یابد.

از دیدگاه ریکاردو، افزایش بهره‌وری کشاورزی (در مقایسه با صنعت)، پایه اساسی رشد اقتصادی است. او اعتقاد داشت در بلندمدت با پیشرفت فناوری، بهره‌وری زمین‌های کشاورزی افزایش می‌یابد. ریکاردو تعقیب سیاست درهای باز برای تجارت آزاد را برای پایین‌نگهداشتن سطح دستمزدهای اسمی، توصیه نمود.

ب. نظریه مزیت نسبی: براساس این نظریه، مبادله آزاد مابین کشورها، باعث افزایش مقدار تولیدات (محصول) جهانی می‌شود. اگر هر کشوری به تولید کالاهایی روی آورد که توانایی تولید آن‌ها را با هزینه

نسبی کمتری (در مقایسه با دیگر شرکا و رقبای تجاری خود) دارد، در این صورت، کشور مفروض قادر خواهد بود، مقداری از کالاهایی را که با هزینه کمتری تولید می‌کند با کالاهای دیگری که ملت‌های دیگر قادر به تولید ارزانتر آن‌ها هستند، مبادله نماید. در پایان یک دوره زمانی، ملت‌ها در خواهند یافت که امکانات مصرف آن‌ها، در اثر تجارت و تخصصی‌شدن، نسبت به زمانی که همه کالاهای موردنیاز خود را در داخل کشورهایشان تولید می‌کرده‌اند، افزایش یافته است. به همین خاطر، اقتصاددانان، تجارت آزاد جهانی را مطلوب می‌دانند چون باعث افزایش تولید ناخالص ملی کشورها و بالتبع افزایش رفاه ملت‌ها خواهد شد. او به کمک مفهوم "هزینه فرصت" نشان داد که نباید کشورها (بنابر اعتقاد اقتصاددانان گذشته) صرفاً بر تولید کالاهایی که در آن‌ها دارای مزیت مطلق (در مقابل دیگر کشورها) هستند، متمرکز شوند بلکه در داخل کشور نیز باید با در نظر گرفتن هزینه جایگزینی یک کالا با کالای دیگر، بر مبنای مزیت نسبی (مقایسه‌ای) عمل کرد.

مدل رشد کلاسیک

از مجموع دیدگاه‌های اقتصاددانان کلاسیکی که گفتیم، مدل رشد اقتصادی کلاسیک سربرآورد. از دیدگاه آنان، توسعه اقتصادهای سرمایه‌داری، مسابقه‌ای بود بین پیشرفت فناوری و رشد جمعیت، که در آن برای مدتی، پیشرفت فناوری در راس قرار داشت اما روزی این سرآمدی پایان خواهد یافت (و یا دچار رکود می‌شود) و اقتصاد سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. پیشرفت فناوری، به نوبه خود، وابسته به انباشت سرمایه است که بسترساز ماشینی‌شدن و تقسیم کار است. نرخ انباشت سرمایه نیز به سطح و روند تغییر سودها وابسته است. به طور خلاصه باید گفت، پیشرفت واقعی (به مفهوم برخورداری از یک سطح زندگی بالاتر که به‌گونه‌ای پایدار و مستمر در طی زمان رشد نماید) در این مدل وجود ندارد. بلکه مدل‌های رشد آرایه‌شده توسط این اقتصاددانان (کلاسیک)، نویدبخش توقف پیشرفت اقتصادی این کشورها در بلندمدت است، زمانی که دیگر درآمد سرانه امکان رشد بیشتر را از دست خواهد داد.

نظریه کارل مارکس

مارکس برخلاف اسمیت، مالتوس و ریکاردو، سرمایه‌داری را غیرقابل تغییر نمی‌دانست. او به سرمایه‌داری به عنوان یکی از شیوه‌های تولیدی که با کمون اولیه شروع شد، سپس وارد مرحله برده‌داری شد و پس از آن شیوه تولید فتودالیسم در جوامع حاکم گردید، می‌نگریست. او معتقد بود سرمایه‌داری مرحله چهارم از

شیوه‌های تولیدی رایج در جهان است که نهایتاً فرومی‌پاشد. این فروپاشی بخاطر رکود نخواهد بود بلکه به دلایل اجتماعی خواهد بود و نهایتاً جهان به یک مرحله نهایی به نام کمونیسیم خواهد رسید. عقیده او نقطه مقابل استوارت میل محسوب می‌شود چون او سرمایه‌داری را مرحله نهایی توسعه انسانی می‌دانست. مارکس قدرت تولیدی سیستم سرمایه‌داری را مورد ستایش قرار می‌دهد اما هزینه انسانی تولید چنین ثروتی را بخصوص توزیع شدیداً یک‌جانبه آن را مورد انتقاد قرار می‌داد. او بر این باور بود که ارزش افزوده تولید، فقط ناشی از کار طبقه کارگر (پرولتاریا) است درحالی‌که سرمایه‌داران سهم غیرمتناسبی از درآمد را صرفاً به‌خاطر تملک ابزار تولید به خود اختصاص می‌دهند. مارکس هوشمندانه دریافت که توزیع درآمد در جوامع سرمایه‌داری بسیار غیرمنصفانه و غیرعادلانه است.

مدل رشد اقتصادی سرمایه‌داری مارکس

از نظر مارکس هر یک از شیوه‌های تولید کمون اولیه، برده‌داری و فئودالیسم، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسیم دارای دو مشخصه عمده "نیروهای تولید" و "روابط تولید" هستند. نیروهای تولید مربوط به ساختار فنی تولید (همچون سطح و نرخ تغییر فناوری، ابزارها و وسایل تولید، و منابع طبیعی) است درحالی‌که روابط تولید به شیوه‌های خاص روابط انسان‌ها در جریان تولید مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، روابط تولیدی به روابط اجتماعی میان افراد به‌ویژه رابطه فرد با ابزار تولید گفته می‌شود.

در نظام سرمایه‌داری، رابطه طبقاتی اولیه به صورت ارتباط بین سرمایه‌دار و طبقه کارگر غیرمالکی که مجبور است به‌منظور زنده‌ماندن برای سرمایه‌دار کار کند، بوجود آمد. از دیدگاه مارکس، موفقیت‌های طبقاتی براساس نقشی که هر کس در فرآیند تولید ایفا می‌کند، قابل تعریف است. تابع تولید عمومی مارکس، تقریباً شبیه تابعی است که توسط کلاسیک‌ها عرضه شده است، با این تفاوت که مارکس تاکید بیشتری بر روی ساختارهای نهادی و طبقاتی جامعه نموده است.

نکته اساسی از دیدگاه مارکس اینست که سرمایه‌داران، انباشت سرمایه برای کسب سودهای بالاتر را، ادامه می‌دهند. اما درنهایت، افزایش یا کاهش سودها، وابستگی قطعی به سطح ارزش افزوده دارد و نه به نرخ رشد جمعیت و یا زمین‌های غیرمرغوب کشاورزی. افزایش سود، نیازمند کوششی بی‌وقفه از سوی سرمایه‌داران برای استثمار هرچه بیشتر کارگران از طریق افزایش بهره‌وری یا کاهش دستمزدهای واقعی آنان است. مارکس برخلاف سایر کلاسیک‌ها، رکودی را برای درآمد سرانه پیش‌بینی نکرد، بلکه او بر عدم تعادل درآمدها در جامعه سرمایه‌داری تاکید ورزید و سهم‌های درآمدی را وابسته به مبارزات طبقاتی (ظهورکننده) می‌دانست.

نظریه شومپتر

جوزف شومپتر اعتقاد داشت ماشین سرمایه‌داری علاوه بر اینکه قادر است نرخ‌های بالای رشد اقتصادی تولید کند، بلکه می‌تواند ضررهای اجتماعی آن را نیز جبران نماید. او قبلاً از جامعه مدنی سرمایه‌داری خالص، لذت می‌برد و آن را تایید می‌کرد. با این وجود او نیز رکود و فروپاشی سرمایه‌داری را باور داشت. او تحلیلش را اینگونه آغاز می‌کند که یک اقتصاد در تعادل ایستا قرار دارد و ویژگی آن یک "جریان دوری" است که برای همیشه تکرار می‌شود. در این سیستم اقتصادی، هر بنگاه در تعادل رقابتی کامل قرار دارد که هزینه‌های آن دقیقاً معادل درآمدهای آن است و سود صفر است. فرصت‌های سود وجود ندارد و خانواده‌ها نیز همچون یک بنگاه در چنین حالتی به سر می‌برند. اساس توسعه اقتصادی، قطع این جریان دوری است که به شکل یک "نوآوری" اتفاق می‌افتد. نوآوری، ساخت ماشین و ابزار جدید را ضروری می‌نماید. این نوآوری از سه طریق اتفاق می‌افتد: جایگزینی ماشین‌آلات و ابزارهای غیرقابل استفاده فعلی، انتظار کسب سودهای انحصاری از یک زمینه جدید، تولید محصول جدیدی که مردم حاضر به کاهش پس‌اندازهای خود برای خرید آن کالا باشند. او خودش بر راه دوم تاکید می‌ورزد. بعلاوه او به طور جدی بر لزوم وجود "کارآفرینان" تمرکز می‌کند و بیان می‌دارد که این افراد با کشف فرصت‌های نوین، جریان عظیمی از سرمایه‌گذاری‌ها و سودها را به راه می‌اندازند.

فصل دوم: توسعه اقتصادی و توسعه روستایی

آشنایی با برخی از مفاهیم اقتصاد روستایی

نهادهای متولی مدیریت روستایی می توانند علاوه بر اعتبارات و ردیف های بودجه ای که فقط بخش محدودی از نیازهای آنان را مرتفع می کند به واحدهای مولد پول و سرمایه تبدیل شوند و این هدف محقق نخواهد شد مگر آنکه دهیاران با مفاهیم اقتصادی مربوط به امور روستایی بیش از پیش آشنا شوند تا در صورت لزوم آنها را برای فعالیت های اقتصادی واحدهای تحت مدیریت خود بکار گیرند. برخی از این مفاهیم کلیدی بصورت مختصر و مفید بشرح زیر ارائه می شود:

انواع عقود اسلامی: در ابتدا لازم است در باره ی قراردادهای تجاری - اقتصادی اسلامی که واحدهای تولیدی و بیش از همه بانک ها می توانند در فرایند مؤثر باشند توضیحاتی جهت آشنایی ارائه شود:

۱- قرض الحسنه: وام قرض الحسنه برای رفع احتیاجات ضروری پرداخت می شود و به جهت جلوگیری از اثرات تورم زایی اینگونه وام ها، فقط در زمینه امور تولیدی اقدام به پرداخت آنها می شود. از این وام زمانی استفاده می شود که در خواست کشاورزان در قالب سایر عقود گنجانده نشود و از طریق آن محقق نگردد. وام قرض الحسنه همانطور که از نامش پیداست فاقد بهره و سود افزوده است. اما صرفاً مبلغ ناچیزی جهت تأمین هزینه های اداری و امور بانکی و پولی به عنوان کارمزد بهره از وام گیرنده دریافت می شود وام قرض الحسنه بانکها ممکن است به اشکال زیر پرداخت شود:

۱/۱- وام قرض الحسنه به تولید کنندگان، کارگاهها و واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی در جهت افزایش تولید محصول و خدمات در این واحدها پرداخت می شود و اهداف زیر را در نظر دارد:

الف) جلوگیری از ورشکستگی اقتصادی واحدهای تولیدی کم درآمد

ب) راه اندازی واحدهای تولیدی کشاورزی که تاکنون راکد مانده اند

ج) توسعه کارگاهها یا واحدهای کشاورزی کوچک در مناطق روستایی دور افتاده

د) کمک به کشاورزان و تولید گران یا واحدهایی که بر اثر بلایای طبیعی دچار خسارت شده اند

ه) سایر موارد، نظیر پرداخت وام قرض الحسنه به شرکتهای تعاونی تولید روستایی، شرکت های تعاونی صیادان و دام داران، اشخاص حقیقی مولد نیروی کار و اشتغال زا، پرداخت به منظور تجهیزات کشاورزی، ماشین آلات، و مکانیزاسیون و ...

۱/۲ - وام به شرکت تعاونی روستایی به منظور ایجاد اشتغال و تولید کشاورزی: این نوع قرض الحسنه به تعاونی هایی که تولید کار کشاورزی دارند اختصاص دارد و با هدف اشتغال زایی بیشتر پرداخت می شود از سال ۱۳۶۳ به بعد کارمزد این نوع وام ۲/۵ درصد تعیین شده است.

۲- مزارعه: بر اساس این قرارداد اقتصادی بانکها و دیگر مراکز اقتصادی زمین هایی را که در اختیار دارند همراه با سایر عوامل تولید از قبیل آب، بذر، نیروی کار ماهر و سرمایه برای کشت به زارع یا واحد تولیدی می سپارند و محصول بدست آمده به نسبتی که در قرارداد پیش بینی می شود و بسته به عرف محلی که در مناطق مختلف تفاوت دارد بین مرکز سرمایه گذار و واحد یا شخص مسئول انجام کار تقسیم می شود. از آنجا که واحدها و مراکز تولید کشاورزی بزرگ و نیز بانکها که سرمایه گذار امکانات محسوب می شوند عمدتاً مکانیزه بوده و اصولاً اداره ی آنها توسط خود مالکان کنترل می شود لذا این نحوه ی قرارداد چندان سودی برای بانکها و این مؤسسات نداشته است.

۳- مساقات: این قرارداد نیز شباهت های زیادی به مزارعه دارد با این تفاوت که در مزارعه، مزرعه به قرارداد سپرده می شود و در مساقات باغ ها، در این نوع قرارداد واحدهای سرمایه گذار اعم از بانکها یا دیگر واحدها و شرکتهای تولید کشاورزی باغهایی را که در اختیار دارند جهت آبیاری، مراقبت و هرس درختان به باغبانان و یا شرکتهای پیمان کار دواطلبی می سپارند. در شهرها نیز این شیوه برای اداره ی فضای سبز پارکها و دیگر مراکز عمومی و تفرج گاهها استفاده می شود. این شیوه می تواند بیش از اندازه مورد توجه دهیاران باشد چرا که نسبت مستقیمی با مقوله ی مدیریت و برنامه ریزی روستایی دارند.

۴- مشارکت عمومی: در این نوع قرارداد بانک یا مرکز سرمایه گذار و متقاضی (چه حقیقی و چه حقوقی) برای شرکتهای تولید کشاورزی یا خدمات کشاورزی با یکدیگر مشارکت می کنند و پس از تکمیل تأسیسات یکی از طرفین سهم خود را به دیگری می سپارد و پس از آن در صورتیکه مشتری تمایل به خرید سهم شرکت سرمایه گذار داشته باشد می تواند با نرخ سود تعیین شده بر اساس ضوابط جاری کشور وبصورت قسطی سهم بانک را خریداری کند.

۵- اجاره به شرط تملیک: از این نوع قرارداد بیشتر در حوزه ی مسکن استفاده می شود اما در امور کشاورزی نیز کاربرد دارد در این قرارداد بانک یا موسسه سرمایه گذار، ماشین آلات و تأسیسات مورد نیاز متقاضی یا شرکت خواهان را می خرد و با اجاره چند ساله به خودش واگذار می کند. در قرارداد شرط می شود که پس از پایان مدت اجاره در صورتیکه کلیه ی اقساط پرداخت شده باشد دارایی مورد اجاره در تملک متساجر قرار بگیرد. توجه به اصول این قرارداد در صورت توجه دهیاران می تواند مفید فایده بوده و به بهبود کیفیت مسکن روستاییان منجر شود.

۶- سرمایه گذاری مستقیم: در این مورد حداقل سه بانک یا شرکت سرمایه گذار با یکدیگر شرکتی تاسیس می کنند تا در یک زمینه ی مشخص کشاورزی فعالیت کنند در این نمونه معمولاً فعالیت مورد نظر

کلیدی و مهم است و بخش خصوصی نیز علاقمند به سرمایه گذاری نیست مگر آنکه از تسهیلات دولتی برخوردار شود.

۷- **سلف:** بر اساس این قرارداد بانک یا موسسه سرمایه گذاری برای تأمین هزینه های جاری یک دوره کشت محصول مربوط را پیش خرید می کند. بارها از رسانه های عمومی شنیده شده است که مثلاً دولت محصول چای یا برنج را برای یکسال پیش خرید کرده است. این اقدام از سوی دولت انجام می شود تا دست واسطه گران به عنوان عاملان افزایش قیمت کوتاه شود و نرخ تورم کنترل گردد. این شیوه بواسطه همین خاصیت و با توجه به اینکه سیاست دولت کاهش نرخ ها افزایش توانایی تولیدی و اشتغال زایی است بسیار مورد توجه و استقبال قرار می گیرد. (بسطام، ۱۳۸۳)

انجام معاملات دهیاری اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیر منقول مقاطعه، اجاره، و استجاره از وظایف دهیاران می باشد.

دهیارها باید به سمت خودکفایی اقتصادی حرکت کنند چرا که در این صورت مفهوم واقعی مشارکت عمومی در حوزه ی مدیریت کلان کشور و نیز توزیع عادلانه قدرت تحقق می یابد. اکنون که سیاست کلان کشور در دولت بر مبنای مشارکت هر چه بیشتر بر تضمین امنیت بیشتر استوار است بهتر است دهیاری ها نیز به عنوان واحدهای درخور توجه و مؤثر در این حوزه در جهت تحقق این امر مهم کوشا باشند و این امر تحقق نخواهد یافت مگر آنکه گشایش و بهبود وضعیت اقتصادی در این واحد اتفاق افتد.

رابطه میان اقتصاد روستایی و توسعه

اگر چه توسعه مفهوم وسیع تری از تولید اقتصادی و کسب ثروت دارد اما برای دستیابی به برخی ابعاد توسعه نظیر آموزش، بهداشت و خدمات پیش از هر چیز لازم است مردم به غذا و کار و نیازهای اولیه ی حیاتی دسترسی داشته باشند. برخی از برنامه ریزان روستایی علت توسعه نیافتگی روستاهای کشور ما را به رغم سرمایه گذاری هنگفت دولتی در تأمین خدمات آنها عقب ماندگی اقتصادی می دانند. بیکاری و فقر مالی عاملی عمده برای مهاجرت های روستایی شناخته شده و مهاجرت بی رویه خود موجب رکود و تباهی روستا گردیده است به نظر این برنامه ریزان اگر روستاهای کشور از نظر اقتصادی پویا و فعال شوند با افزایش درآمد بر مشکلات خود فائق آمده و قادر خواهند بود مدرسه، درمانگاه و راه بسازند و یا سایر نیازهای خود را برطرف نمایند از این طریق آنها می توانند محیط روستا را برای زندگی بهتر آماده کرده و سطح رفاه خود را افزایش

دهند و به سمت توسعه یافتگی حرکت کنند. لازمه ی این کار آن است که اقتصاد سنتی و کم درآمد و کم بازده متحوّل و به جای آن اقتصاد نوین جایگزین شود. امروزه اقتصاد روستایی با اقتصاد شهری و ملی و حتی جهانی گره خورده و ادغام شده است. نیازهای مردم روستا نیز گسترده شده و برای رفع آنها هر روستایی می بایست به تولید تجاری کالا و محصولات و مبادله ی آنها در بازار بپردازد، اما قبل از هر چیز لازم است تا اقتصاد روستا متحوّل و شکوفا شود.

ضرورت توسعه روستایی و نقش آن در توسعه

شناخت دقیق مسایل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد (تودارو، ۱۳۶۴، ۲۵۵).

یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت های شغلی است. توسعه و عمران روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است.

در بسیاری از کشورها، توسعه روستایی به مثابه راهبردی با اهمیت برای تامین نیازهای اساسی و توزیع بهینه منافع ناشی از توسعه ملی تلقی شده و بدین منظور نیز با شیوه های متعدد، الگوهای متنوعی برای توسعه روستایی تجربه شده که عمدتاً دستاوردهای مطلوبی نداشته و هنوز نیز سهم جوامع روستایی جهان سوم از توسعه و پیشرفت بسیار اندک است و اکثر فقرای این کشورها یا در روستاها بسر می برند و یا شهرنشینانی عمدتاً حاشیه نشین با منشاء روستایی بوده اند.

بانک جهانی سرانجام به این باور رسیده که توسعه روستایی، راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر و تلاشی همه جانبه برای کاهش فقر است که بویژه با افزایش تولید و ارتقاء بهره وری در محیط روستایی میسر می گردد. توسعه روستایی با نوین سازی جامعه روستایی بایستی این جامعه را از انزوای سنتی بیرون آورد و با اقتصاد ملی عجین سازد.

به همین جهت توسعه روستایی تلاشی فراگیر است و به محدوده یک بخش خلاصه نمی شود و کلیه بخش ها و زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و توسعه را در بر می گیرد (مشاورین DHV، ۱۹۷۹، ۶۲۹).

در ایران گر چه از ابتدای قرن حاضر تلاش های پراکنده ای برای توسعه روستایی آغاز گردیده و در تدوین بر نامه های عمرانی کشور نیز تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است اما تغییر و تحول در جامعه روستایی ایران با انقلاب اسلامی ابعاد گسترده و عمیقی یافت، هر چند به تناسب دگرگونی ها بر مسائل و چالش های توسعه روستایی نیز افزوده شد، بطوری که امروزه ضمن آن که بسیاری از مسائل دیرینه کماکان بجای مانده، چالش های نوینی نیز سر بر آورده اند.

با این حال برخی معتقدند که صنعتی شدن با ایجاد فرصتهای شغلی جدید، نرخ بیکاری را کاهش می دهد(طاهرخانی، ۱۳۷۹، ۵۳). کارشناسان دفتر بین المللی کار معتقدند که رشد اقتصادی، شرط لازم ریشه کن کردن بیکاری و فقر است؛ اما تنها شرط نیست.

همچنین مایکل تودارو برای اشتغال استراتژی جامع تدوین کرده و راه حل نهایی مساله بیکاری شهری را بهبود محیط روستایی می داند(تودارو، ۱۳۶۷، ۴۵۵).

اما در ایران عمران و توسعه روستایی به مقوله ای سهل و ممتنع تبدیل گشته است. سهل، زیرا روستاها هنوز بخش عمده ای از جمعیت را در خود جای داده اند، نقشی قابل توجه در تامین امنیت غذایی و تولید ایفا می کنند و آماده پذیرش وظایفی جدی تر در اقتصاد کشور هستند و... ممتنع، زیرا این مناطق فاقد اسناد مدیریتی در سطوح مختلف می باشد و در نظام برنامه ریزی، تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور جایگاهی قابل اعتنا و نسبت به توسعه آنها اعتقادی بنیادین وجود ندارد. از کارگزارانی آموزش دیده و معتقد به توسعه روستایی، در سطحی وسیع بهره نمی برند.

فاقد یک مدل موفق برای ترویج و توسعه آن در سطح کشور هستند(یدقار، ۱۳۸۳، ۷۲). یکی از خلاء های اساسی روستا های ایران، کمبود مطالعات و تحقیقات و ضعف شناخت در مورد آنهاست. بنابراین با توجه به پیچدگی مناطق روستایی نیاز عمیق به شناخت افزونتر آنها به منظور اتخاذ تصمیمات خردمندانه آشکار می گردد.

پیشینه توسعه

پیشینه توسعه بسیار وسیع است و دارای قدمتی همزمان با تغییرات طبیعی و اجتماعی در سطح کره زمین می باشد. از دیدگاه طبیعی، سابقه توسعه، همزمان با تحولات زمین شناسی است و از منظر اجتماعی برابر با ظهور جوامع بشری اولیه می باشد. در ابتدا بحث از توسعه بیشتر با اصطلاح تکامل و پیشرفت انجام می شد.

این کاربرد در آثار هربرت اسپنسر، سن سیمون، مارکس و ... وجود دارد. به مرور زمان اصطلاح توسعه جایگزین پیشرفت و تکامل گردید، داروین، هربرت اسپنسر و مارکس از پیشگامان اندیشه تکامل و توسعه در قرون جدید محسوب می شود.

جهانی شدن مقوله «توسعه» در طرح مسائل توسعه یافتگی بعضی کشورها و در مقابل، توسعه نیافتگی برخی دیگر، عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال بحث های اساسی در دوره بازسازی آغاز شد.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد و در ارتباط با دگرگون سازی ساختاری کشورها و سرزمین ها، اصطلاح رشد مطرح شد که بیشتر بار اقتصادی داشت، منظور از رشد اقتصادی بطور کلی گسترش فعالیت های اقتصادی از طریق بهره گیری وسیع تر از منابع به منظور دستیابی به سطحی بالاتر از تولید اقتصادی بود. عبارت دیگر رشد اقتصادی با افزایش سطح تولید ملی مترادف گردید (سعیدی، ۱۳۷۷، ۱۵۴ و ۱۵۵).

رواج مفهوم امروزی توسعه که بیشتر جنبه ای نسبی دارد، به دهه ۱۹۶۰ باز می گردد. پیش از آن مفاهیمی مانند آباد سازی (استعمار)، اصلاح، عمران، بهسازی، ترویج و نهایتاً رشد طی سالها مطرح بودند. اما با رشد شتابان صنعت و تکنولوژی در جهان و گسترش شهرنشینی عقب ماندگی مناطق روستایی جهان بیش از پیش نمایان شد. و چون روستاییان نسبت به شهرنشینان درآمد کمتری داشته و از خدمات اجتماعی، رفاهی و آموزشی ناچیزی برخوردار بودند لذا در جهت رفع فقر شدید مناطق روستایی، بهبود سطح و کیفیت زندگی روستاییان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره وری آنان بحث (توسعه روستایی) مطرح گردید. در ایران نیز به عنوان یکی از مراکز اولیه و مهم تمدن بشری، برنامه ریزی و توسعه به مفهوم کلی و عمومی آن سابقه زیادی دارد. وقتی که می خواهیم نقش روستا را در فرایند توسعه ملی بشناسیم باید ابتدا روشن کنیم که روستا چیست، منظور از توسعه چیست و ارتباط این دو با هم چگونه است؟

تعریف روستا

در منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از روستا شده است، که یکی از تعاریف که هم جامع به نظر می‌رسد و هم می‌توان با توجه به شرایط امروزی از یک روستا یاد کرد این است: که روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز، پیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا عرفی تشکیل می‌شود و اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به یکی از فعالیتهای اصلی زراعی، باغداری، دامداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیتهای اشتغال دارند و از آن ارتزاق می‌نمایند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی ما بین جامعه آن برقرار است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۳۱).

توسعه روستایی چیست؟

تا کنون تعاریف زیادی درباره توسعه روستایی مطرح شده است. بنا بر تعریف، توسعه روستایی، جزئی از برنامه های توسعه هر کشور می باشد که برای دگرگون سازی ساخت اجتماعی- اقتصادی جامعه روستایی بکار می روند. اینگونه برنامه ها را که دولت ها و یا عاملان آنان در مناطق روستایی پیاده می کنند، دگرگونی اجتماعی بر اساس طرح و نقشه نیز می گویند.

این امر در میان کشورهای جهان سوم که دولت ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی به عهده دارند، مورد پیدا می کند. از سوی دیگر توسعه روستایی را می توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست (ازکیا، ۱۳۸۱، ۷۶).

توسعه روستایی به معنی حفظ یا گسترش روستا نیست یعنی نباید به این مقوله این گونه فکر کرد. نباید فکر کرد که با توسعه روستایی می خواهیم روستا ها را گسترش دهیم و یا روستا ها را حفظ کنیم؟ بطور مرسوم وقتی می گوییم توسعه روستایی، این عبارت این معنی را می رساند که روستاهای موجود کشور یا باید حفظ شوند یا گسترش پیدا کنند. در حالی که هر دوی این معانی غلط است. توسعه روستایی را باید همان باز سازی روستا بدانیم. بازسازی روستا از دیدگاه فکری، اندیشه ای، آموزشی، تکنولوژی و تولید. این امور را باید توسعه اقتصادی انجام دهد.

پس هدف، بازسازی کامل جامعه روستایی است. لذا توسعه روستایی را باید به مفهوم بازسازی جامعه روستایی در نظر گرفت. توسعه فرایند نو سازی و بازسازی جامعه بر اساس اندیشه ها و باور های تازه است. باید دید که فرایند توسعه که خود ناشی از فرایند تحول فکری و اندیشه ای، و نهاد سازی است و سامان های تازه ای به زندگی می بخشد چه ارتباطی با توسعه روستایی به معنای مورد اشاره ما دارد؟ در این ارتباط بحث دو سوپیه ای وجود دارد. اولاً این که روستا در فرایند توسعه عمومی جامعه چه نقشی دارد؟ ثانیاً این که توسعه عمومی بر روستا چه تاثیراتی می گذارد؟ آیا واقعا می توان انتظار داشت که روستا در تحول اندیشه جامعه نقش موثری داشته باشد؟

این اندیشه ها و بصیرت های تازه در دوران مدرن شامل سه اندیشه اصلی علم باوری، انسان باوری و آینده باوری است.

۱. **علم باوری:** یعنی بشر پذیرفته که شاخه ای از معرفت هایش که از آن بعنوان علم یاد می کنیم، از اهمیت ویژه برخوردار است.

۲. **انسان باوری:** به این معنی که جامعه امروز ایده، یا اندیشه اصالت فرد و انسان را پذیرفته و ایده اصالت نجبا و اشراف را رها کرده است. بعبارت دیگر در دنیای مدرن وقتی کودکی به دنیا می آید. به همین اعتبار که این کودک از انسان زاییده شده، محترم است.

۳. **آینده باوری:** دو اندیشه علم باوری و انسان باوری با اندیشه سوم یعنی آینده باوری کامل شده است. در این اندیشه نگرش قدیمی به زندگی تغییر کرده است. در گذشته فردی که بدنی می آمد این طور فکر می شد.

که از پیش سرنوشتش تعیین شده است. مثلا اگر پدر کشاورز بود فرزند هم به احتمال قریب به یقین باید کشاورز می شد. اگر پدر آهنگر بود فرزند باید آهنگر می شد و ... اما دنیای جدید این اندیشه را عوض کرده است.

توسعه روستایی در برنامه پنجم توسعه کشور (۹۴-۱۳۹۰)

در این برنامه یک ماده بطور خاص به توسعه روستایی اختصاص دارد که جهت گیریها و سیاست های آن در قالب ماده ۱۹۴ (توسعه روستایی) به شرح زیر است:

ماده ۱۹۴- دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را از اقدامات زیر به عمل آورد:

الف) ارتقاء شاخصهای توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی.

ب) حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی - کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستانهای دارای قابلیت توسعه.

ج) تعیین الگوی مدیریت در آبادیهای فاقد شورای اسلامی.

د) تدوین سیاستهای تشویقی در جهت مهاجرت معکوس «از شهر به روستا» و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه.

ه) بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی.

و) آموزش فنی و حرفه‌ای مستمر روستاییان با هدف توانمندسازی برای ارائه و استفاده از خدمات نوین و مشارکت در فعالیتهای صنعتی و بهبود کیفیت تولیدات.

ز) ساماندهی و استقرار فعالیتهای کارآفرینی و اشتغالزای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوقهای مالی و اعتباری

ح) ساماندهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به‌منظور خدمات‌رسانی بهتر و مؤثرتر.

ط) احداث، ترمیم و نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راههای روستایی.

ی) ارتقاء شاخصهای توسعه عشایر از طریق اسکان و ساماندهی خانوارها.

ک) حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات، وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد جهت توسعه اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روستاهای محلی و بومی و نیز تقویت مدیریت یکپارچه اراضی از طریق مشارکت با تشکلهای حقوقی به‌منظور جلوگیری از خرد شدن اراضی و تجمیع مدیریتی اراضی خرد کشاورزی.

ل) اقدام قانونی در جهت ایجاد شرکت شهرکهای کشاورزی با اصلاح اساسنامه یکی از شرکتهای مادر

تخصصی موجود در چهارچوب سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور هدایت، راهبری و احداث و توسعه زیرساختهای مجتمعهای کشاورزی، دامی و شیلاتی.

م) سرمایه‌گذاری مشترک با بخشهای غیردولتی تا سقف چهل‌ونه درصد (۴۹٪) در چهارچوب سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و از طریق شرکت مادر تخصصی «حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» و شرکت مادر تخصصی «مدیریت منابع آب ایران»، در زمینه توسعه کشاورزی با فناوری نوین، اقتصادی و بهره‌ور و طرحهای زیربنایی و نوپدید در بخشهای کشاورزی و منابع آب و توسعه مناطق روستایی و جوان‌سازی بافت جمعیتی مناطق روستایی و عشایری.

تبصره: دولت مکلف است سهام دولتی در بنگاه جدید را حداکثر ده سال پس از بهره‌برداری به بخشهای غیردولتی واگذار نماید.

ن) توسعه و هدفمندسازی پژوهش، آموزش، تولید و تبلیغات و همچنین توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و موردنظر برای هویت‌بخشی، ارتقاء کیفیت تولید و روان‌سازی، سفارش‌پذیری، حمایت از ایجاد و توسعه و تجهیز کارگاههای متمرکز و غیرمتمرکز و اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی فرش دستباف روستایی و شهری سراسر کشور و نیز صنایع و خدمات جانبی فرش دستباف به منظور ارتقاء و بهبود بهره‌وری، تثبیت و افزایش سهم صادراتی و بازاریابی‌های داخلی و خارجی.

تبصره: وزارت بازرگانی مکلف به پیگیری حکم این بند در دولت است.

س) تعمیر و گسترش بیمه روستایی و پوشش صددرصد (۱۰۰٪) آن از طریق تقویت صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر.

ع) پیش‌بینی مکانهای ورزشی برای جامعه روستایی.

ف) تهیه طرحهای هادی روستایی و تعیین محدوده روستاها در سراسر کشور با پیشنهاد کارشناسان فنی، زیر نظر بنیاد مسکن و تأیید بخشداری هر بخش و با اطلاع دهیاران و رؤسای شورای اسلامی روستاها و تصویب آن در کمیته‌ای متشکل از رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان به‌عنوان رئیس، فرماندار شهرستان، بخشدار بخش، نماینده سازمان مسکن و شهرسازی استان، رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان، نماینده سازمان جهاد کشاورزی استان، نماینده معاون امور عمرانی استانداری و رئیس شورای اسلامی روستا به‌عنوان ناظر.

تبصره: نماینده شهرداری شهری که روستا در حریم آن واقع است می‌تواند به‌عنوان کارشناس و ناظر در جلسه کمیته مذکور شرکت نماید.

آئین‌نامه اجرائی این ماده شامل تعیین مدیر ارشد روستا، چگونگی و فرآیند اعمال حمایتهای ذکر شده،

نحوه مشارکت و تعاریف و چگونگی مدیریت مجموعه روستایی در سال اول برنامه با پیشنهاد معاونت به تصویب هیأت وزیران می‌رسد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹).

توسعه پایدار روستایی

آنچه امروزه در مورد توسعه در مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه پایدار توسعه ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آن که توانهای محیطی و زیستی نسل های آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره اندازد (جان بری، ۱۳۸۰، ۲۸۲). هدف اصلی توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقا سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم ها و آینده ای امن تر و سعادت‌مندانه تر بیان می شود.

توسعه ای که در مناطق روستایی بیشتر مورد نظر است و لازم است برنامه ریزان روستایی مد نظر داشته باشند به شرح زیر است.

۱. توسعه باید «تغییری» در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.
۲. مردمی که از توسعه سود می برند باید بیشتر از مردمی باشند که از آن متضرر می شوند.
۳. توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تامین حداقل نیازهای زندگیشان یا نیازهای ضروری زندگیشان مطمئن سازد.
۴. توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.
۵. توسعه باید باعث تشویق خود اتکایی گردد.
۶. توسعه باید بهبود طولانی و مستمر را به ارمغان آورد.
۷. توسعه نباید باعث تخریب محیط زیست طبیعی باشد.

هدف های استراتژی توسعه روستایی ایران متکی بر اصلهای زیر است.

۱. کاهش شدت جریان مهاجرت های روستاییان به شهر، بنحوی که مهاجرت روستایی رابطه معقول و متعادلی با توسعه خدمات، صنعت و کشاورزی پدید آورد.

۲. تمرکز یافته شده کردن جمعیت در محیط روستایی، جهت پدید آوردن مراکز روستایی بزرگتر تا روستاییان بتوانند تحت پوشش شبکه خدمات قرار گرفته و در عین حال پوشش کافی جمعیتی برای استقرار صنایع در محیط روستایی فراهم آید.

۳. انتظام بخشیدن به زراعت و دامداری در محیط روستا

۴. تقویت کردن و تنوع بخشیدن به اشتغال غیر کشاورزی در محیط روستا

۵. توسعه تعاونی های زراعی و دامداری در میان روستاییان

۶. توسعه اراضی اشباع در چارچوب نظام تعاونی جهت بالا بردن میزان تولید (آسایش، ۹، ۱۳۸۰).

بنابراین باید برای رسیدن به توسعه روستایی، خصوصا توسعه پایدار روستایی توجه به تعریف و اهداف توسعه و همچنین بکارگیری استراتژی‌هایی که برای توسعه روستایی در ایران در نظر گرفته شده لازم است. ضمناً در استراتژی‌های فوق باید به مسئله پایداری توسعه روستایی نیز دقت لازم صورت گیرد.

ضرورت توسعه روستایی

چرا توسعه روستایی همچنان حائز اهمیت است؟

در برخی محافل، توسعه روستایی موضوعی منسوخ شده تلقی می شود این بدان معنی نیست که از شیوع یا شدت فقر روستایی در کشورهای جهان سوم در سال های اخیر کاسته شده است.

بلکه در بخش های بزرگی از جهان این موضوع کاملاً بر عکس است. و دلیل آن این است که در طی ده تا پانزده سال گذشته اولویت های دولت ها و الگوهای بسیاری از کارگزاری های کمک کننده در حال تغییر بوده است.

بانک جهانی، بر اساس تعریف محافظه کارانه اش، تعداد افرادی را که در کشورهای جهان سوم همچنان در فقر بسر می برند و با فلاکت و ناامنی ناشی از فقر دست به گریبان اند را بیش از یک میلیارد نفر برآورد می کند، در بسیاری از کشورها بخصوص در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا، روستاییان فقیر نیمی از کل جمعیت را تشکیل می دهند.

در طی دهه ۱۹۷۰، الگوهای غالب در میان کارگزاری های یاری دهنده، توسعه بر کاهش فقر متمرکز بود، با اذعان به اینکه اکثریت خانواده ها، به خصوص در نواحی روستایی، عمدتاً از منافع رشد اقتصادی کلان بی نصیب بودند. بالا بردن سطح قابلیت ها و آسایش فقرا می توانست آنها را بیشتر در شکل دهی اقتصاد و جامعه شان سهیم کند.

بر این اساس انتظار می رفت که در طرح های دولتی و مورد حمایت کمک کنندگان به نیازهای اولیه، توجه شود و میزان بهره وری این اکثریت فراموش شده افزایش یابد. توجه خاص به فقر زدایی در دهه ۱۹۸۰ تحت الشعاع فرمول نئوکلاسیکی قرار گرفت.

توسعه روستایی « ضرورتها و راهبردها »

چنانکه می دانیم اقتصاد کشور های جهان سوم از جمله کشور ما اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است. و فعالیتهای کشاورزی هم، غالباً در روستاها انجام می شود.

لذا از یک طرف به خاطر بهبود بخشیدن به روشهای سنتی تولیدات کشاورزی و بهره برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی و متعاقب آن تخفیف گرسنگی و محو فقر و از طرف دیگر به منظور نو سازی اجتماعی و فرهنگی روستاها که خود منبعث از توجه به مسائل انسانی و ضرورت های سیاسی است، موضوع توسعه روستایی و اهمیت آن آشکار می گردد و برای همین هم هست که گفته اند مشکلات آینده جهان سوم اعم از بیکاری، فقر، کمبود درآمد، گرسنگی، کمبود تولید و غیره باید در روستاها حل و فصل گردد.

بنابراین توسعه روستایی به خاطر حل مشکلات مزبور و مخصوصاً برآوردن نیازهای اساسی مردم روستایی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است. بررسی ضرورت های توسعه روستایی یک بحث کلی و دامنه داری است که نمی توان آن را در چند صفحه خلاصه کرد. لذا ما در اینجا به حد کفایت به بررسی آن می پردازیم.

بطور کلی ضرورت توجه به توسعه روستایی ناشی از عوامل زیر است:

۱. توسعه کشاورزی
۲. توزیع بهینه جمعیت

۳. استفاده از ظرفیت های تولیدی
۴. بازسازی ظرفیت های تولیدی
۵. بازسازی اقتصاد کشور
۶. عدالت اجتماعی، رفع فقر و محدودیتهای اجتماعی.

توسعه با شرایطی همراه است این شرایط عبارتند از:

۱. میزان زیاد و پایدار پس اندازهای داخلی
۲. سرمایه گذاری بخش عمده ای از آن پس اندازها در صنایعی که به جای فناوری های کاراندوز از فناوری های کاربر بهره گیرند
۳. میزان نسبتاً آهسته رشد جمعیت

در بیشتر کشورهای کمتر توسعه یافته کنونی، معدودی از این شرایط وجود دارد. میزان پس اندازها معمولاً پایین است، و پس اندازها نه برای تولید صنعتی بلکه برای زمین، اموال غیر منقول شهری یا تجارت سرمایه گذاری می شوند. و سرمایه های داخلی به میزان قابل ملاحظه ای به مکان های امن در کشور های صنعتی در آن سوی مرزها سرازیر می شود.

ضرورت و اهمیت توسعه روستایی در ایران با توجه به جایگاه، اهمیت و نقش جامعه روستایی و مسائل و مشکلاتی که این جامعه با آن مواجه است و همچنین با توجه به شرایط کشور کاملاً روشن و آشکار است. طبق آخرین سرشماری جمعیت ایران در سال ۱۳۸۵، حدود ۳۱/۵ درصد از جمعیت کشور که معادل ۲۲۲۲۷۷۷۱ نفر است، در محیط روستایی زندگی می کنند (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵، سرشماری نفوس و مسکن).

هر چند که از ابتدای قرن اخیر بویژه از میانه این قرن به تدریج از سهم جمعیت روستایی کاسته شده و شهرنشینی گسترش یافته اما با توجه به آمار ارائه شده هنوز یک سوم جمعیت ایران در روستاها زندگی می کنند رشد بی وقفه جمعیت در نواحی روستایی نیروی کار جوانی را بوجود آورده است که با توجه به فناوری های مورد استفاده و نظام های رایج اجاره داری زمین و سازمان دهی تولید، بسیار بیشتر از تعدادی است که بتوان به طور مولد در اقتصاد روستایی به کار گمارد.

پیامد های این روندها را می توان در محله های فقیرنشین، حلبی آباد ها و سکونتگاههای غصبی در نواحی شهری که روز به روز در حال گسترش هستند در جای جای جهان سوم مشاهده کرد. در آنجا کارگران بیکاری که از نواحی روستایی آمده اند نا امیدانه در جستجوی هر نوع کاری (بیشتر در بخش غیر رسمی) هستند.

روستاییان فقیر در بسیاری موارد با سوء تغذیه و مشکلات حاد بهداشتی دست به گریبان اند و گاه تعصبات نژادی باعث می شود که اغلب در مناطق دور افتاده و مجزا زندگی کنند و دسترسی محدودی به منابع تولید داشته باشند.

نقش توسعه روستایی در توسعه ملی

اساسا حوزه های روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می کند، چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می تواند نقش موثری در توسعه منطقه ای و ملی داشته باشد.

حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه ای ایجاد شود، به گونه ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسایل روستایی در حوزه های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین گسترش می یابد.

از این رو باید به این موضوع اذعان نمود که توسعه پایدار و یکپارچه ملی معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطقه ای، شهری و روستایی است.

متاسفانه شواهد و تجربیات نشان می دهد که به حق و وظیفه توسعه جوامع و فضاهای روستایی، به تناسب سهم، جایگاه و کارکرد آن در اقتصاد ملی، کم توجهی شده و حوزه های روستایی در شرایطی کاملا نابرابر از جهت دسترسی به فرصتها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار نگرفته اند.

از این رو تعدیل عدم تعادلهای اجتماعی - اقتصادی و سرزمینی در جهت بالندگی جوامع روستایی و تسهیل رشد و ارتقای این جوامع، ضرورتی اساسی و اجتناب ناپذیر محسوب می شود (رضوانی، ۱۳۸۳، ۲).

توسعه یک ناحیه روستایی باید در چارچوب کلی سیاستهای ملی طراحی گردد (oddershede, 2007).

این مسئله نشانگر پیوستگی توسعه روستایی و توسعه ملی است.

همچنین چون روستاها کانون تولیدات زراعی هستند تاکید بر دانش روز، یکپارچه شدن اراضی، بالا بردن بهره وری و راندمان هیچ منافاتی با یکدیگر ندارد. و با این رویکرد، می توانیم غذای مردم را که یکی از مسائل اساسی کشور است، تامین نماییم. تکیه بر واردات مواد غذایی، که قیمت آن در نوسان است و ممکن است که هر لحظه گرانتر شود، عاقلانه نیست و با توجه به حذف حمایت ها و یارانه های تولیدی و صادراتی سایر کشورهای تولید کننده محصولات مواد غذایی که طبق آموزه های سازمان تجارت جهانی صورت می پذیرد، واردات مواد غذایی در آینده باعث افزایش رشد منفی تراز پرداخت های کشور خواهد گردید. و در نتیجه قیمت محصولات غذایی گران تر می شود. که تحمل این امر بسیار مشکل است.

اما اگر بتوانیم توسعه ملی را طوری سامان دهیم که اهمیت ویژه ای به کشاورزی، روستا و تولید داده شود، می توانیم باعث ارتقاء دانش فنی و بومی کردن آنها در کانون های تولید و روستاها شویم. و از این طریق نه تنها صرفه جویی قابل توجهی در تراز پرداخت ها بوجود آوریم بلکه اگر با سیاست های آگاهانه و حمایت از تولید به افزایش مازاد بر نیاز دست یابیم آن وقت صادرات دور از دسترس نیست و می توانیم درآمد ارزی بیشتری داشته باشیم.

«مایکل تودارو» در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم، ابعاد و اهمیت توسعه روستایی و نقش آن در توسعه ملی را بدین صورت بیان می کند:

توسعه کشاورزی و توسعه روستایی محور اصلی توسعه ملی است، وی معتقد است که توسعه و رشد بخش کشاورزی به عنوان موتور و محرکه اصلی توسعه روستایی است و علت آن را اشتغال بیش از ۸۰ درصد جمعیت روستایی جهان سوم بطور مستقیم و غیر مستقیم در فعالیتهای کشاورزی می داند.

در نظر تودارو توسعه ملی، به توسعه روستایی است چرا که ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد.

«جان رایبسون»، «آنتوان داکوره» نیز همچون تودارو توسعه روستایی را شرط توسعه ملی می دانند و برای این منظور تاکید خاصی بر رشد بخش کشاورزی دارند.

رایینسون تولید مواد غذایی را به عنوان ضروریترین وسیله برای قطع وابستگی سیاسی می داند و می گوید: «نوعی تعاونی یا مالکیت جمعی زمین و وسایل تولید ضروری است تا چاره جویی را فراهم آورد که مدرنیزاسیون بتواند بدون قطبی شدن ثروت و فقر که امروزه سراسر جهان دچار آن است صورت گیرد.» تز توسعه کشاورزی و روستایی در دهه ۱۹۸۰ فرایند غالب بر توسعه جهان سوم بود.

نظریه دیگری که امروزه مطرح است نظریه «میسرا» در باب توسعه روستایی می باشد. میسرا بر دو جنبه ای بودن توسعه شدیداً می تازد و معتقد است توسعه شهری، روستایی، صنعتی و کشاورزی و ... باید با در نظر گرفتن شرایط در اولویت قرار گیرند و تأکید صرف بر هر یک از آنها باعث انحراف مسیر توسعه خواهد شد.

میسرا معتقد به الگوی مراکز رشد به عنوان مطلوب ترین راهبرد توسعه روستایی می باشد و با تأکید بر توسعه روستایی متکی بر بنیان قوی صنعتی که همزمان توسط دولت و مردم انجام می شود الگوی توسعه خویش را بنیان می گذارد و اصلاحات ارضی در روستاها را امری ضروری می داند

سرنوشت اغلب کشورهای جهان در هر دوره از تاریخ به سرنوشت روستاها بستگی داشته است. یکی از خصیصه های بارز روستا آن است که تأمین کننده غذای بشر است و می تواند بدون تکیه به شهر، به حیات خود ادامه دهد.

در حالیکه شهر بدون روستا و بهره گیری از منابع آن محکوم به نابودی است. جمله زیبای سقراط می گوید: ((نظامی می تواند بر آتن حکومت کند که بتواند غذای مردم آن را تأمین نماید)) موید مطالب فوق الذکر می باشد.

بر این اساس، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که بخش کشاورزی محور توسعه تلقی شده و اهداف این بخش را در راستای توسعه اقتصادی، در بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخشهای اقتصادی به منظور نیل به خود کفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، تقویت توان اقتصادی روستاها و احیای آن به عنوان منبع و جایگاه اصلی تولید بیان داشته است (آسایش، ۱۳۷۹، ۵۲) حال با توجه به اهمیت روستا و کشاورزی، ضرورت توسعه روستایی و اهمیت و نقش آن در توسعه ملی می پردازیم.

میزان زیاد فقر را در کشورهای در حال توسعه را نمی توان فقط با ذکر این که میزان درآمد سالانه در این کشورها خیلی پایین تر از میزان درآمد در کشورهای توسعه یافته است، بیان کرد.

بلکه باید حداقل دو عامل یا دو ویژگی دیگر از توسعه نیافتگی را در نظر گرفت، این دو ویژگی عبارتند از: ویژگی های داخلی و خارجی. در باب ویژگی های داخلی این کشورها باید به مساله توزیع درآمدها اشاره کرد. شکی نیست که نابرابری در تمام کشورها وجود دارد، اما نابرابری در میان گروه های فقیر و ثروتمند در کشورهای توسعه نیافته به مراتب از نابرابری در کشورهای ثروتمند بیشتر است.

عامل بیرونی که باید به خاطر داشت این است که در مقایسه با کشورهای پیشرفته، اکثر کشورهای در حال توسعه از رشد بطئی درآمد سرانه برخوردارند. (ازکیا، ۱۳۶۵، ۲۱)

نقش تولیدی روستا جهت حصول به امنیت غذایی، مساعدت به بخش صنعت و نیز نقش صادرات غیر نفتی روستا در تولید ناخالص کشور و ایجاد فرصت های شغلی در ابعاد مکانی از جمله آثار مناطق روستایی در توسعه ملی کشور است. در سال های اخیر نیز توسعه صنعت گردشگری روستایی بویژه در کشورهای توسعه یافته، عامل اساسی در فرایند توسعه روستایی و تحقق اهداف توسعه ملی بوده است. نقش توسعه روستایی در توسعه ملی را در ۴ بخش کلی زیر می توان بررسی کرد.

بعد اقتصادی: (dimension Economic)

نواحی روستایی بویژه از طریق تولیدات کشاورزی و صنایع دستی نقش مهمی در اقتصاد ملی دارند. رشد بالای بخش کشاورزی در سالهای اخیر نشان دهنده وجود ظرفیت های بالقوه زیاد این بخش برای افزایش تولید و توسعه بیشتر است. این همه دستاوردهای بخش کشاورزی برای اقتصاد ملی در شرایطی است که سهم این بخش از کل منابع سرمایه گذاری شده دولت در ۳۰ سال گذشته همواره کمتر از ۶ درصد بوده است.

در واقع بخش کشاورزی با حداقل سرمایه گذاری ریالی و ارزی، بالاترین نقش را در اقتصاد ملی داشته است. بنابراین، نقش مهم نواحی روستایی در اقتصاد ملی بویژه از طریق تولیدات کشاورزی ایجاب می کند که برای تدوam و افزایش این نقش، مخصوصا در زمینه امنیت غذایی پایدار، نواحی روستایی به عنوان عرصه مهم این فعالیت مورد توجه بیشتر قرار گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳، ۶).

بعد اجتماعی: (dimension social)

در بعد اجتماعی سکونت بیش از ۳۱ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی، همچنین وجود توانمندیهای فرهنگی، یادمان های تاریخی، ساختارهای اجتماعی متنوع و کارآمد، نوع و شیوه زندگی منحصر به فرد روستایی با خصلت های چون خودکفایی و توانمندی، قادرند ضمن ایجاد ثبات اجتماعی و فرهنگی و منطقه ای، در تحقق فرایند توسعه ملی کشور در بعد اجتماعی و فرهنگی مساعدت نمایند.

بعد زیست محیطی: (Environmental Dimension)

قوانین کشاورزی و زیست محیطی تاثیر زیادی بر توسعه نواحی روستایی دارد (Deunert، ۲۰۰۶). بنابراین نقش زیست محیطی روستا در تحقق اهداف توسعه ملی با قابلیت های مناطق روستایی در جهت مقابله با بیابان زایی و خطرات ناشی از خشکسالی ها، مقابله با فرسایش و تخریب خاک، حفظ و نگهداری منابع طبیعی و نیز میکرو اقلیم ها، معنا می یابد.

بدین ترتیب اگر توسعه را به معنای تعامل بهنجار نظام های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی بدانیم، در آنصورت روستاومناطق روستایی نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار کشور ایفا می نمایند (طاهرخانی، ۱۳۸۴، ۲۳۵).

بعد سیاسی و امنیتی: (Political Dimension)

ملاحظات امنیتی و سیاسی از دیگر نکاتی است که تاثیر و نقش توسعه روستایی را در توسعه ملی نمایان می سازد. به لحاظ امنیتی بهبود وضع زندگی روستاییان و نیز تثبیت جمعیت فضاها و نقاط روستایی بویژه در فضاهای خاص مانند سرحدات مرزی، حواشی دشت کویر، دشت لوت و مناطق شرقی و جنوب شرقی کشور نقش موثری در حفظ امنیت کشور خواهد داشت.

توسعه نیافتگی مناطق مرزی، تاثیرات زیادی بر روند توسعه کشور می گذارد و چالشهای اساسی در برابر آن قرار می دهد. توسعه نیافتگی در مناطق مرزی کشور، امنیت این مناطق را تهدید می کند و نامنی مناطق مرزی نامنی را به داخل کشور منتقل می سازد که این امر به نوبه خود چالشهای بزرگی را در برابر توسعه ملی می گذارد (رضوانی، ۱۳۸۳، ۸).

فلذا توجه به روستاها و توسعه روستایی امری لازم و ضروری است با توجه به این که برنامه ریزی بهترین راه رسیدن به توسعه می باشد فلذا برای رسیدن به توسعه ملی باید یک برنامه مدون و اصولی در تمامی زمینه ها چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی داشته باشیم.

برای کشوری مثل ایران با این جمعیت انبوه که امنیت غذایی برایش مهم است، روستا به عنوان کانون تولید مواد غذایی خیلی معنی دار است. علی رغم اینکه کشور ما یک کشور خشک محسوب می شود.

ولی با صرفه جویی و بالا بردن راندمان مصرف آب در فرایند تولید محصولات نهایی، صنایع تبدیلی و تکمیلی مواد غذایی می تواند به راحتی این نوید را بدهد که ما در تامین امنیت غذایی موفق خواهیم شد.

استراتژی های توسعه روستایی

کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویتها، رویکردها و استراتژی های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته اند. قطعاً نمی توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغالزایی در روستاها (بدون در نظر گرفتن استراتژی توسعه روستایی) توفیق چندانی بدست آورد (که پایدار و ماندگار نیز باشد). چون اشتغالزایی و کارآفرینی در فضای مستعد رخ می دهد و بدون وجود آن فضا عملاً نمی توان متوقع موفقیتی پایدار بود.

رویکردها و استراتژی های توسعه روستایی را اینگونه می توان تقسیم بندی نمود:

رویکردهای فیزیکی – کالبدی

استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت های روستایی

زیرساخت های روستایی را می توان سرمایه های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. بعنوان مثال، توسعه زیرساخت های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی های آنان

در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد.

رویکردهای اقتصادی:

استراتژی انقلاب سبز

این استراتژی دارای دو معنای به‌نسبه متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی است به طوری‌که این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی گردد. دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (بویژه گسترش انواع بذرهای اصلاح‌شده گندم و برنج) و تولید زیاد آنان است. براساس مطالعات میسرا، انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده است و بعضاً باعث بروز اخلافاتی مابین نواحی روستایی (بخاطر بازده متفاوت زمین‌ها در این محصولات اساسی) نیز شده است.

استراتژی اصلاحات ارضی

اکثر کشورهای جهان، برای گذار از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه (همچون میردال و تودارو)، اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در بعضی موارد نیز، به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و تخصیص اعتبارات موردنیاز، چیزی به درآمد زارعان خرده‌پا افزوده نمی‌شود.

استراتژی صنعتی نمودن روستاها

اگرچه در این استراتژی، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حایز اهمیت است اما در عین حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها (بخصوص آسیایی‌ها) صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین نیز محدود است) بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیافته و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد:

الف) ایجاد مشاغل غیرزراعی و فعالیت‌های درآمدزا،

ب) رواج مراکز روستایی دست پایین. اهداف عمده این استراتژی را می‌توان اینگونه برشمرد:

• ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه‌بیکار در یک منطقه

• همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری

• تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی

• استفاده کامل (بیشتر) از مهارت‌های موجود در یک ناحیه

• فرآوری تولیدات کشاورزی محلی

• تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی

بیشتر اینگونه صنایع روستایی در کسب‌وکارهای خرد (کوچک‌مقیاس) شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده‌ای از آن را صنایع دستی تشکیل دهد. این صنایع دستی می‌توانند از ابزارهای پیشرفته‌تر برای کار خود بهره برده و بدلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغالزایی بیشتر، کمک بیشتری به بهبود وضعیت روستاییان انجام دهند.

استراتژی رفع نیازهای اساسی

این استراتژی در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا براساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت روستایی را به درآمد و خدمات (در طول یک نسل)، برطرف نماید. نیازهای اساسی شامل درآمد (کار مولد) و هم خدمات موردنیاز زندگی می‌شود.

محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از:

• تغییر معیار برنامه‌های اجرایی از "رشد" به سمت "نیازهای اساسی" که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت می‌گیرد (به عبارت دیگر از "رشد اقتصادی" به "توسعه اقتصادی").

• چرخش از اهداف ذهنی به سمت اهداف عینی و واقعی

• کاهش بیکاری

از این رو رفع نیازهای اساسی تهیدستان، در کانون مرکزی این استراتژی قرار می‌گیرد و اهداف رشدمحور جای خود را اهداف مصرفی می‌دهند که در مناطق روستایی با سرمایه و واردات کمتری (نسبت به بخش شهری) قابل انجام هستند.

رویکردهای اجتماعی-فرهنگی:

استراتژی توسعه اجتماعی

استراتژی توسعه اجتماعی محلی (جامعه‌ای)، اهداف توسعه اقتصادی-اجتماعی را توأمًا شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا نهد و هم در تامین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید.

استراتژی مشارکت مردمی

از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این

استراتژی باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد.

محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از:

- تاکید بیشتر بر نیازهای مردم
- تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی
- بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند
- کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان
- تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (افزایش آگاهی‌های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح‌ها و پروژه‌ها)

مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است. این مشارکت می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع‌رسانی)، تقسیم منافع، و ارزیابی وجود داشته باشد.

روکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای:

استراتژی‌های تحلیل مکانی

والتر کریستالر (۱۹۳۳) بر مبنای نظریات جی.اچ.فون تونن و آلفرد وبر (۱۹۰۹) نظریه "مکان مرکزی" را ارایه نمود که براساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی به شرح و تبیین ساختار (چارچوب) فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنان (و بالتبع سروساماندهی به نحوه چیدمان نقاط شهری و روستایی) می‌پردازد. متخصصان این زمینه با پذیرش علم جغرافیا (به عنوان تحلیل‌گر فضای زیست)، به استفاده از نظریات برجسته دیگر در رابطه با تقسیم‌بندی فضایی-مکانی و ساماندهی فضا نیز مبادرت نمودند.

سه نظریه مطرح در این زمینه را می‌توان به طور خلاصه اینگونه معرفی نمود:

• نظریه زمین‌های کشاورزی (جی.اچ.فون تونن): این نظریه به تحلیل چگونگی استفاده و سروساماندهی به زمین‌های کشاورزی می‌پردازد. براساس این نظریه فعالیت‌های کشاورزی و ارزش زمین‌ها متناسب با فاصله آن‌ها از بازار (شهری) تعریف می‌شود (دوایر متحدالمرکزی حول شهرها).

• نظریه مکان‌یابی صنایع (آلفرد وبر): براساس این نظریه، صاحبان صنایع می‌کوشند مکانی را جهت استقرار کارخانه‌های خود برگزینند که با حداقل هزینه تولید محصول و توزیع آنان (هزینه‌های حمل‌ونقل) همراه باشد. در واقع زنجیره‌ای از جریان کالا، خدمات و اطلاعات (وزن و نحوه تعامل آن‌ها) ما را قادر به مکان‌یابی صحیح صنایع می‌کند.

• نظریه مکان مرکزی (والتر کریستالر): براساس این نظریه، هر مکانی که موقعیت مرکزی می‌یابد با تولید و توزیع هرچه بیشتر کالا و خدمات در حوزه‌های اطراف (یا منطقه نفوذ) به تحکیم موقعیت مرکزی خود می‌پردازد، به همین خاطر، چنین مکان‌های مرکزی، خدمات بیشتری را در خود متمرکز می‌سازند. بر مبنای این نظریه، نقاط مرکزی در قالب نظامی سلسله‌مراتبی (مبتنی بر جمعیت، فاصله، نقش یا کارکرد) عمل می‌نمایند. طبق این نظریه، خریداران، کالاها و خدمات موردنیاز خود را از نزدیک‌ترین بازار فروش در دسترس تهیه می‌کنند.

استراتژی توسعه روستا-شهری

از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از استراتژی "نیازهای پایه" سازمان جهانی کار (۱۹۷۶)، استراتژی توسعه روستا-شهری یا منظومه کشت-شهری (اگروپولیتن) مطرح گردید. برای درک بهتر این استراتژی باید الگوی "مرکز-پیرامون" و استراتژی نیازهای پایه را دانست. تحقیقات فریدمن (در آمریکای جنوبی) نشان داده است که می‌توان فضای زندگی را به دو بخش "مرکز" و "پیرامون" تقسیم نمود که رابطه بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطبی‌شدن در مرکز و حاشیه‌ای‌شدن در پیرامون است. استراتژی نیازهای پایه نیز چرخش آشکاری بود از استراتژی‌های متداول تولیدمحور، صنعت‌مدار و شهرگرا به سمت استراتژی‌های مردم‌محور، کشاورزی‌مدار و روستاگرا. استراتژی روستا-شهری بر مبنای الگوی مرکز-پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از استراتژی نیازهای پایه (رفع فقر و ایجاد اشتغال،

خوداتکایی، و تامین مایحتاج اصلی)، این محورها را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می‌کند: درون‌گرایی، حفاظت‌گرایی، خودگردانی (خودکفایی)، و نهادینه‌سازی مشارکت.

استراتژی یوفرد

این استراتژی برپایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل این مراحل می‌گردد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی‌ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم استراتژی‌های توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای. این استراتژی با آرایه اطلاعات فراوان و ذی‌قیمتی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، آنان را در توزیع سرمایه‌گذاری‌ها در راستای یک الگوی متعادل جغرافیایی (اقتصادی و فیزیکی) یاری می‌دهد.

فصل سوم: بررسی وضع موجود نظام اقتصادی نواحی روستایی کشور

بررسی وضع موجود نظام اقتصادی نواحی روستایی کشور

شاخص‌های مرتبط با فعالیت روستایی حاکی از آنست که نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر از کل جمعیت، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ با تغییرات نه چندان محسوس روبه کاهش نهاده، ولی طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ از ۶۴/۶ درصد به ۷۳ درصد رسیده است. این بدان معناست که سهم جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر در جامعه روستایی روبه افزایش است. همچنین نسبت جمعیت فعال از جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر روبه کاهش بوده و از ۴۸/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته، لیکن با روندی روبه افزایش به ۳۸/۲ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت روستایی نیز از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ روبه کاهش نهاده، ولی در دوره بعدی با روندی روبه افزایش از ۲۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال (نسبت اشتغال) با روندی روبه رشد از ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۹۲ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. نسبت شاغلین در بخش کشاورزی با آهنگی رو به کاهش از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵ تنزل نموده است. در مقابل سهم شاغلین روستایی در بخش خدمات و صنعت رو به افزایش بوده، بطوریکه در حال حاضر بخش خدمات با بیشترین سهم (۴۶ درصد) و پس از آن بخش صنعت با ۳۱ درصد، در رده بعدی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱- تحول عرضه نیروی کار و تقاضای بازار کار در نواحی روستایی کشور (هزار نفر)

سال	جمعیت	بازار نیروی کار		تقاضا در بخش‌های اقتصادی		
		عرضه	تقاضا	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۳۵	۱۳۰۰۱	۴۱۷۳	۴۱۰۰	۳۱۰۸	۵۱۷	۳۸۰
۱۳۴۵	۱۵۹۹۵	۴۸۱۶	۴۲۴۸	۲۹۷۰	۸۰۸	۴۰۴
۱۳۵۵	۱۷۸۵۴	۵۴۶۰	۴۶۸۷	۲۷۶۱	۱۴۴۹	۴۵۰
۱۳۶۵	۲۲۳۴۹	۵۷۲۷	۴۹۸۸	۲۸۲۵	۱۰۱۵	۱۰۳۴
۱۳۷۵	۲۳۰۲۶	۶۳۰۶	۵۷۱۱	۲۸۴۱	۱۵۰۳	۱۲۸۷
۱۳۸۵	۲۲۲۲۷	۷۴۹۴	۶۳۹۰	۲۹۷۶	۱۷۳۶	۱۵۱۴

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۷، ۳۳؛ مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵

جدول شماره ۲- مقایسه سهم تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی با سایر بخش های اقتصاد به درصد (۸۵ - ۱۳۶۵)

۱۳۸۵	۱۳۷۹	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	بخشهای عمده اقتصاد
۱۰/۴	۱۲/۹	۱۴/۵	۱۷/۳	۲۴	کشاورزی
۰/۸	۰/۶	۰/۶	۰/۱	۰/۵	معادن
۱۰/۹	۱۲/۹	۱۳	۱۲/۶	۶/۳	صنعت
۲۶/۵	۲۲/۴	۱۷/۴	۸/۸	۴/۵	نفت
۱/۲	۰/۹	۱	۱/۱	۰/۹	آب، برق، گاز
۴/۳	۳/۵	۵/۵	۵/۸	۷/۴	ساختمان
۴۸/۸	۴۶/۸	۴۸	۵۳/۷	۵۶/۴	خدمات
۲/۸	۱/۱	۱	۱/۲	۰/۶	کسر کارمزد احتسابی

منابع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰، ۶۹۱ و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ۱۹۸.

آمارها حاکی از آنست که همواره سطح درآمد خانوارهای روستایی و شهری از هزینه های مربوط کمتر بوده است، در جامعه روستایی رشد درآمد بیشتر از رشد هزینه ها بوده، لیکن هنوز با شهر فاصله قابل توجهی دارد. شاخص های توزیع درآمد حاکی از آن است که هر چند این ضریب در طی سالهای ۷۸-۷۱ در محیط های روستایی تقریباً ثابت مانده و حول ۰/۴۳ می باشد، لیکن در مقام مقایسه با جوامع شهری (۰/۴) حاکی از نابرابری بیشتر در توزیع درآمد میان جوامع روستایی است. این بدان معناست که منافع حاصل از رشد و توسعه همچنان بیشتر نصیب گروههای درآمدی بالا در جامعه و بویژه در جوامع روستایی می شود.

جدول شماره ۳- روند اشتغال زایی بخش کشاورزی در ایران (۱۳۸۵-۱۳۵۵)

سال	کل نیروی فعال (هزار نفر)	نیروی فعال در کشاورزی (هزار نفر)	درصد نیروی فعال در کشاورزی
۱۳۵۵	۹۷۹۶	۲۹۹۲	۳۱
۱۳۶۵	۱۲۸۲۰	۳۲۰۸	۲۵
۱۳۷۵	۱۴۵۷۲	۳۳۵۸	۲۳
۱۳۸۵	۲۰۴۷۶	۳۶۸۷	۱۸

ماخذ: سلطانی و نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱ و مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰، ۸۱ و مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، ۱۵۱

در حال حاضر متوسط زمین زراعی خانوارهای بهره بردار پایین است، به شکلی که قریب به ۵۹ درصد خانوار بهره بردار، دارای زمین زراعی کمتر از ۵ هکتار می باشند. بررسی و نسبت ماشین آلات تامین شده به میزان مورد نیاز نشان می دهد که طی ۱۰ سال اخیر تنها ۱۷ درصد تراکتور، ۱۲ درصد کمباین و ۱۵ درصد تیلر مورد نیاز این بخش تامین و پوشش داده شده که خود حاکی از پایین بودن سطح فناوری در بخش کشاورزی است. در حال حاضر بالغ بر ۱۸/۵ درصد (معادل ۸۵۷۴ میلیارد ریال) ارزش افزوده بخش های اقتصادی کشور به بخش کشاورزی تعلق دارد که این نسبت طی سال های اخیر تغییرات محسوسی نیز نداشته است. بیشترین سرانه تولیدات محصولات زراعی متعلق به غلات (۵۱۰ کیلوگرم به ازای هر نفر روستایی) و کمترین آن مربوط به حبوبات (۲۴ کیلوگرم) بوده است. ضمن آنکه جمع سرانه تولیدات محصولات مختلف از ۱۹۳۶ کیلوگرم در سال ۷۴ به ۱۸۹۱ کیلوگرم در سال ۱۳۷۹ کاهش داشته که در این میان گسترش و تعمیق خشک سالی تاثیر قابل توجهی در کاهش حجم تولید داشته است.

در حال حاضر بطور متوسط در هر کارگاه صنعتی روستایی، ۱۲ نفر شاغل هستند که این تعداد در سال ۷۶ معادل ۱۴ نفر بوده است. همچنین میانگین سرمایه ثابت هر کارگاه صنعتی در سال ۷۶، ۵۵۴ میلیون ریال بوده که این رقم به ۷۶۱ میلیون ریال در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

بهره مندی روستاهای کشور از خدمات زیرساختی و روساختی در طی سال های ۶۵-۷۵ رشد قابل توجهی داشته است، بطوریکه تعداد روستاهای دارای جاده مناسب از ۳۵ درصد به ۵۱ درصد، روستاهای دارای برق از

۳۰/۴ درصد به ۶۰/۴ درصد و روستاهای دارای آب از ۴۷/۲ درصد به ۶۴/۴ درصد افزایش یافته‌اند. همچنین میزان برخورداری جمعیت روستایی از آب، برق و راه روستایی به ترتیب ۸۱ درصد، ۹۷ درصد و ۷۱ درصد در سال ۷۹ بوده است، ضمن آنکه ۱۰۲۶ روستای کشور دارای طرح بهسازی می باشند.

بررسی های صورت گرفته نشان می دهد با وجود اقدامات وسیع زیربنایی و سرمایه گذاری های صورت گرفته، تفاوت های آشکاری میان حوزه های روستایی از حیث دسترسی به منابع و میزان برخورداری از امکانات و زیرساخت ها وجود دارد. بدین ترتیب که از حیث امکانات و منابع درآمدی ۲۲ درصد از روستاها در حد خیلی فقیر، ۳۸ درصد فقیر و در این میان تنها ۴۰ درصد از روستاهای کشور دارای امکانات و منابع درآمدی مناسب ارزیابی شده‌اند. از سویی مطالعات صورت گرفته (بر مبنای ۸۹ شاخص) نشان می دهد که تنها ۸.۴ درصد از کل دهستان های کشور برخوردار از وضعیت توسعه یافته می باشند، ۳۶/۹٪ دارای وضعیت کمتر توسعه یافته و ۵۸/۳٪ نیز در ردیف توسعه نیافته قرار گرفته اند. علاوه براین، پراکندگی وضعیت توسعه یافتگی/نیافتگی در گستره سرزمین یکسان نبوده و تفاوت های فاحشی به تفکیک هریک از استان های کشور وجود دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳).

فرصت های اساسی در زمینه های اقتصادی

- استقرار بخش عمده ای از امکانات و فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی و نقش آن در تامین امنیت غذایی؛
- امکان توسعه فرصت های شغلی به طور مستقیم و غیرمستقیم در زیر بخش کشاورزی، صنایع غذایی، صنایع دستی، تکمیلی و تبدیلی با توجه به پایین بودن هزینه ایجاد فرصت های شغلی در این بخش؛
- وجود توان و زیرساخت برای توسعه فعالیت های صنعتی در مناطق روستایی و بهره گیری از فرصت های بازار درونی و بیرونی (وجود بیش از ۱۹۰ ناحیه صنعتی)؛
- وجود توان های طبیعی، فرهنگی و اجتماعی برای توسعه صنعت گردشگری روستایی؛
- وجود ظرفیت های قابل توجه معدنی در مناطق روستایی؛
- استقرار بخش عمده ای از امکانات و فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی (محصولات زراعی، دامی، باغ و قلمستان)؛
- امکان ایجاد فرصت های شغلی مناسب در مناطق روستایی با هزینه و سرمایه گذاری به مراتب کمتر از سایر بخش ها (به ویژه در بخش غیر کشاورزی و صنایع دستی و روستایی)؛

- امکان بهره‌گیری از اکوتوریسم در مناطق روستایی کشور با توجه به تنوع آب و هوایی و وجود جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی؛
- امکان توسعه صادرات غیرنفتی به‌ویژه در بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی و امکان توسعه بازارهای مرزی و منطقه‌ای در حاشیه مرزهای کشور؛
- وجود بسترهای اقتصادی و زیرساختی مناسب برای توسعه فعالیت‌های صنعتی و صنایع تبدیلی در مناطق روستایی؛
- وجود منابع آبزیان و شیلات در مناطق آبی کشور (جنوب، شمال و آبهای داخلی)؛
- آمادگی نسبی ساختار اقتصادی- اجتماعی مناطق روستایی در پذیرش نوآوری‌ها و فعالیت‌های نوین؛
- وجود شبکه‌های تعاونی روستایی و صیادی.

چالش‌ها و تنگنای اقتصادی

- کمبود فرصت‌های شغلی متناسب با نیاز جامعه‌ی روستایی به ویژه در عرصه فعالیت‌های غیرکشاورزی
- غلبه سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان بزرگ و کم‌توجهی به تولیدکنندگان کوچک مقیاس و گروه‌های حاشیه‌ای در مناطق روستایی
- نادیده گرفتن سهم روستاهای کوچک در دریافت تسهیلات عمرانی، رفاهی و توسعه‌ای
- وجود تنگنای اساسی در راستای اقتصادی نمودن واحدهای تولیدی روستایی (بنا به دلایلی همچون قانون ارث و دیگر مشکلات اقتصادی، فن‌آوری و مدیریتی)
- عدم وجود انگیزه‌های لازم برای انتقال سرمایه‌ها به مناطق روستایی و همچنین پایین بودن پس‌انداز و فقدان راهکارهای موثر تجهیز آن
- تغییر کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی به کاربری‌های غیرکشاورزی
- عدم تناسب ساختار نظام بانکی کشور با ویژگی‌های ساختار نظام تولیدی در مناطق روستایی
- تشدید فقر در مناطق روستایی
- گستردگی فقر در محیط‌های روستایی

- سنتی بودن شیوه های تولید و پایین بودن سطح بهره وری، فن آوری و مهارت‌های اثربخش در روستاها
- فقدان پس انداز، محرومیت در تشکیل سرمایه و نبود تمایل سرمایه گذاری بخش خصوصی در مناطق روستایی
- محدودیت دسترسی روستاییان به اعتبارات و تسهیلات بانکی (بویژه تولیدکنندگان کوچک مقیاس و گروه‌های حاشیه ای)
- فقدان امکانات و خدمات پشتیبان تولید، نگهداری محصولات تولیدی در مناطق روستایی
- محدودیت جدی در دسترسی به منابع پایه تولید در بخشی از محیط های روستایی
- آسیب پذیری شدید منابع تولید و درآمد روستاییان از بروز سوانح طبیعی
- فقدان نظام سالم بازاریابی و بازاریابی و بازاریابی محصولات تولیدی
- سهم نابرابر روستاییان در برخورداری از تسهیلات و یارانه ها
- عدم استفاده بهینه از فرصت‌های متنوع شغلی در مناطق روستایی
- ضعف در ترتیبات مناسب قانونی و اجرایی برای تسهیل در رشد اقتصادی مناطق روستایی

تعریف و اهمیت اقتصاد روستایی

اقتصاد روستایی علمی است که به مطالعه و بررسی تمام بخش های اقتصادی – اعم از کشاورزی، خدمات و صنعت در محدوده روستا و شرایط اقتصادی خانوارهای روستایی می پردازد.

در تمام دنیا اقتصاد روستایی نقش بسیار مهمی در اقتصاد ملی کشورها دارد. بخش عظیمی از شاغلین هر کشور در فعالیت های اقتصادی روستایی به کار مشغول هستند. تولیدات کشاورزی همچون محصولات زارعی، باغی و دامی علاوه بر تأمین غذای مردم به عنوان مواد خام و اولیه چرخ صنایع را به گردش در می آورند و یا به عنوان کالاهای مصرفی در شهرها توسط مشاغل خدماتی به فروش می رسند، تولیدات کشاورزی نقش مهمی در خودکفایی اقتصادی، استقلال سیاسی، امنیت غذایی و کسب ارز دارند. به مدت هزاران سال تولیدات کشاورزی منشأ ثروت و قدرت ملل و دولت ها بوده اند. امروز نیز کمتر کشوری بدون توجه به اقتصاد روستایی قادر به تأمین، نیازهای حیاتی شهروندان خود است.

عناصر سازنده اقتصاد روستا:

فعالیت های اقتصادی روستا بطور عمده به سه دسته تقسیم می شوند. این سه دسته شامل فعالیت های کشاورزی، خدماتی و صنایع دستی و کارگاهی است در اکثر روستاهای ایران فعالیت کشاورزی مهم ترین فعالیت اقتصادی است و شامل زراعت، باغداری، دامداری، شکار، ماهیگیری، جنگل داری، پرورش طیور، پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم می شود.

فعالیت های خدماتی را می توان به دو دسته فعالیت های خدمات اداری و خدمات عمومی و رفاهی تقسیم کرد. مدارس، خانه بهداشت بانک، پاسگاه و مرکز مخابرات جز خدمات اداری محسوب می شوند. خدمات عمومی و رفاهی نیز شامل قصابی، نانوايي، حمام، سلمانی، خوار بار فروشی، خیاطی و نظایر آن می شود. صنایع دستی به عنوان سومین بخش از عناصر اقتصاد روستایی به تولیداتی گفته می شود نظیر قالی بافی، گلیم بافی، حصیر بافی، کفش دوزی، پارچه بافی، نمد مالی، پوستین دوزی، سفال گری، کالاهای تزئینی (قلم کاری، زردوزی، خاتم کاری) و تولیدات خوراکی (شیرینی، خشکبار، کشمش و ...) که برای فروش به خارج روستا فرستاده می شود.

صنایع کارگاهی نیز شامل نجاری، آهنگری، تراشکاری، ریخته گری، گونی بافی و نظایر آن می شود که بسته به میزان تولید و تعداد شاغلان به دو دسته صنایع کارگاهی کوچک و متوسط تقسیم می شوند. دهیاران به عنوان مدیران اقتصادی روستا برای برآورد میزان تولیدات اقتصادی روستا ابتدا باید اطلاعات اولیه در خصوص تولیدات هر یک از فعالیت های فوق را با کمک اهالی محل از طریق مصاحبه و پرسشنامه جمع آوری نمایند و اطلاعات بدست آمده را برای برنامه ریزی اقتصادی روستا باید منظم سازند.

شناسایی منابع تولید اقتصاد روستا در بخش کشاورزی

منابع تولید در محیط روستا شامل آن دسته از امکانات موجود است که به کمک آنها می توان فعالیت های اقتصادی را ایجاد کرد، شناسایی منابع تولید کاری تخصصی است. کارشناسان این منابع را به روشهای علمی تعیین کرده اند در غیر اینصورت بهتر است با کمک افراد آگاه و آشنا با روستا و یا متخصصین برنامه ریز فهرستی از منابع تولید تهیه کنید. در اینجا به چند منبع اصلی در تولید اقتصادی روستا که می تواند برای دهیاران قابل استفاده باشد به اختصار اشاره می کنیم:

۱- آب - آب عنصر اصلی و حیاتی در تولید کشاورزی است. به کمک اهالی روستا میزان آب قابل استحصال روستا تعیین می شود. برای این کار فهرستی از تعداد چاهها (عمیق، نیمه عمیق) قنات ها، چشمه ها و رودخانه ها (دائمی، فصلی، اتفاقی) تهیه می شود. با کمک اهالی مشکلات مربوط به این منابع مشخص

می شود. مثلاً اگر آبدهی چاهها در حال کاهش است علت آنرا باید تعیین کرد. هم چنین اگر منابع آبی دست نخورده و قابل استحصالی در محیط روستا وجود دارد آنها را باید شناسایی کرد و در برنامه ریزی های آینده با ارائه ی پیشنهاد چگونگی استفاده بهینه از آنها را به مسئولان زیربط منتقل نمود.

۲- زمین - زمین دوّمین منبع مهم تولیدی در اکثر روستاهای کشور می باشد به کمک اهالی اراضی دیم و آبی و آیش برای هر یک از فعالیت های زراعی و باغی و مرتع داری را می شود مشخص کرد. اگر مجموع مساحت هر دسته از اراضی را به مجموع تعداد قطعات همان دسته تقسیم کنیم اندازه ی متوسط قطعات زمین های کشاورزی محاسبه می شود، اندازه متوسط قطعات نشان می دهد که تا چه اندازه حد امکان استفاده از روش های پیشرفته و مکانیزه در زمینه ی زراعت و باغداری فراهم است. هر چه اندازه قطعات کوچکتر باشد امکان بکار بردن روش های مکانیزه کمتر است.

تجهيزات و سرمايه - تجهيزات شامل ابزار و وسایلی می شود که در جریان تولیدات اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد فهرستی از تعداد وسایل و ماشین آلات و حیوانات بارکش نظیر تراکتور، کمباین، سمپاش، بذر افشان، خرمن کوب، خیش کامیون، وانت بار و غیره که در مراحل کار کشاورزی از آنها استفاده می شود تهیه می گردد. هم چنین اطلاعات مربوط به تعداد دارهای قالی بافی، دستگاههای بافت پارچه، چوب بری، تراشکاری و سایر ابزار آلات تولیدی صنایع دستی و کارگاهی روستا را به تفکیک جمع آوری می کنیم.

۱- نیروی کار - نیروی کار شامل آن دسته افراد (زن یا مرد) می شود که در مشاغل و فعالیت های گوناگون اقتصادی اعم از کشاورزی، خدمات و صنایع مشغول بکار هستند و بیش از ۱۰ سال سن دارند. فهرست این افراد به تفکیک فعالیت های زراعی، باغداری، دامداری، مرغداری، ماهیگیری، صنایع دستی، صنایع کارگاهی، حمل و نقل، خدمات اداری خدمات رفاهی کارگری و غیره تهیه می شود. در صورت امکان فهرست افراد بیکار تهیه می شود. افراد بیکار افراد غیرشاغلی هستند که بیش از ۱۵ سال سن داشته قادر به کار کردن بوده و در جستجوی کار باشند. افراد در حال تحصیل، زنان خانه دار، سربازان، معلولان جسمی و افرادی که بیش از ۶۵ سال سن داشته باشند بیکار محسوب نمی شوند. بیکاری یکی از دلایل اصلی مهاجرت جوانان از روستا می باشد. شورا و دهیاری روستا به کمک اهالی و دستگاههای زیربط و با استفاده از امکانات موجود روستا می بایست برای حل مشکل بیکاری برنامه ریزی کند.

رابطه میان اقتصاد روستایی و توسعه

اگر چه توسعه مفهوم وسیع تری از تولید اقتصادی و کسب ثروت دارد اما برای دستیابی به برخی ابعاد توسعه نظیر آموزش، بهداشت و خدمات پیش از هر چیز لازم است مردم به غذا و کار و نیازهای اولیه ی حیاتی دسترسی داشته باشند. برخی از برنامه ریزان روستایی علت توسعه نیافتگی روستاهای کشور ما را به رغم سرمایه گذاری هنگفت دولتی در تأمین خدمات آنها عقب ماندگی اقتصادی می دانند. بیکاری و فقر مالی عاملی عمده برای مهاجرت های روستایی شناخته شده و مهاجرت بی رویه خود موجب رکود و تباهی روستا گردیده است به نظر این برنامه ریزان اگر روستاهای کشور از نظر اقتصادی پویا و فعال شوند با افزایش درآمد بر مشکلات خود فائق آمده و قادر خواهند بود مدرسه، درمانگاه و راه بسازند و یا سایر نیازهای خود را برطرف نمایند از این طریق آنها می توانند محیط روستا را برای زندگی بهتر آماده کرده و سطح رفاه خود را افزایش دهند و به سمت توسعه یافتگی حرکت کنند. لازمه ی این کار آن است که اقتصاد سنتی و کم درآمد و کم بازده متحوّل و به جای آن اقتصاد نوین جایگزین شود.

امروزه اقتصاد روستایی با اقتصاد شهری و ملی و حتی جهانی گره خورده و ادغام شده است. نیازهای مردم روستا نیز گسترده شده و برای رفع آنها هر روستایی می بایست به تولید تجاری کالا و محصولات و مبادله ی آنها در بازار بپردازد، اما قبل از هر چیز لازم است تا اقتصاد روستا متحوّل و شکوفا شود.

روش های احیای ارزش اقتصادی و فرهنگی صنایع دستی

صنایع دستی از دیرباز در کشورهای جهان سوم در بخش روستایی وجود داشته است ولی این صنایع از زمان هجوم صنایع غربی در یک تضاد قرار گرفته اند یعنی اینکه بخشی از این صنایع مانند شال بافی، گیوه بافی و ... زیر ضربات تولید انبوه قرار گرفته و از بین رفته اند و یا در حالت نابودی قرار دارند و بدین سان ارزشهای هنری و فرهنگی و خلاقیت انسانی که بیانگر تاریخ و تمدن و فرهنگ اجتماعی و دینی جامعه و گذشتگان می باشد به بوته ی فراموشی سپرده می شود و بی هویتی فرهنگی تشدید می یابد. وظایف دولت ها است که با حمایت و برنامه ریزی از فرهنگ دیرینه که در پوشش صنایع دستی و ... بیان و ارائه می شود دفاع نماید و در حفظ ارزشهای اقتصادی و فرهنگی آن کوشا باشد. حمایت های نهادهای ذیربط در این مأموریت چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمانهای تعلیم و تربیت در تدوین محتوای آموزشی موثر و مدارس و دانشگاهها برای نسل های کنونی و آینده می تواند مؤثر باشد. نقش رسانه های گروهی در انتقال ارزشهای فرهنگی به نسل جدید و اهمیت ارزش های اقتصادی آن می تواند مؤثر و مفید و کارساز باشد و در پیوند فرهنگ و ارزش های دیرینه و آینده مهم ترین نقش به عهده این سازمانهاست.

گزاره نیست اگر گفته شود صنایع دستی عمری به قدمت عمر بشر دارد. ایران از هفت هزار سال پیش بیرق این هنر نیاکانمان را به عنوان سند هویت ملی به رخ جهانیان کشیده است، سفره رنگین و هنر پرورانه صنایع دستی ایران هم اکنون دو میلیون و ششصد هزار نفر را مستقیم و حدود دوازده هزار نفر دیگر را غیر مستقیم گرد خود آورده است. اما هنر صنایع دستی با شاخصه های متنوع فرهنگی، معنوی و مادی ... و جدای از همه آوازه های دیرینه اش، آنگونه که شایسته و بایسته است در زندگی عمومی مردم موفقیت اصیل خود را نیافته است. برخی کاستی ها و نارسایی های مرتبط با این مقوله به ضعف بازاریابی و یا کم لطفی به جایگاه این میراث ارزشمند فرهنگی بر می گردد. در چنین وضعیتی دور از باور نخواهد بود که گفته می شود صنایع دستی کشورمان در غبار غربت غمزه است و نیز جایگاه های عرضه این هنر کهنسال به مثابه موزه های حداقل دست نیافتنی در رکود و سکوت و زیر خاشاک های بی توجهی نسبت به جایگاه ملی فرهنگی آن می نماید (منبع اینترنت)

بهینه سازی روش های حمایت از صنایع دستی

بدیهی است که صنایع دستی مخصوصاً در شروع کار باید از طرف دولت هدایت و حمایت شود یکی دیگر از خصوصیتی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که افرادی که می خواهند به این گونه صنایع دامن بزنند و باعث رشد و توسعه آن شوند باید با آگاهی کامل و با علم و دانش و تجربه کافی عمل بکنند. (شاهدی، ۱۳۷۸)

برای بهینه سازی روشها و تعمیم آن و ارتقا کمی و کیفی روشهای تولید برنامه های آموزشی دانشگاهی را بایستی گسترش داد. یعنی صنایع دستی به عنوان رشته ای در دانشگاهها، دانشکده ها، آموزشگاهها و هنرستانها، بیش از پیش متنوع و گسترش یابد و در جایی مطرح شود که خلاقیت، تحقیق، پژوهش و طراحی وجود داشته باشد. از طرفی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لازم برای تشکیل تعاونی های صنایع دستی در بعد حمایتی از ضرورت هاست.

بر اساس تجارب کشورهای آسیایی توصیه های زیر می تواند در حمایت از صنایع دستی مفید باشد: (عمادی، ۱۳۷۸)

- ۱- تواناسازی و تقویت صنایع از طریق بهبود وضعیت سازمانی آنها (تشکل و سازماندهی)
- ۲- گسترش روابط بین صنایع مناطق شهری و روستایی (جامع نگری)
- ۳- تغییر در نقش دولت از یک عامل تنظیم کننده صنایع دستی و کوچک روستایی به سمت عاملی حمایت کننده و تسهیل کننده برای صنایع (مشارکت مردم)

۴- توسعه نیروی انسانی شاغل در بخش صنایع دستی

۵- حمایت های مناسب مالی از طریق نهادها و تشکل ها

۶- هماهنگی فعالیت ها برای توسعه روستایی

توجه منطقی به حفظ و حمایت از صنایع کوچک دستی در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته که با مشکل بیکاری مواجه هستند اهمیت خاصی پیدا می کند چرا که از طرفی مانع نابودی این حرف می شود و از طرفی مشکل بیکاری حل می شود. اختصاص میزان وام های زیاد با بهره کم و توسعه شرکتهای تعاونی و اتحادیه ها از روش ها و راهکارهای مطلوب حمایتی می تواند باشد. تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی روستا از وظایف دهیاران می باشد.

ایجاد شرایط مناسب در بهینه سازی بازارهای صنایع دستی و نمایشگاهها

نکته مهم ساماندهی تشکیلات حمایتی تولیدات و محصولات صنایع دستی از جمله بازاریابی و فروش است که تولید کننده روستایی بنایستی دغدغه بازاریابی و فروش داشته باشد. و سیستم طراحی شده بایستی بگونه ای طراحی شود که صنعت گر روستایی تنها به فکر تولید بوده و تمرکز قدرت فکری و ابتکار خود را برای بهره وری روشهای کار و تولید قرار دهد و از طرف دیگر تشکیلات اداری و حمایت کننده این واحدها با قرار گرفتن در زنجیره تولید ذکر شده مطرح و زمینه حضور در بازار و نمایشگاههای منطقه ای و جهانی را پی ریزی خواهند نمود زیرا بنایستی انتظار داشت کارگاههای کوچک هم خود تولید کننده و هم بازاریاب و هم وارد شونده به بازار جهانی باشند. (دانا، ۱۳۷۸)

تجربه جهانی نشان داده است که بازارهای رقابتی بهترین روش برای ساماندهی کارآیی تولید و خدمات می باشند. رقابت خارجی و داخلی انگیزه برای پیشرفت و رشد تکنولوژی را آماده خواهد کرد. نقش دولت در این فرآیند، سرمایه گذاری در زیر ساخت ها خواهد بود و خدمات ضروری برای جمعیت روستایی را که دسترسی به چنین منابعی ندارند مهیا خواهد کرد. (جمال احمد، ۱۳۷۸)

یکی از مشکلات و معضلات بنیادی و اساسی صنایع دستی روستایی موضوع بازاریابی و بازاریابی و محصولات و تولیدات آنان می باشد. عدم آشنایی نسبت به نیاز و تقاضای بازار از یک سو و عدم تأمین نیاز کامل و دقیق بازار از سوی صنایع دستی روستایی باعث می گردد که این صنایع بطور کامل موفق نبوده و با شکست های جبران ناپذیری روبرو شوند. به علت تحولات سریع و دایم بازار، آشنایی مدیران واحدهای

کوچک روستایی نسبت به جریانها، تحولات، خبرها و وضعیت های بهنگام بازار محصولات یکی از نیازهای اساسی صنایع دستی روستایی می باشد (عمادی، ۱۳۷۸)

فرآیند تحولات جهانی و گسترش ارتباطات و تأثیر گذاری دوسویه واحدها و نظام بازار در جهان همیشه برای صنایع کوچک خطر ساز و بحران ساز نیستند در بسیاری از موارد، جهانی شدن و تأثیر بازارهای ملی و فرا ملی بر بازارهای منطقه ای فرصت ها را برای صنایع دستی ایجاد می کند که باعث می شود مزیت های نسبی و مزیت های مطلق این صنایع ارزش و سودمندی بیشتری را در بازار بیابد. شناخت این مزیت ها و کمک به این صنایع جهت استفاده از مزیت های نسبی و مطلق خود یکی از زمینه هایی است که می تواند باعث رشد سریع و حمایت جدی از صنایع دستی روستایی شود (همان منبع ص ۳۴)

شناخت بازار و سلیقه افراد، ایجاد بازارچه و نمایشگاههای دائمی صنایع دستی، موزه هنرهای سنتی، نظارت بر کمیت و کیفیت کالا جهت رضایت مشتری، ایجاد تعاونی و اتحادیه جهت فروش محصولات، اضافه شدن واحد بازاریابی به دروس دانشگاهی رشته های صنایع دستی می تواند در این زمینه موثر باشد.

نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی

راه اندازی و گسترش صنایع روستایی با توجه به نقش مؤثری که در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی می توانند ایفا کنند یکی از مهم ترین و اساسی تری راه حل ها برای غلبه بر معضلات مناطق روستایی محسوب می شوند.

توسعه ی فرصت های شغلی در مناطق روستایی، توزیع عادلانه تر درآمد - کاهش شکاف درآمدهای بین شهر و روستا کاهش فقر، مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات، امکان استفاده بهینه از منابع، امکانات موجود و مواد اولیه و همچنین کمک در تسریع روند توسعه کشاورزی از جمله مهم ترین پیامدهای مثبت و قابل ذکر گسترش صنایع روستایی محسوب می شود. شکل زیر نقش صنایع روستایی را در توسعه روستایی نشان می دهد.

کشاورزی و نقش آن در اقتصاد و توسعه روستا

اهمیت کشاورزی

معاش حدود ۱/۳ میلیارد نفر از جمعیت فقیر جهان که سه چهارم آنها در مناطق روستایی زندگی می کنند بطور مستقیم یا غیرمستقیم به کشاورزی وابسته است و در حدود ۹۰ کشور در حال توسعه با درآمد کم، از کمبود مواد غذایی مزمن رنج می برند و قریب به ۸۰۰ میلیون نفر در گرسنگی بسر می برند، با این وجود برآورد شده است که تا سال ۲۰۲۵ جمعیت جهان به ۸ میلیارد نفر خواهد رسید و نیازهای غذایی آنها نیز دوبرابر می شود. از طرفی افزایش درآمد خانواده های فقیر و کم درآمد وابسته به افزایش بهره وری در این بخش می باشد (سازمان خواربار جهانی ۲۰۰۰) ولی با وجود تبعیض علیه بخش کشاورزی در قیاس با بخش صنعت در سرلوحه عوامل توسعه نامطلوب در کشورهای در حال توسعه قرار دارد.

در جهان امروز اکثریت عظیمی از فقیرترین مردم جهان در مناطق روستایی سکونت داشته و عمدتاً به کشاورزی معیشتی اشتغال دارند که کشور ما هم جزو آنهاست و متأسفانه اکثریت روستانشینان و کشاورزان جهان در وضعیت فقر زندگی می کنند، لذا اگر قرار است توسعه ای صورت گیرد بایستی این توسعه ابتدا از مناطق روستایی و بطور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود.

طبق آمار فائو (سازمان خواربار جهانی) جمعیت ایران در سال ۲۰۱۰ در حدود ۷۸/۸ میلیون نفر و با رشدی معادل ۲/۵ درصد خواهد بود. این نیاز غذایی روزافزونی است که بر پیکره بخش کشاورزی تحمیل می شود و به تبع آن بهره وری بالای این بخش در امر تولید محصول به طرق مختلفی بر توسعه اقتصادی تأثیر می گذارد که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- عرضه مواد غذایی و تأمین مواد اولیه بر بخش های در حال گسترش اقتصاد
- ۲- فروش نقدی مازاد قابل مصرف در بازار که موجب افزایش تقاضای جمعیت روستایی از محصولات بخش های در حال گسترش اقتصاد می شود.
- ۳- ارائه مازاد قابل سرمایه گذاری از پس انداز جهت حمایت از سرمایه گذاری در بخش های دیگر اقتصاد
- ۴- رفع موانع ارزی با کسب ارز از طریق صادرات و یا پس انداز ارزی به واسطه گسترش سیاست جایگزینی واردات.
- ۵- ارائه نیروی کار مازاد به بخش غیرکشاورزی.

بنابراین بخش کشاورزی دارای توانمندی هایی است که لزوم توجه به آن بیشتر احساس می شود. به شرطی که مسئولان این موقعیت مهم کشاورزی را درک کرده و تصمیم گیری ها را صرفاً با اتکا به قدرت سیاسی و

بدون اطلاعات لازم اتخاذ نکنند.

اگر بخواهیم وضعیت کشاورزی امروز ایران را ترسیم کنیم باید گفت که این بخش یکی از بخش‌های مهم و توانای اقتصادی کشور است که تأمین‌کننده بیش از یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی، یک‌چهارم اشتغال، ۸۵ درصد نیازهای غذایی، حدود ۲۷ درصد صادرات غیرنفتی و بیش از ۹۰ درصد مواد خام مورد نیاز صنایع مرتبط با بخش کشاورزی است. ایران در حال حاضر دارای ۳۷ میلیون هکتار اراضی مستعد کشاورزی، ۹۰ میلیون هکتار مرتع، ۱/۹ میلیون هکتار جنگل‌های صنعتی با توان تولید دست‌کم ۲ میلیون مترمکعب در سال، ۱۲ میلیون هکتار جنگل‌های حفاظت‌شده، ۱۲ هزار گونه گیاهی در قم قابل ملاحظه‌ای از گونه‌های حیوانی، ۱۰۰ هزار هکتار اراضی پرورش میگو با ظرفیت یک میلیون تن در سال و ۱۲۰ میلیون واحد دامی می‌باشد. (لنگرودی، ۱۳۷۸)

ظرفیت‌های بخش کشاورزی

بطور کلی ادغام در اقتصاد جهانی به مفهوم شکستن پوسته‌ها و محدودیت‌های محلی و منطقه‌ای است، بدین منظور می‌باید کیفیت محصول براساس استانداردهای بین‌المللی تنظیم شود و ظرفیت‌های تولید بخش که شامل خاک، آب، نیروی انسانی و سرمایه است مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و تنگناها و موانع شناسایی شوند و جهت‌گیری‌های لازم برای رفع مشکلات ارائه شود.

الف- زمین در کشاورزی زمین عامل اصلی و محتوای تولید است که بدون آن کشاورزی فاقد مفهوم است. پیرو این واقعیت، مسائل دیگری مانند توزیع زمین، اندازه، بهره‌برداری‌ها و ... مطرح است که در تولید، مصرف، صدور توزیع درآمد مؤثر هستند. در ایران از ۱۶۵ میلیون هکتار وسعت کشور حدود ۵۱ میلیون هکتار قابل بهره‌برداری برای کشاورزی تشخیص داده شده، که از این مقدار ۳۲ میلیون هکتار و ۱۹ میلیون هکتار در درجه متوسط طبقه‌بندی شده است. ارقام گویای این واقعیت است که دهه‌های اخیر مساحت زمین‌های زیرکشت محصولات زراعی با حدود ۹/۸ درصد کاهش از ۱۲/۲ میلیون هکتار در سال ۱۳۷۰ به ۱۱ میلیون هکتار در سال ۱۳۸۰ محدود شده است.

با مقایسه ارقام سال ۱۳۸۰ با سال ۱۳۷۷ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سطح قابل توجهی از زمین‌های زراعی (۴۹۸ هزار هکتار آبی و ۸۱۹ هزار هکتار دیم) در طول این سال‌ها رها گردیده و از جریان تولید خارج شده‌اند. این امر به مفهوم کاهش تولید و شاغلین بخش کشاورزی و افزایش جمعیت مصرف‌کننده محصولات کشاورزی نیز می‌باشد. (ملکان، ۱۳۸۲)

ب - آب: پس از خاک مهم‌ترین عامل در جریان تولید محصولات کشاورزی آب می‌باشد که مقدار آن تحت تأثیر شرایط جوی بطور مداوم دستخوش تغییر و نوسان می‌گردد. از مجموع آب مصرفی کشور ۸۲ میلیارد

مترمکعب (۹۴/۳ درصد) در بخش کشاورزی و بقیه در سایر موارد مصرف می‌شود. میزان آب مصرفی برای هر هکتار زمین کشاورزی رابطه مستقیم با راندمان بهره‌برداری از آب دارد. در ایران راندمان بهره‌برداری در ابتدای برنامه اول ۳۱/۵ درصد بود که تا پایان برنامه دوم با اجرای روش آبیاری تحت فشار در قسمتی از زمین‌های کشاورزی به ۳۷/۵ درصد افزایش یافته که همچنان با راندمان کاربردی روش‌های آبیاری تحت فشار (۷۴ درصد) فاصله زیادی دارد. این امر موجب گردیده تا از مجموع آب استحصال شده و در اختیار بخش کشاورزی در عمل فقط حدود ۲۵ میلیارد مترمکعب به صورت مفید مورد استفاده قرار گرفته و مابقی که حجمی نزدیک به دو برابر مصرف واقعی می‌باشد در جریان انتقال و آبیاری به هدر می‌رود (منبع قبلی ص ۱۰۷).

ج - نیروی انسانی: عامل نیروی انسانی در واقع بخش متفکر و هادی فعالیت‌های کشاورزی است که برای انتخاب الگوی کشت، ترکیب نهاده‌های تولید و فروش محصولات تصمیم‌گیری به‌عمل می‌آورد. با توجه به اینکه بخش اعظم فعالیت‌های کشاورزی در ایران توسط کشاورزان کوچک و به روش سنتی انجام می‌گیرد مبحث نیروی انسانی این بخش با مسائل روستایی عجین شده است.

طبق آمارهای موجود جمعیت کل کشور طی دهه اخیر با متوسط نرخ رشد ۱/۵ درصد از ۵۵/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ به ۶۴/۹ میلیون نفر در پایان سال ۱۳۸۰ بالغ گردیده است و طی همین مدت جمعیت کل مناطق روستایی به‌طور متوسط در هر سال ۰/۴ درصد کاهش داشته و در سال ۱۳۸۰ به حدود ۲۳ میلیون نفر محدود گردیده که ۳۵/۵ درصد جمعیت کل کشور می‌باشد. بدیهی است کاهش جمعیت مناطق روستایی ریشه در مهاجرت روستاییان به شهرهای دور و نزدیک دارد. با توجه به اینکه جاذبه‌های شهری برای جوانان بیشتر می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی گرایش به پیرشدن دارد (منبع قبلی ص ۱۰۹).

د - سرمایه‌گذاری و اعتبارات: بخش کشاورزی ایران همواره در تأمین سرمایه مورد نیاز با مشکل مواجه بوده است. زیرا سرمایه‌گذاران در بخش در مقایسه با سایر بخش‌ها از بازدهی کمتری برخوردار است و سود مورد انتظار پایین‌تری دارد. علاوه بر این سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی معمولاً در کوتاه‌مدت پاسخ نمی‌دهد و نسبت به سایر بخش‌ها به زمان طولانی‌تری نیاز دارد. از طرف دیگر ساختار کلی اقتصاد کشور به گونه‌ای است که در بخش‌های غیرکشاورزی به‌ویژه خدمات و مسکن با مخاطره اندک امکان حصول سود سرشار وجود داشته و رانت‌های اقتصادی و قدرت، سودهای بادآورده‌ای را موجب می‌شود که در نهایت گرایش به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را کاهش می‌دهد (همان منبع ص ۱۱۱).

نقش کشاورزی در توسعه ملی اقتصاد

فعالیت‌های کشاورزی محور فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. ارتباط داده‌ها - ستانده‌های این بخش با بخش‌های صنعت و خدمات در مراحل توسعه تعیین بخش را نمایان می‌سازد. اهمیت این امر به حدی است که برخی معتقدند بدون انقلاب کشاورزی انقلاب صنعتی رخ نخواهد داد. این توسعه موجب افزایش فرصت‌های اشتغال و رشد بهره‌وری نیروی کار خواهد شد (محمدی، علی، ۱۳۷۵).

کشاورزی نه تنها در مناطق روستایی بخش غالب است، بلکه تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه کل اقتصاد را تشکیل می‌دهد. کشاورزی بیش از همه به تولید ناخالص ملی کمک می‌کند و برای بخش اعظم جمعیت کشور اشتغال‌زاست و غذای آنها را فراهم می‌کند. به خاطر وابستگی بیشتر مردم به زمین کشاورزی و محصولات آن، در این کشورها توزیع زمین و نظام‌های اجاره‌داری حاکم تاحد زیادی تعیین‌کننده ساختار اجتماعی جامعه است. کشاورزی با کارکردهای مختلف خود می‌تواند به توسعه کلی اجتماعی - اقتصادی کمک کند این موضوع تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه مصداق دارد، اگرچه اهمیت نسبی چنین کارکردهایی در کشورهای مختلف یکسان نیست، این اختلاف ممکن است به خاطر تفاوت در مقدار زمین کشاورزی، افزایش جمعیت، درآمد ملی حاصل از منابع غیرکشاورزی چون آهن، نفت و تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی اقتصادی حاکم باشد (کوهن، ۱۳۷۹).

با توجه به جایگاه کشاورزی در اقتصاد ملی باید به عوامل زیر توجه کنیم:

- با افزایش اشتغال در بخش‌های صنعت و خدمات، درصد جمعیتی که از لحاظ اقتصادی در بخش کشاورزی فعالیت دارند، تقریباً در همه جا کاهش می‌یابد، درعین حال به علت ادامه رشد سریع جمعیت، تعداد مطلق افراد متکی به کشاورزی نیز فزونی می‌یابد.
- بخش کشاورزی با وجود عقب‌ماندگی‌اش، هنوز هم سهم چشمگیری از درآمد ملی را به خود اختصاص داده است، این بدان معناست که کشاورزی باید در تأمین بودجه لازم برای رشد شهری نیز سهمیم باشد (مهندسان مشاور DHV از هلند ۱۳۷۱، صفحه ۶۵).

نقش و اهمیت بخش کشاورزی در ایجاد فرصت‌های شغلی

اقتصاددانان و جامعه‌شناسان معتقدند که در کشورهای در حال توسعه نظیر کشورمان، مراحل اولیه توسعه، بخش کشاورزی در ایجاد فرصت‌های جدید شغلی بسیار مؤثرتر و موفق‌تر از بخش‌های صنعت و خدمات می‌تواند عمل کند.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نظیر ایران کشاورزی بخشی است که هنوز هم اکثریت جمعیت

معیشت خود را از آن تأمین می‌کنند. بسیاری از مردم به‌عنوان کشاورز زاده متولد می‌شوند. بسیاری از آنان که کشاورزی را کنار می‌گذارند، نمی‌توانند کاری جز کشاورزی انجام دهند و اگر خیلی خوش‌شانس باشند حاشیه‌نشین شهرها می‌شوند.

با توجه به رسیدن جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۸ و ادامه روند افزایش آن در زمان حاضر، درصد سهم این بخش در ایجاد فرصت‌های جدید شغلی به‌خصوص در دوره زمانی ۷۵ تا ۸۰ می‌توان گفت که بخش کشاورزی از نظر ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و حفظ و حراست از شغل‌های ایجاد شده قبلی مقام اول را در بین سه بخش اصلی اقتصاد (صنعت، کشاورزی و خدمات) به خود اختصاص داده است.

بررسی تاریخ توسعه کشورهای توسعه‌یافته امروزی نشان می‌دهد که اقتصاد تمامی این کشورها در مراحل اولیه توسعه تقریباً به‌طور کامل وابسته به بخش کشاورزی و ایجاد فرصت‌های اشتغال این بخش بوده است. (اسدی و شمس، ۱۳۸۲).

آمار موجود درخصوص پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل کشور بیانگر آن است که هنوز منابع بالقوه زیادی در کشور وجود داشته و دارد که در صورت برنامه‌ریزی صحیح، بخش عظیمی از نگرانی‌های فوق را مرتفع می‌کند. آمار نشان می‌دهد در حال حاضر نیمی از پتانسیل‌ها موجود در بخش آب و خاک و منابع طبیعی تحدیدشونده که شرط اصلی توسعه اقتصادی کشور است مورد استفاده قرار نگرفته است، شاهد این مدعا آن است که در زمینه امکانات بالقوه اراضی حدود ۵۱ میلیون هکتار از اراضی کشور مناسب برای تولید محصولات زراعی و باغی تشخیص داده شده که تاکنون تنها از ۱۸/۵ میلیون هکتار یعنی حدود ۳۷ درصد اراضی مستعد استفاده شده است. در مورد میزان آب از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب قابل استحصال تنها حدود ۵۸ درصد استفاده می‌شود. در زمینه امکانات منابع طبیعی تحدید شونده از قبیل جنگل و مرتع، مطالعات نشان داده است که در صورت برنامه‌ریزی درازمدت در جنگل‌های شمال و غرب کشور و استفاده از پتانسیل موجود، درآمد سالیانه‌ای معادل ۲۸۰ میلیارد ریال معادل بیش از نیمی از درآمد تولیدات نفتی عاید کشور خواهد شد. از نظر میزان گوشت قرمز و تخم‌مرغ تنها از حدود ۵۰ درصد امکانات بالقوه استفاده می‌شود که آن‌هم به دلیل وابستگی به نهاده‌های اولیه (دارو، دان مرغ و سایر اقلام وارداتی) دارای بازدهی ضعیف است. در زمینه شیلات تنها از ۲۵ درصد از منابع بالقوه استفاده می‌شود که به دلیل رواج شیوه‌ها و روش‌های سنتی فرآوری و صید ماهی دارای بازدهی خوبی نیستند. بنابراین با توجه به تنوع پتانسیل‌های موجود در بخش کشاورزی می‌توان گروه کثیری از جوانان روستایی بیکار و مهاجر به مناطق شهری را به‌کار گمارد و زمینه‌های اشتغال این قشر فعال و جوان را فراهم نمود (محبوبی قمی، میردامادی، ۱۳۸۲).

توسعه کشاورزی

از سه نیاز اساسی انسان یعنی غذا، پوشاک و مسکن، غذا از مهم‌ترین آنهاست که مسئولیت تهیه آن برعهده بخش کشاورزی است. واژه توسعه کشاورزی هم به موازات خود واژه توسعه تغییر و تحولات زیادی کرده است بطوری که در ابتدا به معنای مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و رسیدن به هدف رشد کشاورزی مطرح بود اما در مباحث توسعه‌ای امروز توسعه کشاورزی پایدار غالب است.

اینکه توسعه کشاورزی چیست؟ اتفاق نظر وجود ندارد. برخی توسعه کشاورزی را به معنای گذر از کشاورزی سنتی می‌دانند و برخی آن را فرایندی می‌دانند که طی آن به تدریج اوضاع اقتصادی و اجتماعی اکثریت کشاورزان یک کشور بهبود می‌یابد و اصلاح می‌شود. زمانی پور توسعه کشاورزی را به معنای بهبود کیفی و کمی کشاورزی و بهبود وضع زندگی اکثریت کشاورزان و منجمله زارعین فقیر و خرده مالکین می‌داند. چیزی که اکثریت محققین برآن اتفاق نظر دارند، افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی به همراه ایجاد برابری و توانمندشدن جامعه کشاورزان و توجه به کشاورزی پایدار می‌باشد. (اسدی و شمس ۱۳۸۲).

توسعه پایدار کشاورزی و روستایی

کشاورزی پایدار سیستمی است که ضمن مدیریت موفق در استفاده از منابع برای تأمین نیازهای غذایی بشر، کیفیت محیط را حفظ و ذخایر منابع طبیعی را افزایش دهد. همچنین این سیستم باید از نظر اقتصادی پویا بوده و مواد غذایی حاصله از آن اثر سوء بر سلامت بشر نداشته باشد و در حفظ و مراقبت از منابع برای نسل های آینده نیز کوشا باشد و توسعه پایدار کشاورزی الگویی از توسعه است که زمین، آب، و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری حفاظت کند. از لحاظ زیست‌محیطی بدون تخریب، از نظر فنی مناسب و بجا، از نظر اقتصادی معقول و معتبر و از نظر اجتماعی معقول باشد.

در کشاورزی باید اصول زیر مورد توجه و تأکید قرار گیرد:

۱- ارجحیت دادن به تحولات و دگرگونی در بلند مدت.

۲- هماهنگ کردن فعالیت‌ها به گونه‌ای سازگار با طبیعت و نه در جهت تخریب آنها.

۳- پایبندبودن به حقوق مسلم انسان‌ها در دسترسی به مواد غذایی و آب سالم و بی‌خطر (سلمان‌زاده

۱۳۷۱).

در توسعه کشاورزی پایدار حفظ منابع ژنتیکی کشاورزی، افزایش موقعیت استخدام کشاورزان خرده‌پا و بدون زمین در کارهای غیرکشاورزی مطرح است که در توسعه و اقتصاد روستایی مؤثر است.

بطور خلاصه باید گفت که توسعه پایدار دارای جامع‌نگری است و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر نیازهای بشری را دربر می‌گیرد و مفاهیم فوق را همراه مفاهیم زیست‌محیطی به صورت جامع مورد بررسی و تأکید قرار می‌دهد.

مشارکت در اقتصاد کشاورزی

معمولاً برطرف کردن نارسایی‌ها با توجه به وضعیت موجود اجتماعی و اقتصادی، برنامه ریزی می‌شود. در شرایط کنونی کمبود محل اشتغال، کاهش تولید و درآمد از مشکلات اساسی اقتصاد است که به تبع آن مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرها، بیکاری، رونق اقتصاد دلالی و ناهنجاری‌های اجتماعی، آن را همراهی کرده است.

تحت چنین شرایطی اولویت سیاست‌ها را چگونه باید انتخاب کرد تا نتیجه‌اش به بهبودی و مطلوبیت وضع موجود بینجامد؟ در چارچوب این تفکر، ضمن بررسی نارسایی‌ها در هر یک از بخش‌ها و پیوستگی آنها در یک مجموعه، می‌توان انتظار داشت که در نهایت نتیجه به ارائه الگویی برسد که از طبیعت بهینگی برخوردار باشد.

خصوصی‌سازی نشأت گرفته از اصل ۴۴ قانون اساسی در مرکز ثقل اصلاح ساختار قرار دارد. تدابیر سنجیده در این راستا و در بخش‌های مختلف، زمینه ساز تعدیل نارسایی‌ها و برطرف کننده مشکلات خواهد شد.

خصوصی‌سازی عبارت از انتقال عوامل تولید از بخش عمومی تحت مشارکت سرمایه انسانی و مدیریت به بخش غیردولتی است. شرایط این انتقال برای بخش‌های مختلف اقتصادی در مقاطع زمانی، متفاوت و تحت برنامه‌های مستقل قابل بررسی و اجرا است.

حدود یک سوم جمعیت کشور ساکن مناطق روستایی هستند. بخش غالب اقتصاد هم در محدوده روستاها، کشاورزی است. با این تصویر مرکز ثقل بحث را چگونگی مشارکت روستاییان و نحوه خصوصی‌سازی فعالیت‌ها در زنجیره اقتصاد مواد غذایی قرار می‌دهیم.

اقتصاد مواد غذایی دربرگیرنده تمام فعالیت های اقتصادی بخش کشاورزی و دیگر بخش های اقتصادی است که در خدمت تامین مواد غذایی جامعه قرار دارند. اما نظر به اینکه محصولات بخش کشاورزی محدود به مواد غذایی نمی شود، بنابراین مجموعه فعالیت های اقتصادی وابسته به بخش کشاورزی و در خدمت تولید مواد غیرغذایی کشاورزی تحت واژه «اقتصاد مواد غیرغذایی کشاورزی» شناخته می شود. بدین ترتیب کار و عمل دو بخش مشابه اقتصاد مواد غذایی و اقتصاد مواد غیرغذایی کشاورزی که یکی از مشخصات جوامع صنعتی است، عبارتند از؛

- الف- تهیه مواد اولیه و استفاده از خدمات بخش های زیربنایی برای تولیدات مواد خام غذایی و غیرغذایی کشاورزی
- ب- بخش های سرویس دهنده، خدمات و واسطه ها برای توزیع مواد اولیه
- ج- تولید مواد خام در بخش کشاورزی برای مواد اولیه کارخانه های مواد غذایی و غیرغذایی و نیز مصرف نهایی در داخل و خارج از کشور
- د- بخش های سرویس دهنده، خدمات و واسطه ها برای توزیع این مواد خام
- ه- تولید محصولات صنایع غذایی و غیرغذایی کشاورزی برای مصرف کنندگان
- و- بخش های سرویس دهنده، خدمات و واسطه ها برای توزیع محصولات صنایع غذایی و غیرغذایی کشاورزی در داخل و خارج از کشور.

بدین ترتیب اقتصاد مواد غذایی و غیرغذایی شبکه وسیعی را شامل می شود. صنایع ماشین آلات کشاورزی، صنایع ساختمان، صنایع آب، صنایع برق، صنایع کود شیمیایی، صنایع سموم دفع آفات در بخش ها و فعالیت های سرویس دهنده به بخش کشاورزی، اقتصاد حمل و نقل، صنایع مواد غذایی و غیرغذایی، سیلوها و انبارها و سردخانه ها و رستوران ها از جمله فعالیت ها در زنجیره اقتصاد مواد غذایی و غیرغذایی هستند که هم در چارچوب خصوصی سازی و هم برنامه های صنعتی کردن اقتصاد کشور، مورد توجه در سیاستگذاری برای توسعه مناطق روستایی قرار دارند.

علاوه بر آن بسیاری از واحدهای تولیدی کشاورزی دولتی هستند که نحوه انتقال آنها به بخش خصوصی باید مورد بررسی قرار گیرد. همچنین درصد بالایی از واحدها کوچک و پراکنده اند و فاقد بهینگی ترکیب عوامل تولیدند که نیازمند به کارگیری سیاست های اصلاح کننده با هدف تقویت بخش خصوصی در اقتصاد مواد غذایی هستند.

بنابراین باید بررسی شود که چگونه می توان هر حلقه فعالیت را که در ساختار نظام اجرایی دولتی قرار دارد آزاد کرد، در قالب بخش خصوصی طراحی و با انتقال آن به مدیریت غیردولتی زمینه مشارکت، اشتغال و درآمد را برای ظرفیت های بالقوه عوامل تولید در روستاها فراهم آورد.

در شرایطی که بخش کشاورزی با انبوه واحدهای کوچک مواجه است و به علت نبود مطلوبیت ترکیب عوامل تولید، امکان درآمدهای مناسب در مقایسه با دیگر بخش های اقتصادی وجود ندارد، پس باید به دنبال بهینه کردن ترکیب عوامل تولید در بخش کشاورزی و تعیین اندازه مطلوب واحدهای کشاورزی بود.

اندازه مطلوب یکی از شاخص ها برای دستیابی به اهداف کشاورزی است. حد مطلوب واحدها در مراحل مختلف توسعه اقتصادی متحول است. اندازه مطلوب را به تعبیری مساوی حداقل بزرگی واحدها قرار می دهند و آن برابر وسعتی است که تولید در آن قادر به تامین درآمد مورد نیاز خانوار کشاورز باشد.

این درآمد باید با میانگین درآمد شاغلان در دیگر گروه های اجتماعی و بخش های اقتصادی در توازن قرار گیرد. پس حد بهینه بزرگی واحدها برابر با حداقل آن است.

آن اندازه یی است که درآمد قابل توازن در مقایسه با دیگر گروه ها و بخش های اقتصادی را امکانپذیر سازد. طبیعتاً عوامل موثر بر میزان درآمد در ارتباط با هزینه های تولید، ترکیب عوامل تولید و قیمت های بازار تولیدات کشاورزی قرار دارد.

شرط به حداقل رسانیدن هزینه های تولید، علاوه بر قیمت های بازار آنها مطلوبیت ترکیب عوامل تولید است. اندازه واحدها همچنین با توجه به نوع و ارزش محصول متفاوت است.

در مجموع حداقل و مطلوب واحدهای کشاورزی به نوع تولید، ترکیب عوامل تولید، میزان کسب درآمد خانوار کشاورز از اقتصاد واحد تولیدی، سطح هزینه های تولید، قیمت محصولات و نیز قدرت رابطه مبادله درآمد خانوار کشاورز در مقایسه با دیگر گروه های اجتماعی و امکان درآمد در دیگر بخش های اقتصادی در فرآیند تغییرات اقتصاد کلان مرتبط است

نظر به اینکه شاخص های نامبرده در روند تحولات اقتصادی متغیرند، بنابراین حداقل، «حد بهینه» اندازه واحدهای کشاورزی نیز ایستا نیست.

در نظام بهره برداری کشاورزی، جریان بسط واحدهای تولیدی را باید با توجه به دو هدف اصلی بهینه کرد؛ هدف اول ایفای نقش بخش کشاورزی در تامین سهم محل اشتغال و جلوگیری از بیکاری و مهاجرت بی رویه و غیرمولد روستاییان به شهرها است.

هدف دیگر بهبود درآمد کشاورزان از طریق افزایش تولید و بازده و در نتیجه کاهش هزینه ها، وسیله به کارگیری تکنولوژی سازوار است. پس اندازه های واحدهای تولیدی به طور پویا تحت ویژگی تلفیقی از ظرفیت اشتغال پذیری و جذب تکنولوژی تطبیقی، متغیر است.

شاخص سنجش آن قدرت خرید سرانه و میزان تولید سرانه در واحد سطح است. بدین ترتیب تغییرات اندازه واحدهای تولیدی علاوه بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، تابعی از تحولات نظام بهره برداری، تحت برنامه های توسعه اقتصادی با توجه به شاخص های اجتماعی و اقتصادی مورد هدف است.

با توجه به نبود هماهنگی بین عوامل تولید در واحدهای کوچک، یکی از الگوهای ترمیم کننده در بخش اقتصاد مواد غذایی، تعاونی است. ایجاد همفکری و همکاری گروهی در جهت پیشرفت و رسیدن به اهداف، دارای قدمت تاریخی است.

نمونه کار دسته جمعی و همکاری تعاونی در بخش کشاورزی، از جمله نقشه وسیع آبیاری به وسیله کانال، زهکشی منظم برای خشکانیدن مرداب و تبدیل آن به زمین های بارآور را در بیش از چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح در جامعه سومر می بینیم. در تاریخ معاصر، شکل و نوع همکاری تعاونی، همزمان با رشد و توسعه علوم جدید و به موازات تغییر و تحولات در جوامع و نظام های مختلف تکامل یافت.

از نیمه اول قرن نوزدهم، در اروپای غربی نظام تعاونی در بخش کشاورزی دیده می شود که تاکید بر ارائه خدمات اقتصادی، از طریق تشکیلات خودیار کشاورزان در واحدهای کوچک و متوسط دارد. در نیمه دوم قرن نوزدهم بحث نظری و برخورد تحلیلی در زمینه همکاری تعاونی در تولیدات کشاورزی، رونق گرفت.

در نیمه اول قرن بیستم کوشش در ادغام میلیون ها واحدهای کوچک کشاورزی به عمل آمد. ساختار بخش کشاورزی بعضی کشورها، به طور کامل به شکل تعاونی نوسازی شد.

در نیمه دوم قرن بیستم، توسعه تعاونی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت. اینکه چگونه ایجاد تعاون کشاورزی در این کشورها امکانپذیر خواهد بود، همچنان یکی از زمینه های بررسی های اقتصادی و اجتماعی مورد توجه پژوهشگران را تشکیل می دهد.

نظام، سطح توسعه اقتصادی، وضعیت اجتماعی، سطح دانش گروه ها، عادات و سنن کشورها، قدرت مالی مشارکت کنندگان و مقررات اجتماعی در توانایی انسان در ایجاد تعاونی ها و نقش آنها موثرند.

تعاونی ها پدیده یی اجتماعی و اقتصادی هستند که در اغلب مناطق جهان در بسیاری از طبقات اجتماعی و در اغلب بخش های اقتصادی ایجاد شده اند و دارای شکل های متغیرند. «دراهایم» در تعریف تعاونی می گوید: «تعاونی ها شرکت هایی هستند که عامل واسطه اتحاد آزاد افراد یا گروه ها به مفهوم تشکل اجتماعی بوده و همزمان نقش اداره واحد اقتصادی را بر عهده دارند.

مدیریت آن فقط از طریق انتخابات آزاد اعضای آن تعیین می شود. وظیفه اصلی آن عبارت از کوشش در جوابگویی به منافع و نیازهای مشخص شده از طرف اعضای آن است.»

این تعریف تاکید بر اصول اساسی آزادی عضویت، دموکراسی کامل در ساختار تشکیلاتی، خودیاری، کمک و همکاری اقتصادی اعضا دارد. تعاونی ها را براساس خواص آنها می توان به سه گروه تقسیم کرد.

- الف- تعاونی های تولید؛ اعضای این تعاونی ها از نیروی انسانی شاغل در واحدها تشکیل می شوند.
- ب- تعاونی های مصرف؛ که منعکس کننده ویژگی های مصرف کنندگان است.
- ج- تعاونی های کشاورزی؛ که گردانندگان واحدهای کشاورزی اعضای آن را تشکیل می دهند.

گرچه در نظام های مختلف شکل کلی تعاونی ها مشابهند ولی در یک اصل اساسی که به هم پیوستگی آزاد اعضا در کشورهای غربی یا تشکل اجباری آنها در کشورهای با برنامه ریزی متمرکز باشد، از یکدیگر متمایزند.

بعضی از پژوهشگران از جمله «اتوشیلر» که آزادی مشارکت اعضا را در پیوستن به تعاونی از اصول تشکیل آن می شناسند، از این تشکیلات در شرق که تاکید بر شرکت اجباری افراد دارد، به «شبه تعاونی» یا «تعاونی های کاذب» نام می برند.

تعاونی ها را می توان براساس نوع فعالیت نیز گروه بندی کرد. تعاونی های وام، فروش محصولات، عوامل تولید، مصرف، خانه سازی، تولید جمعی و حمل و نقل از جمله انواع تعاونی هستند.

علاوه بر آن برحسب آنکه تعاونی ها فقط یک یا چند نوع عملیات را جزء وظایف خود قرار دهند، تعاونی های یک یا چندمنظوره نامیده می شوند. همچنین می توان تعاونی ها را برحسب خودیاری اعضا و اخذ کمک از دولت نیز از یکدیگر مجزا کرد. براساس تعریف، تعاونی های مولد دارای این ویژگی هستند که اعضای آن در واحدهای تولیدی اشتغال خواهند داشت.

الگویی که در آن صاحب سهام به عنوان عامل نیروی انسانی در جریان تولید حضور دارد. اقتصاد تعاون مبتنی بر فرهنگ همکاری های گروهی است. کاربرد آن در بخش کشاورزی به معنای موافقت و آمادگی اعضا با ترکیب عوامل تولید پراکنده برای دستیابی به حد بهینه بیلان داده ها و ستانده ها است.

اعضای تعاونی های حقیقی چشم به راه کمک های بی انتهای دولت نمی مانند، بلکه دست ها را بالا می زنند و کوشش می کنند که از عوامل تولیدشان بهترین ترکیب را بسازند.

ابتدا پس از آنکه با تمام کوشش ها دسترسی به اهداف امکان پذیر نبود، دولت با به کارگیری منابع عمومی جهت دستیابی به اهداف ملی، باید به کمک آنها بشتابد. عضویت در تعاونی یعنی همفکری، همکاری و قبول مسوولیت مشترک در طرح ها و واحدهای تولیدی است.

در صورت وجود چنین ویژگی هایی هر عضو، احساس مالکیت بر سهمی از واحد تعاونی را خواهد داشت. براساس این اندیشه همبستگی است که مشارکت فعال او رشد خواهد کرد. پیوستن به تعاونی ها اجباری نیست، اعضا در پیوستن به آن آزادند.

هر فرد که آزادانه به عضویت تعاونی درآمد، باید برای او روشن باشد که نمی تواند حقوقی از تعاونی برای خود قائل شود، قبل از آنکه عملاً در فعالیت های جریان عملیات برنامه واحد تعاونی مشارکت کند.

به طور کلی الگوی تعاونی مولد در بخش اقتصاد مواد غذایی را در شرایط موجود توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور به دو شاخه تولید و توزیع تفکیک می کنیم. الگوی تعاونی مولد مورد نظر دارای ویژگی های ذیل است.

الف- واحدها انعطاف پذیر بوده و متکی به شقوق متفاوت ترکیب پیوستن عوامل تولید هستند.

ب- اعضای تعاونی ها باید در فرآیند تولید به طور فعال اشتغال داشته باشند.

ج- تاسیس و تشکیل تعاونی ها و پیوستن اعضا به آن، آزاد بوده و وابسته به تصمیم و اراده آنهاست.

د- تعاونی ها با هدف دستیابی به ترکیب مطلوب عوامل تولید و کوتاه کردن دست واسطه های غیرمولد در مسیر قبل از تولید تا مصرف کننده نهایی تشکیل می شوند.

د- هر نوع حمایت دولت از طریق پرداخت رایگانه، اعطای وام، توزیع عوامل تولید محدود، تسهیلات اعتبارات و کمک به حق بیمه، به کشاورزانی تعلق می گیرد که در تولید الگوی مورد تایید به کشت اقلام و ترکیب محصولات استراتژیک و دارای تقدم و نیز برنامه های تعیین شده از سوی دولت بپردازند.

ه- موتور اصلی جهت دهنده طرح ها به سوی اهداف، به کارگیری منظومه سیاست های به هم پیوسته دولت است.

و- بدین ترتیب نحوه فعالیت در تعاونی های مولد متنوع است.

همکاری ها ممکن است به وسیله پیوستن عامل تولیدی نیروی انسانی و کار مشترک در مزارع انجام شود. شق دیگر تعاونی ها می تواند در شکل بهره برداری مشترک از زمین، پیوستن مزارع به یکدیگر، کشت یکپارچه و تولید مشترک ظاهر شود.

همچنین از انباشت سرمایه واحدهای تولیدی در جهت تهیه عوامل و نهاده های تولید مشترک از جمله ماشین آلات به مصرف برسد یا فعالیت های مربوط به همکاری های توزیع، یعنی عملیات مربوط در فاصله قبل از تولید تا مصرف محصولات را دربرگیرد.

پس تعاونی ها ممکن است متمرکز بر یکی از شقوق نامبرده بوده یا فعالیتی همه منظوره یا چندمنظوره در ترکیبی متفاوت را دربرگیرد. الگوی تعاونی بهینه در شرایط ساختار اجتماعی و اقتصادی موجود کلیه شقوق ترکیبی را مجاز می دارد.

درجه اهمیت و تاکید بر تشکیل هر یک یا ترکیبی از آنها به وسیله سیاست های حمایتی دولت می تواند هدایت شود. تحول در نظام بهره برداری در اقتصاد کشاورزی شامل دو شاخه است؛ شاخه یکم واحدهای کوچک و دهقانی را دربرمی گیرد که از تاریخ اصلاحات ارضی به صورت خرد و پراکنده اند و در ارتباط با ترکیب و نوع کشت و دیگر عوامل تولید به خصوص عامل نیروی انسانی، در ترکیبی متعادل قرار ندارند.

اندازه واحدها ظرفیت جذب نیروی انسانی را در سطح وسیع جهت مشارکت در برنامه های تولیدی کشاورزی برای ایجاد بستر درآمد و قدرت خرید جوابگو به حداقل نیازهای اجتماعی و اقتصادی را فراهم نمی کند.

عوامل افزایش دهنده بازده تولید به طور مطلوب در این واحدها نفوذ نکرده و در مناطق روستایی هم فرصت های اشتغال در حد کفایت برای بهره برداری از نیروی کار بالقوه وجود ندارد.

گروه دیگر واحدهایی است که از نتیجه به کارگیری سیاست های اصلاحات کشاورزی از جمله نمونه های واحدهای شرکت های سهامی زراعی، کشت و صنعت ها، واحدهای بزرگ کشاورزی، تعاونی های تولید و تعاونی های مشاع ایجاد شدند و با ترکیب حقوقی متفاوت دولتی، خصوصی و مختلط و همچنین تحت مدیریت و اداره وزارتخانه ها، بانک ها و موسسات گوناگون قرار گرفتند.

عملکرد بسیاری از این نوع واحدها در شرایط ساختار کنونی نامطلوب است چون فعالیت آنها را نمی توان به یکباره متوقف کرد. بهینه است که نارسایی ها را برطرف کرده و اصلاحات لازم را با توجه به ترکیب بهینه عوامل تولید در آنها به کار گرفت، اما هسته اصلی اصلاحات نظام بهره برداری در درجه نخست مرتبط با واحدهای تولیدی کوچک، خرد و دهقانی پراکنده اند که برای آنها سناریوی الگوی تعاونی های مولد را مناسب طراحی می بینیم.

بر این اساس، شقوق انواع آنها و نحوه تعاونی کردن ترکیب عوامل تولید در بطن چنین الگویی، زمینه بررسی های علمی را ضروری می سازد. خصوصاً سازی در بخش اقتصاد مواد غذایی و اقتصاد روستایی که در حاشیه قرار دارد، باید از اولویت مقدم برخوردار شود.

در این صورت ظرفیت فعالیت های اقتصادی در روستاها افزایش خواهد یافت و برای دستیابی به اهداف تولید و تحرک اقتصادی، افزایش درآمد، اشتغال زایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، پاسخی مثبت خواهد داد. نقش سیاست کاستن از بار فعالیت دولتی و کوچک کردن ساختار دیوانی را ایفا خواهد کرد.

بسیاری از تعاونی های کنونی، طبیعت غیرآزاد داشته و تحت اعمال دخالت دولت فعالیت می کنند در نتیجه دارای ویژگی «شبه تعاونی» هستند. مناسب است که این گروه در چارچوب هدف خصوصی سازی برای انتقال به ساختار تعاونی های مولد مورد بررسی قرار گرفته و نحوه چگونگی عملیات اجرایی آن طراحی شود.

دامنه فعالیت های اقتصاد مواد غذایی و اقتصاد روستایی بسیار گسترده بوده، حجم اصلی آن در انحصار دستگاه های دولتی است. این ساختار هم در جهت مخالف اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی سازی) بوده و هم فاقد کارایی انگیزشی است.

از موانع اهداف افزایش اشتغال و درآمد در مناطق روستایی و رونق دهنده مهاجرت های بی رویه روستاییان به شهرها، شکوفایی اقتصادی دلالی، بیکاری و حاشیه نشینی است.

تعاونی های مولد با هدف بهینه سازی عوامل در آنها و با مشارکت روستاییان برای اشتغال، افزایش تولید و درآمد تحقق می یابد. با آموزش دادن به جامعه روستایی و به کارگیری تدابیر حمایتی در راستای توسعه پایدار، می توان تمامی فعالیت حلقه های سازوکار اقتصادی روستاها را در الگوی تعاونی مولد به جامعه روستایی واگذار کرد.

در این راستا علاوه بر بخش تولید، شاخه های توزیع و ساختارهای صنایع و تنظیم بازار را می توان به جامعه روستایی انتقال داد. نظام حمل و نقل در بخش های داده ها و ستانده ها، صنایع غذایی و غیرغذایی، انبارها، سیلوها و سردخانه های دولتی، با هدف خصوصی سازی و واگذار کردن به جامعه روستایی و نیز ارائه عرضه محصولات به مصرف کنندگان با اولویت و در چارچوب طراحی الگوی تعاونی های مولد جایگاهی درخور بررسی داشته و مورد توصیه است.

برپایی بانک توسعه روستایی و خصوصی سازی صندوق بیمه کشاورزی با ایده مشارکت روستاییان در سرمایه گذاری به عنوان سهامدار، تدبیری در راستای خصوصی سازی و الگوی مشارکت جامعه روستایی در بافت تعاونی مولد است.

نظر به اینکه فرمان هدایت کننده اصلاح ساختارها، نوآوری در خصوصی سازی و طراحی الگوها، در گرو سیاستگذاری ها و انتخاب وسیله های مناسب است، همچنین با توجه به آنکه ترکیب سیاست های موجود اجتماعی و اقتصادی مرتبط با اقتصاد روستایی در دستیابی به ترکیب مطلوب اهداف ناتوانند، بنابراین اصلاحات در سیاست ها و وسیله ها شرط لازم موفقیت در تحولات تکاملی است.

دهیاری ها و توسعه کشاورزی

هرچند در قوانین و مقررات کشور، متولی و مسئول بخش کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی است و مسئولیت مستقیم و خاصی متوجه دهیاری‌ها نمی‌گردد ولی با عنایت به اینکه اقتصاد روستاهای کشور عمدتاً بر پایه کشاورزی است و حمایت و توسعه‌شان وابستگی تام به کشاورزی دارد لذا دهیاری‌ها به‌عنوان مدیریت روستاها تحت عنوان سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار روستا می‌توانند از طریق ایجاد و سازوکارهای لازم شرایط تسهیل انجام وظایف سایر ادارات و نهادها را در زمینه کشاورزی در روستاها فراهم آورند و در اجرای این وظایف با آنها مشارکت کنند.

البته لازم به ذکر است که در قانون شوراها و اساسنامه دهیاری‌ها موارد زیر به‌عنوان دخالت و اختیارات شوراها اسلامی روستایی و دهیاری‌ها آمده است که می‌تواند مبنای فعالیت دهیاری‌ها در زمینه توسعه کشاورزی پایدار باشد.

۱- بررسی و شناخت کمبودها و نارسایی‌های موجود در روستا و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و عملی در این زمینه و ارائه آن به مقامات ذیربط

۲- ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت‌های عمومی در جهت اجرای فعالیت‌های تولیدی

۳- همکاری مؤثر با مسئولان ذیربط جهت حفظ و نگهداری منابع طبیعی واقع در محدوده و حریم روستا

۴- مساعدت و همکاری با کشاورزان در جهت معرفی محصولات کشاورزی در مراکز شهری و نمایشگاه‌های ذیربط

۵- شناسایی زمینه‌های اشتغال و مساعدت در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار با همکاری دستگاه‌های ذیربط

۶- تشویق و ترغیب روستاییان در توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی

براساس موارد مذکور و تفاهم‌نامه‌ای که بین وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) با وزارت جهاد کشاورزی مبادله شده است دهیاری‌ها این امکان و توان را دارند که با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و امکانات بالقوه هر روستا با هماهنگی با ادارات و نهادهای متولی کشاورزی نقش مهمی در توسعه کشاورزی کشور ایفا نمایند (شاه‌محمدی، ۱۳۸۴).

دهیاری‌ها با توجه به آشنایی با ویژگی‌های طبیعی، منابع و توانمندی‌ها و قابلیت‌های هر روستا می‌تواند با ایجاد زمینه لازم برای فعالیت‌های گسترده در بخش‌های مختلف کشاورزی (زراعت، دامپروری، پرورش آبزیان و منابع طبیعی) و فعالیت‌های جنبی آن شامل ذخیره‌سازی و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی،

ایجاد صنایع تبدیلی و مواردی از این دست در توسعه بخش کشاورزی سهم بسزایی داشته باشند.

دلایل ناکافی کشورهای در حال توسعه در حمایت از بخش کشاورزی

یکی از علل مهم رکود بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های تبعیض‌آمیزی است که علیه بخش کشاورزی اعمال می‌شود. این تبعیض اغلب به دلیل سیاست‌های نامناسب و نارسایی کلان اقتصادی و بخشی شدیدتر می‌شود. در برخی از این کشورها با بکارگیری راهبرد جایگزینی واردات، انتقال منابع از بخش کشاورزی به بخش صنعت صورت می‌گیرد که در نهایت، مانع توسعه بخش کشاورزی می‌شود، درحالی که این راهبرد حتی نتوانسته است نرخ رشد اقتصادی مناسبی را برای این گروه از کشورها به وجود آورد (رحیمی، ۱۳۷۶).

مشکلات و تنگناهای توسعه کشاورزی در ایران

الف- مشکلات آموزشی و ترویجی:

آموزش در توسعه بطور اعم و در توسعه کشاورزی بطور اخص تأثیر انکارناپذیر دارد. آموزش و ترویج یکی از عوامل مهم و تسریع‌کننده اصلی توسعه کشاورزی محسوب می‌گردند.

ب- بازار بی ثبات:

بازاریابی شامل فعالیت‌هایی در ارتباط با فروش و توزیع کالا است. در سراسر جهان تولید کشاورزی در تمام سطوح غیراز معیشتی به نحو معنی‌داری متأثر از نظام بازاریارسانی محصول است. غالباً نظام بازاریارسانی مناسب محصول می‌تواند به مانند عامل کارآیی فعالیت‌های تولید، برای بهبود وضع خانواده کشاورز حائز اهمیت باشد. در زمینه بازاریارسانی محصولات کشاورزی در کشور مسائل و نارسایی‌های زیادی به چشم می‌خورد. نبود قیمت تضمینی، فقدان شبکه اطلاع‌رسانی مناسب و در نهایت عدم اطلاع زارعان از تصمیم‌های یکدیگر از آن جمله‌اند.

ج- یکپارچه نبودن زمین‌های کشاورزی:

زمین و آب دو عامل اصلی در تولید هستند. در واقع بدون زمین و آب کشاورزی معنی خاصی ندارد، اما استفاده از این دو عامل محتاج این است که روش صحیح استفاده را اعمال کنیم. در کشور ما متأسفانه از این دو

عامل استفاده بهینه نمی‌شود. نظام‌های بهره‌برداری زمین‌های زراعی هنوز هم به حالت سنتی بوده و زمین‌هایی زراعی حالت یکپارچگی ندارند و اغلب به صورت قطعات کوچک مورد بهره‌برداری واقع می‌شوند که به علت عدم یکپارچگی استفاده از ادوات بزرگ کشاورزی غیرممکن و در نتیجه از ظرفیت کامل این زمین‌ها بهره‌برداری نمی‌شود و لذا هزینه تولید بالا رفته و اتلاف منابع افزایش پیدا می‌کند.

د- فقدان تکنولوژی مناسب:

در بخش کشاورزی ما با چندین نوع تکنولوژی سروکار داریم:

۱- تکنولوژی‌های بیولوژیکی مانند بذور اصلاح شده و سایر وارپته‌های پربازده نباتی و حیوانی

۲- تکنولوژی شیمیایی مانند انواع سموم دفع آفات و امراض نباتی و حیوانی

۳- تکنولوژی مکانیکی مانند تراکتور و انواع و اقسام ادوات و ماشین آلات کشاورزی

۴- تکنولوژی نرم‌افزاری از قبیل روش‌های مناسب کاشت، داشت و برداشت و مدیریت مزرعه و ...

توسعه کشاورزی مستلزم توسعه علوم و تکنولوژی مناسب در بین اعضای جوامع روستایی است. تکنولوژیها از دو عامل سخت افزاری و نرم افزاری تشکیل شده‌اند. بعد سخت‌افزاری تکنولوژی در صورت مهیا بودن سرمایه به راحتی قابل وصول است ولی بعد نرم‌افزاری نیازمند وقت بیشتری است. دانش مورد نیاز از جمله این عوامل است. وقتی تکنولوژی کشاورزی به جامعه کشاورزی عرضه می‌شود می‌باید عوامل سخت افزاری و نرم افزاری آن مطابق جامعه کشاورزی باشد وگرنه موفق نخواهد بود.

ه- عدم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی:

سرمایه یک عامل تولیدی است بنابراین جهت تحقق اهداف کشاورزی وجود سرمایه ضرورت دارد. نه تنها سرمایه بلکه نحوه استفاده بهینه از آن نیز جهت توسعه مهم تلقی می‌شود. بخش خصوصی بدلیل متعدد از جمله سودآوری کم کشاورزی نسبت به خدمات و صنعت، فاصله بین کاشت و برداشت (وام و بازپرداخت ریسک فعالیتهای کشاورزی، کمی شش عرضه فرآورده‌های کشاورزی و سرانجام فاصله جغرافیایی و طبقاتی بین شهرنشینان سرمایه‌دار وام دهنده و روستاییان محتاج دام از سرمایه‌گذاری در این بخش امتناع می‌ورزد.

و- عدم مدیریت مناسب در بخش کشاورزی:

هماهنگی سازمانها و ارگانهای دیگر دخیل در امر توسعه و نیز فراهم کردن منابع مورد نیاز برای این بخش همه نیازمند یک برنامه‌ریزی و مدیریت ملی است اما در طی مدت گذشته پرچالش‌ترین قسمت مدیریتی در

کشور مربوط به کشاورزی بوده است. ادغام و تلفیق وزارتخانه‌های دخیل در امر کشاورزی به نظر می‌رسد راه حل این مشکل نباشد چرا که اگر مدیریت قوی در امر کشاورزی حاکم باشد، این بخش آنقدر ظرفیت و پتانسیل دارد که حتی بیشتر از تعداد نیروهای موجود را در خود جذب کند.

ی- عدم برنامه‌ریزی ملی مناسب:

دولت‌ها در تمام کشورها نقش غیر قابل جایگزین در توسعه داشته و دارند. این دولت‌ها هستند که قادرند با برنامه‌ریزی همسو، جریان توسعه پایدار موجبات توسعه را فراهم سازند، کشاورزی نیازمند برنامه‌ریزی است و این برنامه‌ریزی می‌بایستی دقیق و استراتژیک باشد. (شمس و اسدی ۱۳۸۲)

خدمات روستایی و نقش آن در اقتصاد و توسعه روستا

تعریف خدمات

تعاریف بسیاری از خدمات ارائه شده است اما همه آنها وجوه مشترکی چون ناملموس بودن و مصرف آنی آن را دربر می‌گیرند در زیر چند تعریف از خدمات ارائه می‌شود.

خدمات عبارتند از: کردارها، فرایندها و عملکردها.

یک خدمت فعالیت یا مجموعه‌ای است از فعالیت‌های کم و بیش ناملموس که معمولاً و نه لزوماً در تعاملات بین مشتری و کارکنان خدمات و یا منابع فیزیکی یا کالا و یا سیستم‌های عرضه‌کننده خدمات صورت می‌گیرند و به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات مشتری ارائه می‌شوند.

بیشتر نویسندگان و مؤلفان معتقدند که بخش خدمات شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که خروجی آن کالا یا سازه‌ای فیزیکی نیست. عموماً در همان زمان تولید مصرف می‌شود. و ارزش افزوده را به شکل‌های مختلف (مثل راحتی سرگرمی، بموقع بودن، آسایش یا بهداشت) که برای اولین خریدار لزوماً ناملموس می‌باشند خلق می‌کنند.

طبقه‌بندی خدمات :

خدمات درست در کانون فعالیت‌های اقتصادی هر جامعه‌ای قرار گرفته‌اند. دورتی ریدل^۱ هنگام تحریر مطلبی درباره نقش خدمات در توسعه جهان یک مدل اقتصادی ابداع و طراحی کرد که این مدل جریان فعالیت‌های میان سه بخش اصلی اقتصاد یعنی استحصال (معدن و کشاورزی) ساخت و خدمات را نشان می‌دهد که نهایتاً تمام این فعالیت‌ها به مصرف‌کننده ختم می‌شود. در این مدل بخش خدمات به پنج زیربخش تقسیم می‌گردد. نمونه‌هایی از خدمات در هریک از پنج زیربخش مذکور عبارتند از:

خدمات حرفه‌ای (تخصصی) مشاوره، مالی، بانکی

خدمات تجاری (بازرگانی) خرده‌فروشی، تعمیر، نگهداری

خدمات زیربنایی (ارتباطات، حمل و نقل)

خدمات فردی و اجتماعی (رستوران، اسکان، مراقبت از کودک)

خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، امنیت)

خدمات زیربنایی همچون حمل و نقل و ارتباطات تمام بخش‌های اصلی اقتصادی از جمله مصرف‌کننده را به یکدیگر پیوند می‌دهند در یک اقتصاد پیچیده هم خدمات زیربنایی و هم خدمات تجاری مثل یک واسطه بین بخش‌های ساخت و استحصال و مثل یک کانال توزیع به سمت مصرف‌کننده نهایی عمل می‌کنند. خدمات زیربنایی پیش‌زمینه و پیش‌نیاز، صنعتی شدن یک اقتصادند بنابراین بدون این خدمات هیچ جامعه پیشرفته‌ای وجود نخواهد داشت.

اهمیت بخش خدمات در اقتصاد

به استثنای زندگی بدوی و متکی به خود که تک‌تک خانوارها خودکفا می‌باشند، فعالیت‌های خدماتی قطعاً برای حیات اقتصادی و بهبود و ارتقای سطح کیفی زندگی ضروری هستند مثلاً اهمیت صنعت بانکداری در انتقال وجوه و اهمیت صنعت حمل و نقل در جابجایی و ارسال محصولات غذایی به مناطقی که قادر به تولید آن محصولات نیستند را در نظر بگیرید. به‌علاوه طیف گسترده و متنوعی از خدمات فردی و اجتماعی همچون رستوران‌ها، اسکان، نظافت و مراقبت از کودک و ... ایجاد شده تا به این طریق فعالیت‌های خانوار به اقتصاد تزریق و منتقل شود.

خدمات دولتی عمومی نقشی حیاتی در ایجاد محیطی باثبات برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایفا می‌کند. خدماتی چون آموزش دولتی، بهداشت، جاده‌های خوب نگهداری شده، آب آشامیدنی سالم، هوای پاک و امنیت اجتماعی برای بقای اقتصاد هر کشور و برای خوشبختی آن کشور ضروری و حیاتی می‌باشند.

^۱. Dorothy Riddlel

بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای پیشرفته دنیا نشان می‌دهد که کشوری مثل کانادا که در صنعت و معدن و حفاری شهره است از نظر اشتغال در بخش خدمات در سال ۱۹۹۹ بیش از هفتاد درصد اشتغال در مشاغل خدماتی را به خود اختصاص داده است. اقتصادهای صنعتی موفق مبتنی بر بخش خدمات قوی می‌باشند و درست مثل بخش تولید رقابت در بخش خدمات نیز جهانی خواهد شد و از این نظر است که بسیاری از بزرگ‌ترین بانک‌های تجاری دنیا در حال حاضر در تملک ژاپنی‌ها می‌باشد.

اهمیت بخش خدمات در اقتصاد کشورها تا آنجا پیش رفته که نقش اتوماسیون در خدمات بیشتر مطرح می‌شود که به راحتی می‌توان در این بخش از ماشین‌آلات به جای عامل انسانی بهره گرفت. به‌عنوان مثال به انواع و نمونه‌های اتوماسیون در صنایع خدماتی کشور آمریکا که در سال ۱۹۹۱ گزارش شده است توجه کنید:

جدول شماره ۴- انواع و نمونه‌های اتوماسیون در صنایع خدماتی

عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۲۳/۱٪	حمل و نقل	۴/۹٪
آب، برق گاز و سایر خدمات دولتی	۱۷/۱۹٪	خدمات الکترونیکی و ارتباطات	۲/۲٪
خدمات مراقبت‌های بهداشتی	۷/۶٪	خدمات آموزشی	۱/۶٪
رستوران‌ها و خدمات غذایی	۶٪	خدمات هتل و متل	۱/۵٪
خدمات مالی	۴/۹٪	خدمات تفریحی	۱/۱۴٪

لذا باید پذیرفت که خدمات فعالیت جنبی و فرعی نیستند بلکه اجزای اصلی جامعه می‌باشند. خدمات برای حیات، بقا و سلامت اقتصاد ضروری‌اند و در قلب هر اقتصادی جای دارند. بخش خدمات نه تنها، فعالیت‌های تولید کالای بخش‌های ساخت و استحصال اقتصاد را تسهیل می‌کند، بلکه آن را ممکن و میسر نیز می‌سازد. خدمات عوامل اصلی تغییر امروز و حرکت به سمت اقتصادی جهانی‌اند.

سهم بخش خدمات روستایی در اقتصاد ملی

درحقیقت بخش‌های اقتصاد دو گروه هستند. بخش‌های تولیدی یا تولیدکننده کالا و بخش‌های خدماتی و توزیع‌کننده. سهم بخش‌های تولیدکننده کالا (کشاورزی، معدن، صنعت، ساختمان، آب و گاز) مجموعاً ۵۱/۳ درصد است که به نظر بعضی از کارشناسان اقتصاد در یک اقتصاد سالم باید حدود ۶۰ درصد باشد (آسایش، ۱۳۸۱) براساس بررسی‌های به‌عمل آمده سهم کشاورزی به قیمت‌های جاری در مجموع ارزش افزوده ناخالص در سال ۱۳۷۰ در حدود ۲۳/۵ درصد است. بخش خدمات در درآمد ملی به قیمت‌های جاری ۴۹/۷

درصد، سهم بخش صنعت ۱۴ درصد، سهم بخش نفت ۸/۲ درصد و سهم بخش ساختمان ۴/۴ درصد می-باشد.

درصد بالای بخش خدمات (۴۹/۷ درصد) در مقایسه با سایر بخش‌ها اهمیت و نقش خدمات روستایی را در اقتصاد ملی روشن می‌سازد.

در یک حالت کلی می‌توان گفت هر اندازه رشد اقتصادی ناحیه‌ای بهتر و سریع‌تر باشد نسبت جمعیت شاغل در بخش ۲ و ۳ بیشتر خواهد بود. از نظر علمای اقتصاد و برنامه‌ریزان توسعه بخش اقتصادی مطالعه جمعیت شاغل در بخش‌های سه‌گانه (کشاورزی، صنعت، خدمات) اهمیت بسیار دارد و با شناسایی سهم هر یک از این بخش‌ها در ساختمان جمعیت شاغل می‌توان به وضعیت اقتصادی پی برد و همچنین می‌توان برنامه اقتصادی طرح نمود. به دیگر سخن ارقامی که از بررسی جمعیت شاغل در این سه بخش به دست می‌آید ضابطه خوبی برای شناسایی بنیانی ساختار اقتصادی یک ناحیه و کشور و موقعیت اقتصادی آن در زمان معین است.

براساس برآوردهای موجود در سال ۱۳۷۱ تعداد شاغلین کشور ۱۳/۴۵ میلیون نفر بوده است در سال مذکور معادل ۲۲/۴ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶ درصد در بخش صنعت و ۵۰/۶ درصد در بخش خدمات شاغل بوده‌اند. طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۱ تعداد شاغلین کشور به‌طور متوسط سالانه ۳/۴ درصد افزایش یافته است در مجموع این دوره از سهم شاغلین بخش کشاورزی کاسته شده و به سهم شاغلین بخش‌های صنعت و خدمات، افزوده شده است. طبق بررسی‌های آمار سال ۱۳۷۵ تعداد ۱۳۳۸ هزار نفر از شاغلین در بخش خدمات روستایی اشتغال داشته‌اند.

بررسی و سهم ارزش افزوده ناخالص در یک دوره پنج‌ساله (۱۳۷۵-۱۳۷۰) در بخش خدمات روستایی به قیمت‌های جاری نشان می‌دهد که این سهم در سال ۱۳۷۵ رقم ۴۷/۳۸ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۰ به رقم ۵۰/۳۷ درصد افزایش و دارای حدود ۳ درصد رشد می‌باشد که به‌طور متوسط سالانه ۰/۶ درصد رشد داشته است.

سهم ارزش افزوده به میزان (۵۰/۳۷ درصد) در سال ۱۳۸۰ نشانگر اهمیت بخش خدمات روستایی در اقتصاد ملی است.

۱- سهم بخش خدمات روستایی در اشتغال کشور:

براساس برآوردهای موجود در سال ۱۳۷۱ تعداد شاغلین در بخش خدمات ۵۰/۶ درصد بوده است و طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۱ سالانه به‌طور متوسط ۳/۴ درصد به شاغلین کشور اضافه شده است که سهم شاغلین بخش‌های خدمات و صنعت در مقایسه با بخش کشاورزی بیشتر بوده است. افزایش شدید بهره تولید در بخش کشاورزی، رشد فعالیت‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری دولت در آموزش، بهداشت و دیگر خدمات

زیربنایی از جمله حمل و نقل و ارتباطات از جمله دلایل تغییر در ترکیب اشتغال به شمار می‌رود (آسایش، ۱۳۸۱).

بررسی و مطالعه تعداد شاغلین ۱۰ ساله و بیشتر در بخش‌های اقتصادی روستا به استناد آمار سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که تعداد ۴۹۴۵ هزار نفر مرد و ۷۶۶ هزار نفر زن در این بخش‌ها اشتغال دارند که اشتغال، ۱۳۳۶ هزار نفر مرد و ۱۰۲ هزار نفر زن به فعالیت‌های بخش خدمات روستایی مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، حدود ۲۵ درصد مردان و ۱۴ درصد زنان روستایی در بخش خدمات روستایی اشتغال دارند. بنابراین می‌توان گفت که ۳۹ درصد اشتغال روستایی براساس آمار سال ۱۳۷۵ در روستاهای کشور به نوعی با بخش خدمات روستایی ارتباط دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجموع فعالیت‌های گروه خدمات روستایی سهم ارزش افزوده ناخالص در سال ۱۳۷۵ به قیمت‌های جاری در حدود ۴۷/۳۸ درصد بوده است که این رقم ارزش افزوده در سال ۱۳۸۰ به رقم ۵۰/۳۷ درصد افزایش یافته است و حدود ۳ درصد رشد نشان می‌دهد.

۲- گروه‌های عمده فعالیت در بخش خدمات روستایی

براساس آمار سال ۱۳۷۵ گروه‌های عمده فعالیت در بخش خدمات روستایی که شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر را شامل می‌شود به شرح زیر می‌باشد. برای روشن شدن فعالیت‌های بخش خدمات روستایی به برخی تعاریف و اصطلاحات ضروری و بیان وضعیت گروه‌های عمده فعالیت اکتفا می‌کنیم.

فصل چهارم: مدیریت اقتصادی روستا

افق‌ها و چشم‌اندازهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری در ایجاد فرصت‌های شغلی روستا

در ایران بررسی بازار کار در جامعه روستایی نشان‌دهنده افزایش کم تقاضای نیروی کار در سه دهه اخیر است. در جریان سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ رویهم رفته تقاضای کار در بخش کشاورزی کاهش یافته و از ۳/۱ به ۲/۸ میلیون نفر شاغل رسیده است. در بخش صنعت تقاضای کار در همین دوره، نخست رشد چشمگیری داشته که سه برابر بوده است، اما در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی کاهش یافته است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در روستاهای کشور نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر شاغل صنعتی (صنایع کوچک روستایی) وجود داشته است اما در سال ۱۳۶۵ به حدود یک میلیون کاهش یافته است. در بخش خدمات تقاضای کار به تدریج افزایش یافته و در سه دهه اخیر نزدیک به سه برابر شده است. قسمتی از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش خدمات دولتی است که از ۱۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۸۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. قسمت زیادی از این افزایش مربوط به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

با توجه به کاهش اشتغال در بخش کشاورزی روی هم رفته در سه دهه اخیر جمعاً حدود ۵۰۰ هزار شغل صنعتی و نزدیک به ۶۵۰ هزار شغل خدماتی ایجاد شده است که شامل سالانه ۱۶ هزار شغل در بخش صنعت و ۲۲ هزار شغل در بخش خدمات است. (مهملی دوست ۱۳۷۵) نتیجه این روند موجب ایجاد یک شغل غیرکشاورزی برای هر روستا در سال نشده است. دلیل‌های ایجاد این وضعیت متعدد است. کافی نبودن پس-اندازها و مازاد اقتصادی محدود، انتقال سرمایه از روستا به شهر، دسترسی نداشتن به سرمایه و اعتبارات (غیرروستایی) و گرایش نداشتن صنایع به جایگیری در روستا به دلیل ضعیف بودن زیربناها و سایر شرایط لازم و سرانجام نبودن سیاست‌های مؤثر و طراحی مناسب برای سوق دادن سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به روستا از جمله عواملی است که در دهه اخیر از پیدایش شرایط مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی (به‌ویژه صنعتی) در روستاها جلوگیری کرده است. از سوی دیگر نبودن یک سیاست جامع برای متنوع ساختن فعالیت‌های روستایی موجب شده است که مشاغل جدید بیشتر جنبه‌های خدماتی داشته باشد و محدود به سوداگری و دادوستد و یا امور عمومی و دولتی باشند.

جریان تشکیل سرمایه و محدودیت‌ها

ارزیابی جریان تشکیل سرمایه‌ها در روستا نشان می‌دهد که بخش وسیعی از جامعه روستایی توان کم و محدودی برای سرمایه‌گذاری دارند. جدا از دشواری‌های تشکیل سرمایه، روستاییان به سرمایه نیز دسترسی کمی دارند که با مشکلات گوناگونی همراه است. بانک‌ها در تأمین منابع مالی برای صنایع روستایی و

فعالیت‌های غیرکشاورزی نقش زیادی ندارند.

بانک کشاورزی که فعال‌ترین بانک در امر روستاهاست، امکان پاسخگویی به نیازهای مالی همه فعالیت‌های اقتصادی جامعه روستایی را ندارد و بیشتر در زمینه کشاورزی فعال است.

بانک‌های تجاری نیز علاقه زیادی به دادن اعتبار مورد نیاز متقاضیان روستایی را ندارند. از طرف دیگر استفاده روستاییان از اعتبارات عادی نظام بانکی با مشکلات زیادی روبروست. در سال‌های اخیر بانک کشاورزی گرایش به مشارکت در زمینه صنایع وابسته به کشاورزی و روستایی داشته است و از سال ۱۳۶۵ به بعد دادن وام برای این کار را افزایش داده است. بطوری که میزان پرداخت‌های مستقیم این بانک از حدود ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ به ۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۹ رسیده است. میزان اعتبارات پرداخت شده این بانک در سال ۱۳۶۹ حدود ۴۱۶ میلیارد ریال بوده است که ۷ درصد آن به صنایع روستایی و فعالیت‌های غیرکشاورزی اختصاص داشته است.

جهاد سازندگی نیز در سال‌های اخیر با ایجاد تسهیلاتی خاص، امکان استفاده صنعت‌گران روستایی را از اعتبارات بانک‌های تجاری و صنعتی برخوردار کرده است.

یکی دیگر از نهادهایی که می‌تواند در تهیه منابع مالی برای توسعه صنایع روستایی و فعالیت‌های کشاورزی مؤثر باشد، تعاونی‌های روستایی است. این تعاونی‌ها با ۳۱۰۰ شرکت و ۴/۳ میلیون عضو در ۵۸ هزار آبادی (که جمعیت زیر پوشش آنها ۲۱/۷ میلیون نفر) است فعال بوده و دارای سرمایه‌ای معادل ۷۸ میلیارد ریال است. این شبکه گرچه در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی فعال است، اما عملکرد آن در زمینه تشکیل سرمایه صنعتی برای توسعه روستایی ضعیف است.

سرمایه بخش غیرمتشکل اقتصاد یکی دیگر از منابع جامعه روستایی برای سرمایه‌گذاری است. این بخش شامل سوداگران سلف‌خرها، رباخواران و ... است که در غیاب نظام بانکی و ضعف تعاونی‌ها، روستاییان به‌ناچار بخشی از نیازهای مالی خود را با بهره‌سنگین از این گروه‌ها می‌گیرند که کمتر صرف سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی می‌شود.

اتخاذ سیاست‌های جدید

چون کمبود سرمایه و دسترسی نداشتن روستاییان به سرمایه از مشکلات اصلی گسترش صنعت در نقاط روستایی است در سال‌های پس از انقلاب، با تهیه سیاست‌های خاص، اقدام‌های گسترده‌ای انجام گرفت که تسهیلات اعتباری ویژه برای سرمایه‌گذاری در امر تولیدی از آن جمله است. در چارچوب این تسهیلات برای

دادن وام و اعتبارات به وثیقه ملکی نیازی نیست، بازپرداخت اصل وامها را دولت تضمین می‌کند، همچنین اولویتهایی نیز در تأمین نیازهای ارزی برای این‌گونه فعالیت وجود دارد، این ملاکها دسترسی روستاییان را به منابع مالی و سرمایه سهل‌تر و ایجاد مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی در زمینه‌های مولد را میسر ساخته است.

در سال‌های اخیر حمایت از توسعه صنعتی روستا به تأمین سرمایه محدود نشده است و اقدام‌های سازنده دیگری نیز برای استقرار صنایع و گسترش صنایع روستایی در نواحی محروم مانند معافیت‌های مالیاتی و بخشودگی‌های تعرفه‌های آب و برق و تلفن انجام شده است.

با اجرای این سیاست‌ها زمینه‌های مبانی برای تحول فضاهای روستایی پدید آمده است، اما هنوز سرمایه‌گذاری‌ها از جنبه کمی و کیفی متناسب با ضرورت‌ها و پاسخگوی نیازهای گسترده جامعه روستایی نیست پیش‌بینی می‌شود که با اجرای سیاست‌ها و اقدام‌های دولت، بخشی از اشتغال ازدست‌رفته صنعتی در روستا جبران شود و دسترسی بیشتر روستاییان به سرمایه میسر گردد با وجود اتخاذ سیاست‌های مؤثر و تلاش‌های گسترده، مشکل اساسی جامعه روستایی، نبودن برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای توسعه روستایی است که باید برخوردار از جهت‌گیری‌های مشخص در زمینه توسعه کشاورزی صنعتی و عمرانی روستا و همچنین متنوع-سازی فعالیت‌ها از فضاهای روستایی باشد.

در شرایط حال، هنوز سیاست، روش و ملاک‌های معینی برای ایجاد اشتغال در فعالیت‌های غیر کشاورزی وجود ندارد صنایع روستایی به شیوه‌ای نهادی از سرمایه‌های روستایی بهره نمی‌گیرد و دسترسی به سرمایه‌های غیرروستایی نیز محدود و ناهماهنگ است.

نقش سرمایه‌گذاری در توسعه مناطق روستایی

سرمایه و سرمایه‌گذاری به‌عنوان عاملی که قادر است زمینه‌های رشد اقتصادی را در روستا فراهم کند قابل توجه می‌باشد. این جریان نه‌تنها به انباشته‌شدن سرمایه مادی کمک می‌کند، بلکه زمینه بکارگیری و فعال کردن عوامل تولیدی در روستا را نیز فراهم می‌کند تا تولید افزایش یابد و نیازها رفع شود.

سرمایه و سرمایه‌گذاری کمک می‌کند تا از عوامل تولیدی، بهره‌گیری مناسب صورت گیرد و این وضع موجب تعادل و توازن در فعالیت‌ها و بخش‌های گوناگون اقتصاد روستایی می‌شود و در نتیجه زندگی روستاییان را بهبود می‌بخشد.

در حال حاضر ظرفیت‌های فراوان تولیدی در بخش‌های کشاورزی، صنایع روستایی، خدمات و غیره وجود دارد، با این حال سرمایه‌گذاری‌هایی که در گذشته در مناطق روستایی صورت پذیرفته است در اوضاع موجود

اقتصادی این مناطق تغییرات اندکی ایجاد شده است که نیازمند تجدیدنظر کلی نسبت بر چگونگی سرمایه گذاری می باشد از این راه می توان نسبت به توسعه مطلوب مناطق روستایی اقدام نمود. سرمایه گذاری مناسب در مناطق روستایی شامل مرحله هایی است که نخستین مرحله آن اهمیت زیادی دارد، این مرحله شامل آن بخش از سرمایه گذاری هایی است که فعالیت های اقتصادی را برای صاحبان سرمایه های کوچک مقرون به صرفه می کند، در این مورد ابتدا سرمایه گذاری از ناحیه سرمایه های ملی صورت می گیرد، به همراه این حرکت، وجود بازار مناسب در مناطق روستایی و سایر مناطق همراه با سیاست های تشویقی، زمینه رشد و توسعه روستایی به شکل مناسبی فراهم می شود. سرمایه گذاری های زیربنایی و اساسی برای فعال نمودن اقتصاد روستا نتیجه های زیر را به همراه خواهد داشت:

- ۱- خطرپذیری سرمایه های کوچک را کم می کند.
- ۲- بازدهی سرمایه های کوچک را افزایش می دهد.
- ۳- هزینه های تولید را کاهش می دهد.
- ۴- بهره‌وری نیروی کار را افزایش می دهد.
- ۵- از راه انباشت سرمایه و ایجاد فرصت های شغلی، موجب افزایش درآمد روستاییان می شود.
- ۶- موجب گسترش بازار می شود.
- ۷- امکان رقابت سالم بین بخش ها و فعالیت های اقتصادی را افزایش می دهد.

نقش سرمایه گذاری و مدیریت در بهره برداری از منابع محلی

سرمایه گذاری در اقتصاد روستا به وسیله هر دو بخش خصوصی و عمومی (دولت) انجام می شود. سرمایه گذاری بخش خصوصی تابع عامل های گوناگونی مانند نرخ بهره، نرخ بازدهی نهایی سرمایه گذاری، ثبات اقتصادی، امنیت سیاسی و اقتصادی کشور و ... است. معمولاً سرمایه گذاری بخش خصوصی بیشتر در فعالیت های مولد صورت می گیرد. سرمایه گذاری بخش عمومی (دولت) که هم در امور زیربنایی و هم در فعالیت های تولیدی مستقیم صورت می گیرد تابع سیاست ها و تصمیم های دولت است. اهمیت نقش هر دو بخش سرمایه در توسعه روستایی و گسترش دادن کمیت و کیفیت استفاده مناسب از عوامل تولید (و نیز عواملی که شرایط جذب آن در روستا فراهم می شود) می باشد. این جریان سبب ایجاد تعادل در فعالیت ها و بخش های اقتصاد روستایی و بهبود زندگی روستاییان می شود.

از آنجا که بیشتر روستاهای کشور ما دارای امکانات تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه بخش کشاورزی بوده است و نسبت محصول - سرمایه در این فعالیت‌ها متناسب با امکانات و صرفه‌های اقتصادی و نیازهایی است، از این رو موضوع سرمایه اهمیت زیادی دارد، به عبارت دیگر وضعیت فعلی سرمایه‌های به کار گرفته شده، بازدهی مناسب را نداشته است، این درحالی است که ظرفیت‌های تولیدی فراوانی وجود دارد که از راه سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های اقتصادی در روستا را رونق می‌بخشد. بنابراین اگر در رابطه با محصول سرمایه، سهم سرمایه‌های انسانی و نیروهای کارآمد و ماهر را مهم بدانیم سرمایه‌های مادی نیز در جای خود دارای اهمیت خواهد بود، یعنی بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی ناشی از بازدهی سرمایه انسانی و بخشی از آن متوجه سرمایه‌های مادی می‌باشد. (فضلی، همکاران ۱۳۷۹)

بررسی اقدام‌های انجام شده در سطح روستاهای کشور نشان می‌دهد که در گذشته سرمایه‌گذاری‌ها از لحاظ انسانی و مادی از جایگاه مناسب برخوردار نبوده است. این موضوع با وجود سکونت نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی و وجود ظرفیت‌های فراوان تولیدی در بخش‌های کشاورزی، صنایع روستایی، خدمات و غیره در این مناطق می‌باشد و تغییر وضعیت موجود اقتصادی روستاهای کشور نیاز به تجدید نظر نسبت به چگونگی سرمایه‌گذاری در روستا دارد که برای مدیران و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی روستا جای تأمل دارد.

مدیریت و نقش شوراهای اسلامی در جذب و هدایت منابع اقتصادی :

شوراهای اسلامی بخش از نهادهایی هستند که می‌توانند نقش مهمی در هماهنگ ساختن توسعه روستاها داشته باشند این شوراهای با فعالیت‌های خود می‌توانند تشخیص دهند که وضعیت هر یک از روستاها و منابع اقتصادی موجود در آنها نسبت به یکدیگر چگونه است. از این رو با شناخت این وضعیت، می‌توانند نسبت به ارائه طرح و پیشنهاد به مسئولان، توسعه بخشی را به طور دقیق‌تری امکان‌پذیر سازند و رشد هماهنگ روستاهایی که در گسترده بخش مورد نظر قرار دارند تحقق بخشند. شوراهای اسلامی به‌عنوان مدیران محلی و افرادی آگاه می‌توانند زمینه تشخیص نیازها، کمبودها، مشکلات، امکانات و راه‌های مختلف تخصیص منابع، در تطابق برنامه‌ها با ارزش‌های بومی مناطق روستایی مؤثر باشند، این امر برای استفاده بهتر از نیروی انسانی و امکانات مالی و رسیدن به هدف‌ها بسیار اهمیت دارد.

شوراهای می‌توانند به‌عنوان بازوی دولت در روستاها وظیفه خود را برای انجام برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت به‌طور فعال و آگاهانه انجام دهند.

حدود اختیارات شوراهای نشان می‌دهد که شوراهای می‌توانند نهادهای مردمی مشارکتی را به نوعی در داخل روستا ایجاد و سازماندهی کند. در واقع شوراهای هسته مرکزی نظام مشارکت مردمی در سطح روستا محسوب

می‌شوند که می‌توانند سایر تشکلهای خودگردان روستا را شکل می‌دهد به وجود آورند.

راه‌اندازی گروه‌های تولید و نهادهای تشکلهای مردمی، ضمن اینکه مدیریت مطلوب را شکل می‌دهد، به شوراها نیز فرصت خواهد داد تا با رهایی خود از مسایل اجرایی به مدیریت و هدایت امور بنیادی حوزه فعالیت خود مشغول شوند.

دهیاری و اهمیت آشنایی با مدیریت اقتصاد روستا:

یکی دیگر از نقش‌ها و نهادهایی که بعدها از سوی دولت برای جامعه روستایی در نظر گرفته شد که در واقع جدیدترین تصمیمات حکومتی است عبارت است از تشکیل دهیاری‌ها و به‌کارگماردن افرادی که تحت عنوان دهیار در مجموعه روستا خدمت می‌کند. بررسی تشکیلات و سازماندهای دهیاری‌ها و مقایسه آن با نهادهای مدیریت روستایی قبل در کشور نشان می‌دهد که فلسفه وجودی راه‌اندازی و تأمین دهیاری‌ها آنهاست تحت نظارت شوراها و اسلامی روستایی در سطح روستا و با سازماندهی وزارت کشور در سطح کلان کشور در حقیقت تلاش در جهت تحقق یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی است.

دهیاری‌ها در راستای انجام وظایف خود نیازمند منابع درآمدی هستند. هرچه این درآمدها از منابع محلی و محیط روستا تهیه شود دهیاری‌ها در انجام وظایف خود موفق‌تر خواهند بود. یکی از وظایفی که در کنار شورا برعهده دهیاری گذاشته شده رسیدگی به وضعیت اقتصادی روستاست. براساس بندهای ۲، ۸، ۳۷، و ۴۷ ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌های خودکفا دهیار موظف است به شورای روستا در جهت شناخت مشکلات اقتصادی و تهیه طرح‌های عملی کمک کند. همچنین دهیار موظف است به ترویج و توسعه صنایع دستی اهتمام ورزد و در بازاریابی محصولات زراعی و دامی و صنعتی به تولیدکنندگان روستایی یاری رساند. شناسایی زمینه‌های اشتغال در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار با همکاری دستگاه‌های ذیربط از دیگر وظایف دهیاران در زمینه مسائل اقتصادی می‌باشد. (معصوم، ۱۳۸۲)

از سوی دیگر براساس دستورالعمل توزیع عوارض متمرکز دهیاری‌ها برای دریافت سهم خود از این عوارض می‌بایست طرح‌هایی را در قالب برنامه به مراجع مسئول ارائه دهند از جمله این برنامه‌ها برنامه اقتصادی است. براساس این دستورالعمل طرح‌هایی که در حوزه اقتصادی و برای رشد و توسعه تولید اقتصادی از سوی دهیاری تهیه می‌شوند در اولویت جذب عوارض قرار خواهند گرفت. همچنین دهیاری‌ها برای تدوین برنامه پنج‌ساله خود درگام اول می‌بایست به شناسایی مسائل و مشکلات اجتماعی اقتصادی و کالبدی روستای خود بپردازند. نکته دیگر آن است که براساس اساسنامه دهیاری‌های خودکفا دهیار موظف است همه‌ساله بودجه

دهیاری را برآورد. تنظیم و جهت تصویب به شورای روستا ارائه کند، برای تنظیم بودجه، دهیاری نیازمند محاسبه منابع درآمدی است.

همه این موارد حاکی از اهمیت شناخت وضع اقتصادی از سوی دهیاری است. در میان مسائل اقتصادی روستا سه مسئله شامل آشنایی با منابع تولید، میزان تولید، و درآمد سالانه از اهمیت بیشتری برای دهیاری برخوردار است. (همان منبع ص ۱۸).

نقش مدیریت اقتصادی تعاونی‌های روستایی در تأمین منابع مالی و توسعه اقتصاد روستا

یکی دیگر از نهادهایی که می‌تواند در تهیه منابع مالی برای توسعه صنایع روستایی و فعالیت‌های کشاورزی مؤثر باشد تعاونی‌های روستایی و مدیریت این تعاونی‌هاست. به نظر می‌رسد دو نوع تعاونی تولید و توزیع می‌توانند در این رابطه مؤثر افتند که هر یک اقسامی می‌توانند داشته باشند یکی از این تعاونی‌ها: تعاونی توزیع است که هدفش تهیه مواد اولیه ابزار کار، اعطای وام و اعتبار و فروش مصنوعات اینها می‌باشد. هر عضو به طور مستقل به کار تولید می‌پردازد. به این ترتیب در امر تولید اشتراکی وجود ندارد بلکه عملیات قبل و بعد از تولید، با استفاده از تعاونی‌ها به صورت مشترک انجام می‌شود. این نوع تعاونی استقلال خانواده روستایی را از بین نمی‌برد و لذا جز رقابت و بعضاً مخالفت واسطه‌ها ایراد مهم دیگری، در راه این تعاونی‌ها به نظر نمی‌رسد این نوع تعاونی‌ها می‌تواند دارای اقسام زیر باشند:

۱- تعاونی توزیع برای صنایع دستی که در جمع‌آوری و تهیه مواد اولیه مورد نیاز آنها و فروش محصولاتشان اقدام می‌کند.

۲- تعاونی توزیع صنایع کوچک که باز آن هم به تهیه مواد اولیه و مایحتاج این کارگاهها و خرید مصنوعاتشان و ارائه آن به بازار تعاونی‌های تولید می‌پردازد. هدف این تعاونی‌ها تولید دسته‌جمعی کالا می‌باشد. به این ترتیب که با سرمایه مختصر اعضا و اخذ وام و اعتبار از منابع بانکی به صورت یک واحد تعاونی به فعالیت‌ها می‌پردازد (طالب ۱۳۶۵)

برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی باید به منظور تأمین نیازهای موجود باشد و علاوه بر جنبه اجتماعی جنبه اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و هرگز غفلت نشود.

در برنامه‌ریزی فعالیت تعاونی باید (اصل تعاون) را سنگ زیربنای قدرت اقتصادی قرار داد تا از سرمایه محدود، مدیریت صحیح، مهارت‌های افراد همکاری و کمک‌های متقابل اعضا در مدتی کوتاه به سوی تکاملی جهشی حرکت کرد و سطح زندگی اعضای تعاونی را بهبود بخشید.

در برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی باید امکانات و مسایل مربوط به هریک از آنها را از لحاظ اقتصادی باید دقیقاً بررسی کرد.

در برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی باید جنبه اقتصادی که نقش اصلی را در برنامه‌ریزی فعالیت‌های تعاونی دارد مورد توجه قرار گیرد بطوری که اخیراً در کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای لاتین سیاست ادغام شرکت‌های تعاونی کوچک جهت تشکیل شرکت‌های تعاونی بزرگ‌تر را به منظور ایفای نقش مؤثرتری در اقتصاد ملی درپیش گرفته‌اند. شایان ذکر است که توسعه آتی شرکت تعاونی باید در برنامه‌ریزی آن مورد توجه قرار گیرد (شکیبا مقدم ۱۳۸۵). به هر حال باید این حقیقت را پذیرفت که تفسیر کلی از شرکت تعاونی در نقاط مختلف جهان متفاوت است از این‌رو در برنامه‌ریزی فعالیت‌های تعاونی باید تناسب هر تجربه و تغییر را با نگرش به موقعیت‌های محلی در نظر گرفت و به جای توجه به تغییرهای خشک و سنتی به مفهوم واقعی تعاونی که نتایج آن موجب رفاه و آسایش بیشتر نسل‌های آینده می‌شود دقت کرد.

در ارزیابی امکانات برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی این نکته مهم است که تعاونی‌ها اعم از قدیمی و جدید، استعداد هماهنگی با شرایط و نیازهای زمان را داشته باشند. در روستاهای کشور ما که اساس سازمان‌های اجتماعی مبتنی بر سنت‌های روستایی و عشایری است، اصل همکاری و کارهای دسته‌جمعی وجود داشته و رواج دارد، این پدیده زمینه بسیار مساعدی را برای پیشبرد و موفقیت‌های فعالیت‌های تعاونی فراهم می‌کند.

الزامات برنامه‌ریزی و مدیریت برای صنعت روستا

صنعتی که در روستا مستقر می‌شود باید از مهارت‌های داخلی، مواد خام داخل کشور، منابع مالی و همچنین بازارهای داخلی مدد بگیرد. این امر می‌تواند در روستا، در صنعت و اقتصاد کشور حرکتی ایجاد کند، همچنین در تولید ناخالص ملی می‌تواند جایگاه مهم و حساسی نیز داشته باشد.

شاید اقدام عملی برای توسعه صنعت در روستا ایجاد سازمان‌های مناسبی که در رشد و سرعت‌بخشیدن به حرکت استقرار صنعت در روستا مهم است باشد، یعنی ما سازمان‌های گوناگونی را برای ایجاد سرعت در استقرار صنعت روستا به مدد بگیریم، اما این سازمان‌ها باید چه کارهایی را انجام دهند؟ شاید کارهایی را که بتوانند انجام دهند خود تعیین‌کننده نوع آن باشد.

یکی از موضوعات مهم آموزش است برای آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش صنعت و روستا، سازمان‌های مناسبی از قبل داشته‌ایم که متأسفانه در این موارد از آنها استفاده مناسب نشده و کمتر سرمایه‌گذاری شده است. همچنین استفاده از نظام آموزش و پرورش کشور است، برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز از روستاییان، برای تخصص‌هایی که در بخش صنعت روستا بدان نیاز داریم، خوشبختانه در این زمینه در

سال‌های اخیر حرکت‌هایی در آموزش و پرورش می‌بینیم که امیدوار هستیم این حرکت‌ها گسترده‌تر و هدف دار شود. موضوع دوم تهیه و تدارک تسهیلات تخصصی است. که صنعت روستا احتیاج دارد. در تهیه طرح و طراحی کارگاه‌ها و کارخانجات مناسب برای روستاها و مشاوره‌های تخصصی که در کشور در زمینه آنها کار شود که هنوز در این زمینه فقیر هستیم.

موضوع سوم حمایت مالی است که نه تنها در بخش صنعت بلکه در بقیه بخش‌های روستایی نیز با مشکلات زیادی روبرو هستیم و هنوز منابع اعتباری بانک کشور یک حمایت مالی مستمر و مستقل برای روستاها انجام نداده، بلکه حمایت‌های اعتباری بانکی همیشه در اولویت بسیار پایینی مسئله تأمین اعتبارهای روستایی را قرار داده و آن هم تضمین‌هایی که دولت در بازپرداخت آن کرده، آنها را شائق به انجام چنین کارهایی کرده است. به هر حال سوق دادن سرمایه‌ها و منابع اعتباری بانک‌ها به سمت سرمایه‌گذاری در روستاها و جذب سرمایه روستاییان در استقرار این صنعت می‌تواند به‌عنوان یک سازمان مناسب باشد. البته به این نکته هم باید توجه کنیم که بعد از انقلاب به دلیل حجم سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای که در بخش اقتصاد روستا به-خصوص در زمینه کشاورزی انجام شده تحولات خوبی در آنجا مشاهده می‌شود و امیدواریم که آینده آن بهتر از وضع کنونی شود.

موضوع دیگر بازاریابی است. بازاریابی صنعت روستا و تأمین بازاری که بتواند به‌خوبی صنعت روستا را نشان دهد «البته این بخش شاید در مراحل اولیه باشد» همچنان که تولید کشاورزی روستاییان با این مشکل روبروست صنعت روستا نیز با مشکلاتی روبروست. کشور باید نوعی سیاست‌گذاری کند که محصولات صنعتی روستاییان در مقابل محصولات صنایع شهری و واردات مغضوب واقع نشود.

موضوع ششمی که سازمان‌های مناسب در رابطه با ارتقا صنعت روستا لازم است روی آن کار کند کنترل کیفیت و یا زمینه‌سازی برای بالابردن سطح کمی و کیفی صنعت روستایی است. در این زمینه یکی از دلایلی که به صنعت روستا بها داده نمی‌شود شاید سطح نازل کمی و کیفی صنعت در روستاها باشد. موضوع هفتم بحث تکنولوژی مناسب و ارتقا آن است و آن از بحث‌هایی است که برای صنعت در کشور نیز آن را داریم (لاهیجانیان ۱۳۶۵)

صنعتی که در کشور می‌خواهد پیاده شود چه تکنولوژی و چه برنامه‌هایی باید داشته باشد؟ به هر حال شناخت فن صنعت روستا و تکنولوژی مبانی و روش‌های ارتقا آن در سطح صنایع دستی و صنایع روستایی موجود کاری است که وظیفه سازمان‌های پشتیبانی‌کننده از صنایع روستا است.

تکنولوژی مناسب کدام است؟

منظور از تکنولوژی مناسب این است که تکنولوژی که برای شرایط اجتماعی خاص، براساس نظام ارزش‌های آن جامعه طرح و یا انتخاب می‌گردد، خصوصیات این تکنولوژی مناسب در بخش روستایی کشورهای پیرامون که خودشان را از قید و بند وابستگی رها نموده‌اند علاوه بر جنبه‌های مطلوب اقتصادی، مطلوبیت اجتماعی را نیز به همراه دارد. این تکنولوژی در مقابل تکنولوژی نامناسب دارای خصایص زیر است:

۳- هزینه تأسیسات آن پایین است و به آسانی قابل وصول می‌باشد یعنی یک سری از تکنولوژی‌هایی که به‌عنوان تکنولوژی نامناسب به‌دست آورد نشان برای روستاییان مشکل است تکنولوژی مناسب به لحاظ هزینه پایین باید قابل وصول باشد.

۴- از لحاظ سرمایه‌گذاری توزیعی است یعنی اینکه تمرکز در دست یک نفر ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند به وسیله اشتراک کلیه افراد روستایی یا دست‌اندرکاران تولید ویژه تأمین شود.

۵- دامنه کم، قابل کنترل، بادوام، قابل اطمینان، ساده و پیشرفته است.

۶- از لحاظ تصمیم‌گیری نامتمرکز و از جهت تولید تحت کنترل به‌کارگیرنده تکنولوژی باشد این مسئله خیلی مهم است یعنی کسی که می‌خواهد تکنولوژی را به کار گیرد کنترل آنها هم باید در اختیارش باشد.

۷- شامل نوآوری محلی می‌شود یعنی به‌کارگیرنده‌های تکنولوژی باید بتوانند در آن تکنولوژی خاص دخل و تصرف و ایجاد نوآوری کنند نه اینکه تکنولوژی از همان ابتدایی که داده می‌شود در قراردادش نوشته شود که هیچ‌گونه حق تغییر و تحول در اجزا آن به وسیله افراد یا مؤسسه یا کشوری که از آن استفاده می‌کند جایز نیست. توسعه و انتشار باید از پایین به بالا و در رابطه با احتیاجات اساسی مردم آن منطقه باشد.

۸- کاربر بوده و ایجاد شغل می‌کند. بدون شکل هر تکنولوژی که کاربر باشد ایجاد شغل بیشتر می‌کند.

۹- فاقد پیچیدگی است و از تقسیم کار پایینی برخوردار است. بدون شک هرچه تقسیم کار بیشتر باشد، میزان استثمار افرادی که در آن قسمت هستند بیشتر خواهد بود.

۱۰- تولید براساس نیاز محلی است.

۱۱- دارای مصرف ذخیره داخلی است یعنی ضمن اینکه منابع را مصرف می‌کند که آن را در یک منطقه بطور یک‌طرفه از بین نمی‌برد مثلاً یک کارخانه چوب باید طوری تولید کند که در کوتاه‌مدت و درازمدت جنگل‌های آن منطقه را از بین نبرد. (لهسایی زاده ۱۳۶۵).

چرا برنامه‌ریزی و مدیریت بر صنایع دستی و روستایی از اهمیت و حساسیت بیشتر

برخوردار است؟

صنایع دستی که ریشه در اعماق و تاریخ و سنن فرهنگی جامعه ما دارد به دلیل بار اقتصادی، فرهنگی و تاریخی و هنری خود از نقش و مقام والایی در فعالیتهای اقتصادی مملکت برخوردار است. چون صنایع دستی در اقتصاد کشور (بعد از نفت) مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند می‌بایست در برنامه‌ریزی‌ها دقیقاً مورد توجه قرار گیرد.

صنایع دستی از ابعاد زیر دارای اهمیت و حساسیت است.

۱- اشتغال‌زایی: تعداد قابل توجه شاغلین رشته‌های گوناگون صنایع دستی و سنتی چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی از مهم‌ترین عوامل مؤثر توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. اشتغال‌زایی صنایع دستی در جهت پیشگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

۲- ارزش افزوده صنایع دستی: تولیدات صنایع دستی در ابعاد مختلف و بخصوص صادرات کشور از ویژگی خاص در زمینه‌های اقتصادی، ارزش‌آفرینی و تولید درآمد ملی برخوردار است، ارزش افزوده این‌گونه تولیدات موجب توصیه اکید در زمینه توسعه و گسترش آن می‌شود.

۳- عدم وابستگی صنایع دستی: عموماً صنایع دستی به مواد اولیه خارجی احتیاجی ندارد و متکی به تولیدات داخلی است و تنها در مواردی نادر به میزان ناچیزی به مواد اولیه خارجی وابسته می‌شود. علیهذا در مجموع توسعه و گسترش صنایع دستی را می‌توان گام مفیدی در خودکفایی نسبی کشور به حساب آورد.

۴- مظاهر فرهنگی صنایع دستی: اصالت‌های فرهنگی و هنری صنایع دستی مبین ارزش‌ها و هویت سنتی جامعه است، اشاعه این‌گونه صنایع دستی در گسترش و تعمیم فرهنگی جامعه بسیار بااهمیت می‌باشد.

رهیافت‌ها و اتخاذ سیاست‌های لازم برای توسعه اقتصادی روستاها با تکیه بر صنایع

روستایی

بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد که اتخاذ روش‌های گذشته نه‌تنها

روستاییان را به سمت شهرها کشانده است بلکه با تغییر الگوی مصرف در حد استاندارد کشورهای صنعتی و عدم تطابق آن با میزان تولیدات کشور در کنار سایر مسائل موجب افزایش وابستگی به ویژه در مواد غذایی حاصل از محصولات کشاورزی که می‌بایست در روستاها به عمل آید شده است.

نکات فوق‌الذکر نمایانگر ضرورت تغییر در سیاست‌های قبلی و اتخاذ سیاست‌ها جدیدی در روستای هدف‌ها و جهت‌گیری کلی توسعه اقتصادی اجتماعی می‌باشد.

سیاست‌های فوق‌الذکر و مسائلی که کشور ما با آن مواجه شد کم و بیش در اکثر کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوست و از آنجا که تئوری رشد صنعتی شتابان و هدف قراردادن رشد اقتصادی موجب توسعه واقعی اقتصادی این کشورها نشد، تئوریه‌های مسائل توسعه در دهه ۱۹۷۰ افزایش میزان اشتغال و توزیع عادلانه درآمدها را محور برنامه‌های خود قرار دادند که این محور الزاماً با توجه به میزان جمعیت روستاها در کشورهای جهان سوم نیاز به اولویت دادن به بخش کشاورزی در مقابل تئوری صنعتی شدن شتابان داشت.

از جمله اهداف توسعه اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی استقلال اقتصادی است که در این رابطه کالاهای اساسی مصرفی مورد نیاز مردم بایستی عمدتاً در داخل کشور تولید شود زیرا در غیر این صورت با قطع ورود این کالاها و ایجاد کمبود حاد در موارد اساسی مورد نیاز مردم کشور متزلزل می‌گردد.

در این مسیر کشاورزی به‌عنوان محور توسعه در نظر گرفته شده و طبیعتاً سایر بخش‌های اقتصادی نیز بایستی در جهت تقویت این بخش تلاش نمایند. در این ارتباط افزایش درآمد کشاورزان نسبت به درآمدهای مربوط به اشتغال در شهرها و اشتغال کامل آنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

راه صحیح افزایش درآمدهای کشاورزی اتخاذ سیاست‌های مناسب مربوط به نظام قیمت‌ها در بخش کشاورزی، بردن عناصر مثبت زندگی شهری به روستاها، ایجاد امکانات زیربنایی تسهیلات مربوط به نهادهای کشاورزی، سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی تغییر شرایط داد و ستد بین جمعیت‌های روستایی و شهری به نفع روستاییان و کلیه سیاست‌هایی که باعث می‌گردد بطور مستقیم درآمدهای کشاورزان را بالا ببرد می‌باشد.

از جمله راه‌های دیگر جهت افزایش درآمد کشاورزان، اشتغال کامل آنان و اشتغال روستاییان مازاد بخش کشاورزی در روستاها از طریق بکارگیری فعالیت‌های مربوط به بخش صنعتی می‌باشد. بخش صنعتی با سمت‌گیری حمایت، تقویت و پشتیبانی واقعی از تولیدات کشاورزی و دامی می‌تواند عامل مهمی در جهت ایجاد اشتغال برای جمعیت روبه رشد روستاها به صورت فعلی یا دائمی، ایجاد زمینه رشد خلاقیت‌ها و تأمین و تولید بخشی از کالاها و تولیدات مورد نیاز کشور تلقی شود. (نصیرزاده، ۱۳۶۵) در زمینه جهت‌گیری و سیاست‌های مربوط به احداث صنایع در روستاها نکات زیر بایستی در نظر گرفته شود:

- ۱- حفظ محوربودن فعالیت‌های کشاورزی بطوری که با شروع فعالیت‌های صنعتی در مناطق روستایی با توجه به درآمدهای حاصله از بخش صنعت اولویت فعالیت‌های کشاورزی چه از سمت سرمایه‌گذاران و چه از سمت روستاییان حفظ شود.
- ۲- ایجاد انگیزه فعالیت صنعتی براساس برنامه‌های آموزشی و ارائه تسهیلات به‌جای تزریق صنایع به مناطق روستایی.
- ۳- استفاده از صنایع مناسب روستا با توجه برتری‌های نسبی در مناطق روستایی از بعد نزدیکی به محل، عرضه مواد اولیه و یا نزدیکی به بازار مصرف بطوری که انجام فعالیت‌های صنعتی لطمه‌ای به بافت منطقه بخصوص از نظر کشاورزی نزند.
- ۴- بالا بردن ظرفیت‌های مدیریتی بطوری که ماشین اداری بتواند به صورت کار، یا زمینه فرهنگی قوی از طریق ارائه آموزش‌های لازم فعالیت نمایند.
- ۵- آموزش هنر مدیریت به روستاییان، بطوری که آنها بتوانند به‌راحتی یا مسائل اقتصادی فعالیت‌های خود برخوردار نمایند.
- ۶- دادن آموزش‌های فنی به روستاییان با درنظر گرفتن این محدوده که ابزارهایی که در مورد آنها به روستاییان آموزش داده می‌شود بتواند به آسانی توسط روستاییان پس از دوره آموزش تهیه و به کار گرفته شود.
- ۷- ایجاد تشکیلات مناسب دولتی جهت هدایت فعالیت‌های صنعتی در روستاها و کم کردن تعدد مراکز تصمیم‌گیری و دوری از کاغذبازی
- ۸- بالابردن روحیه فعالیت‌های مشترک تعاونی در میان روستاییان با توجه به کمبود انباشت سرمایه در روستاها و ارائه تسهیلات مالی لازم از طریق سیستم بانکی
- ۹- ایجاد صناعی که الگوی مصرف روستا را متناسب با ارزش‌های فرهنگی حاکم هماهنگ نموده و بار ارزی جدیدی بر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی کشور تحمیل ننماید.
- ۱۰- تأکید بر تولید به وسیله توده‌ها به جای تولید انبوه و ارائه مکانیزم‌هایی که برنامه‌های تولید به وسیله توده را اقتصادی گرداند.
- ۱۱- تنظیم سیاست‌های حمایتی لازم جهت صنایع نوزاد روستایی، بطوری که تولیدات این صنایع بتواند با محصولات سایر واحدها رقابت نمایند.
- ۲- ایجاد امکانات زیربنایی لازم به‌منظور گسترش فعالیت‌های صنعتی در روستاها
- ۳- تأکید بر گسترش فعالیت‌های مربوط به صنایع کوچک (منبع قبلی ص ۹۳ و ۹۴).

- ۴- در زمینه تکنولوژی مورد استفاده در صنایع روستایی بایستی ملاحظات زیر به عمل آید:
- الف- تکنولوژی صنایع احداثی در روستاها باید با سنت و فرهنگ مناطق روستایی سازگار باشد.
- ب- تکنولوژی مورد استفاده در سطحی باشد که در روستاها قابل بهره‌برداری بوده و به بالا بردن دانش فنی روستاییان کمک کند.
- ج- ماشین‌آلات و قطعات مورد نیاز صنایع روستایی حتی‌الامکان در داخل کشور تولید شود.
- د- حتی‌المقدور سرویس و نگهداری و تغییر آنها در محل امکان‌پذیر باشد.
- ۵- هماهنگی برنامه‌های مربوط به صنایع روستایی با برنامه‌های کلی صنعتی کشور
- ۶- در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی و اقلیمی بین روستاهای مختلف و عدم ارائه راه‌حل‌های یکسان برای نقاط گوناگون.

تمرکز زدایی و دگرگونی اقتصاد روستایی

در کشورهای در حال توسعه، سیاست دگرگونی اقتصاد روستایی، در فرایند توسعه شهری تأثیر می‌گذارد. سیاست‌هایی نظیر توزیع مجدد زمین و دادن امکانات به خانواده‌های فقیر و کم در آمد روستایی، ممکن است اختلاف در آمد میان شهر و روستا را کاهش دهد و باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی و محدود شدن توسعه شهری گردد. بعضی دیگر از این سیاست‌ها، نظیر سیاست کشاورزی تجاری، ممکن است مهاجرت‌های روستایی را افزایش دهد و باعث توسعه سریع شهرها شود.

تاکنون سیاست‌های متعدد روستایی، تأثیرات گوناگونی در ساخت اجتماعی- اقتصادی روستاها و در نتیجه در توسعه شهری به جا گذاشته است. در اینجا از بیان همه آنها به سیاست‌های روستایی دو کشور برزیل و چین و نتایج حاصل از آن اشاره می‌کنیم:

در برزیل، شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌داری مهار نشده، به عنوان عامل دگرگونی اقتصاد روستایی به کار گرفته شود. اما در چین، دگرگونی اقتصاد روستایی با برنامه‌ریزی ملی پیوند یافت و سیاست روستایی کشور با توجه به سیاست تغییرات اجتماعی- اقتصادی در کل جامعه چین تنظیم گردید. در برزیل، پایتخت جدیدی به نام «برازیلیا» و در حدود ۱۶ هزار کیلومتر بزرگراه جدید از جمله بزرگراه بلم و برازیلیا احداث شد. منابع طبیعی و زمین‌های وسیعی در حوزه آمازون و در داخل برزیل آماده سرمایه‌گذاری گردید. با فراهم شدن امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی، چندین میلیون نفر تشویق شدند تا به ایالات گویاس، ماتوگروسو، پارا و آمازون

مهاجرت کنند. بتدریج، حوزه‌های وسیع و مراتع بزرگ دامداری و الوار به مرحله بهره‌برداری رسید. حوزه مانائوس به صورت یک منطقه آزاد تجاری از طریق کاهش مالیات سرعت به شکوفایی رسید و با اجرای این سیاستها چهره بخشی از برزیل بکلی تغییر پیدا کرد.

هر چند در این کشور، کشاورزی و استخراج معادن توسعه یافت متأسفانه، سود حاصل از آن، تنها متعلق به چند شرکت بزرگ بود. به طوری که بخشهایی از برزیل به صورت رهن کامل بانکداران جهانی در آمد و در سال ۱۹۸۰، قرضهای خارجی سرانه آن به بالاترین میزان در جهان رسید.

اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اجتماعی- اقتصادی برزیل، توسعه بخشهای داخلی آن و تحرک سکونتگاههای کشور بود که برای اجرای این اهداف، پایتخت جدید ایجاد شد و سرمایه گذارهای کلان در آن انجام گرفت. اما اجرای این سیاست نیز نتوانست از توسعه شهرهای بزرگ برزیل مثل سائوپولو و ریودوژانیرو و... جلوگیری کند و سیستم سکونتگاهی کشور را متعادل سازد. این شهرهای بزرگ بیش از گذشته، توسعه یافتند. زیرا منافع حاصل از برنامه‌ریزیها در حوزه وسیع آمازون، مجدداً در بخشهای تجاری و ساختمانی شهرهای سائوپولو و ریودوژانیرو به کار گرفته شد. علاوه بر این، در جنگلهای آمازون خاک بشدت فرسایش یافت، با پاکسازی درختان جنگلی تغییراتی در اقلیم کره زمین به وجود آمد و درجه حرارت زمین افزایش پیدا کرد. رشد اقتصادی برزیل افزایش می‌یافت، اما سیاست توزیع درآمدها و ثروتها، سبب توسعه اجتماعی- اقتصادی کل جامعه نگردید. به عبارت دیگر فعالیتهای اقتصادی و برنامه‌ریزیها، نه تنها فقر جامعه را از میان نبرد، بلکه محیط زیست را آلوده ساخت. جمعیت برزیل، سیستم سکونتگاهی و تمرکززایی، تعادل ضروری را بازیافت.

در برابر برزیل، کشور چین در دگرگونی اقتصاد روستایی و توسعه، راه تازه‌ای را آزمایش کرد. از سال ۱۹۴۹، تنها بر توسعه نواحی معینی تأکید نداشت، بلکه هدف همه برنامه‌ریزیهای آن، دگرگونی در کل سیستم اجتماعی- اقتصادی بود که تأثیر روشنی در سیاست فضایی چین داشت. در این سیاست، کنترل زاد و ولد، توزیع مجدد زمین از مالکین خصوصی به کشاورزان، مالکیت دولتی بسیاری از فعالیتهای اقتصادی و محدود کردن شرایط زندگی شهری، هر یک به نحوی در جامعه روستایی و سیاست فضایی چین تأثیر گذاشت. خود کفایی حوزه‌های روستایی عملی گردید و توسعه شهرهای بزرگ تحت کنترل درآمد.

در سیاست فضایی چین، اساس اقتصاد شهری مورد توجه بود. یک برنامه وسیع توسعه صنایع در روستاها به اجرا در آمد. مکان‌گزینی صنایع در شهرهای اصلی یا شهرکهای اقماری ادامه یافت و جمعیت شهرها

کنترل شد. اما شهر شانگهای، جمعیت خود را از دست نداد و بسیاری از شهرکهای جدید در نواحی مادر شهرها و حوزه‌های جدید منابع طبیعی ایجاد گردید.

طرح های اقتصادی روستا

طرح ایجاد نواحی صنعتی روستایی

به منظور سهولت در استقرار صنعت در نواحی روستایی و تامین زیر ساخت های لازم برای آن، وزارت جهاد از سال ۱۳۶۶ همزمان با آغاز صدور مجوز برای کارگاه‌های صنعتی، اقدام به ایجاد نواحی صنعتی روستایی نمود. ناحیه صنعتی روستایی مکانی است که پس از انجام مطالعات مکان یابی در چارچوب طرح های توسعه و عمران و تامین امکانات زیر بنایی بر اساس استعدادهای مناطق و با رعایت ضوابط زیست محیطی، به منظور استقرار صنایع روستایی اختصاص می یابد. اهداف ناحیه صنعتی عبارت است از:

- کمک به توسعه اقتصادی، اجتماعی مناطق روستایی و مناطق توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته کشور؛
- کمک به ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کوچک بخش کشاورزی و صنایع روستایی در روستاها؛
- افزایش میزان اشتغال در نواحی روستایی و جلوگیری از مهاجرت های بی رویه؛
- کاهش گردش کار اداری و اخذ انواع استعلام از ادارات و سازمان‌های مختلف؛
- کاهش هزینه‌های ثابت سرمایه گذاری از طریق تامین بخشی از امکانات زیربنایی مورد نیاز کارگاه ها؛
- تقویت ارتباط بین واحدهای تولیدی مستقر در ناحیه و مبادله اطلاعات فنی و مشاوره‌ای بین آنها؛
- دسترسی آسان به امکانات زیربنایی از قبیل آب و برق و جاده؛
- جلوگیری از آلودگی های زیست محیطی؛
- جلوگیری از تخریب بی رویه زمین های منابع ملی و اراضی کشاورزی؛ و
- کوتاه شدن زمان احداث واحدهای صنعتی و تولیدی.

ناحیه صنعتی روستایی، مکانی است که پس از انجام مطالعات مکانیابی در چارچوب طرحهای توسعه و عمران و تامین امکانات زیر بنایی از قبیل آب، برق، خیابانهای دسترسی، آتش نشانی، و خدمات عمومی و رفاهی نظیر بانک، پست، درمانگاه بر اساس استعدادهای مناطق و با رعایت ضوابط زیست محیطی به منظور استقرار صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی - که برای توسعه بخش کشاورزی و نیز توسعه روستاهای منطقه ضروری می‌باشد - اختصاص می‌یابد.

ویژگی های ناحیه صنعتی روستایی: در هر ناحیه صنعتی، امکانات زیربنایی که برای استقرار صنایع روستایی آماده می شود، عبارت است از آب لوله کشی، شبکه برق رسانی و خیابان های قابل دسترسی که در تمام نواحی صنعتی تامین می شود و امکانات دیگر از قبیل گاز شهری، شبکه جمع آوری و تصفیه فاضلاب که در مراحل بعدی به تدریج جمع آوری و برحسب نیاز کارگاه ها تامین خواهد شد.

همچنین مکان های خدماتی مانند رستوران، باسکول، بانک، مرکز بهداشتی، زمین ورزشی، ساختمان اداری و نظایر اینها که در نواحی صنعتی با توجه به مساحت و تعداد افراد شاغل در آنها قابل تامین خواهد بود. ناحیه صنعتی از لحاظ مکان استقرار لازم است دارای شرایط زیر باشد:

- قرار داشتن در موقعیت مناسب ارتباطی؛
- قرار گرفتن در مراکز جمعیتی و پوشش جمعیتی بیشتر،
- وجود منابع آب در مجاورت یا نزدیکی آن؛
- وجود مواد اولیه کشاورزی، دامی، صیادی و معدنی در منطقه؛
- وجود افراد سرمایه گذار در منطقه.

تا پایان سال ۱۳۸۳ تعداد کل نواحی صنعتی روستایی به ۱۹۹ ناحیه رسید که از این تعداد ۱۴۶ ناحیه به بهره برداری رسیده اند. در سال ۱۳۸۹ تعداد نواحی صنعتی مصوب به ۳۳۵ ناحیه و تعداد نواحی صنعتی در حال بهره برداری به ۲۰۷ ناحیه افزایش یافته است (جدول ۵-۱۱). در برنامه ریزی ایجاد نواحی صنعتی روستایی سعی شده تا از متمرکز شدن آنها در مناطق محدود در کشور و استان ها پرهیز شود و نواحی صنعتی با توجه به استعداد مناطق گسترده شوند. در نواحی روستایی دهیاران می توانند به منظور توسعه مناطق روستایی و کمک به توسعه پایدار کشاورزی، ضمن تشویق صاحبان صنایع سرمایه به سرمایه گذاری در صنایع روستایی بویژه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی در کانون ها و قطب های عمده تولید محصولات کشاورزی، این گونه متقاضیان را برای اخذ مجوز در کدهای فعالیتی ایسیک ۱ به ادارات جهاد کشاورزی و یا ادارات صنایع و معادن شهرستان و استان معرفی نمایند.

لازم به تذکر است بر اساس تقسیم کار انجام شده، حوزه فعالیت جهاد کشاورزی محدود به صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی با اشتغال کمتر از ۵۰ نفر شده و سایر انواع صنایع روستایی و نیز مدیریت نواحی صنعتی روستایی به وزارت صنایع و معادن واگذار گردیده است. برای تسهیل در پیشبرد سیاست صنعتی کردن روستاها، راه کار ایجاد نواحی صنعتی به مثابه ی یک رویه ی تسهیل کننده، به ایجاد ۱۲۵ ناحیه صنعتی روستایی با ظرفیت ایجاد ۴۶۳۷ کارگاه و وسعت ۱۹۲۸ هکتار در مناطق مختلف کشور منتهی شده است

(سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۴). از سال ۱۳۸۸ نیز مدیریت نواحی صنعتی روستایی به سازمان صنایع کوچک (وزارت صنایع) واگذار شده است.

جدول شماره ۵- مشخصات نواحی صنعتی روستایی کشور- شهریور ۱۳۸۹

شرح	مقدار
تعداد نواحی صنعتی مصوب	۳۳۵
تعداد نواحی صنعتی در حال بهره برداری	۲۰۷
تعداد واحدهای به بهره برداری رسیده	۱۴۷۹
تعداد اشتغال (نفر)	۲۴۲۳۹

ماخذ: وب سایت سازمان صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی ایران

طرح ساماندهی توسعه اقتصادی و اجتماعی فضاهای روستایی:

این طرح مکمل طرح ساماندهی کالبدی سکونت گاه های روستایی بوده و ابعاد اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی مورد تاکید آن است. تهیه این طرح در برنامه چهارم توسعه و از سال ۱۳۸۴ شروع شده و در چارچوب وظایف قانونی وزارت جهاد کشاورزی انجام می شود.

ساماندهی توسعه اقتصادی، اجتماعی فضاهای روستایی، طرحی است مبتنی بر فرآیندی مشارکتی که به شناسایی ظرفیتها و تواناسازی وجوه اجتماعی و اقتصادی اجتماعات محلی روستایی پرداخته و در نهایت بستر لازم را برای اجرای اقدامات پیش بینی شده در جهت توسعه خوداتکا و پایدار جامعه هدف فراهم می نماید. این طرح ماهیتی مشارکتی، همه جانبه و محلی داشته، برنامه ای هماهنگ و موزون برای توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی اجتماعات محلی روستایی با تاکید بر محوریت مردم و نهادهای محلی در پیش بینی و اجرای پروژه های اجتماعی و اقتصادی با اولویت فعالیت های تولیدی مرتبط با کشاورزی ارائه می نماید. هدف کلی طرح تسهیل و بسترسازی برای توسعه پایدار (خوداتکاء و مشارکتی) در سطح اجتماعات محلی روستایی است. اهداف جزئی طرح به شرح زیر است:

- بهره برداری پایدار از منابع پایه و مراقبت از فرآیندها و خدمات اکوسیستم محلی؛
- توسعه منابع و سرمایه های انسانی از جمله دانش و مهارت های فردی و گروهی؛ و
- توسعه منابع و سرمایه های اجتماعی - نهادی به منظور پی ریزی روحیه مسئولیت پذیری جمعی و مشارکت فراگیران و مردم در فرآیند تصمیم سازی و برنامه ریزی محلی (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴).

فصل پنجم: توسعه اقتصاد محلی و توسعه اقتصادی روستا

تعریف و مفهوم اقتصاد محلی

تا سال ۲۰۲۵ تقریباً نیمی از فقیران سراسر جهان در مناطق شهری ساکن خواهند بود. با توجه به روند بی سابقه شهری سازی در جهان سوم، یک استراتژی توسعه پایدار جهت بهبود کیفیت مدیریت شهری و ارتقای محیط رقابت اقتصادی بسیار ضروری است. بدون داشتن یک استراتژی توسعه شهری، قطعاً شاهد کاهش سطح رفاه و تنزل کیفیت زندگی ساکنان شهر خواهیم بود. علی‌رغم تمرکز جمعیتی در شهرها، با اتخاذ روش مناسب می توان سبب شد که عواید رشد توسعه در سطح گسترده‌تری توزیع شود.

منظور از توسعه اقتصاد محلی (LED) بالابردن ظرفیت اقتصادی یک منطقه به منظور پیشرفت و بهبود شاخص های اقتصادی و بالابردن سطح رفاه و درآمد مردم منطقه می‌باشد. توسعه اقتصاد محلی فرآیندی است که در طی آن بخش دولتی، تجاری و فعالان بخش خصوصی برای دستیابی به شرایطی که در آن رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی بالاتر در دسترس باشد، با یکدیگر همکاری می کنند.

توسعه اقتصاد محلی فرصتی فراهم می آورد که در طی آن بخش دولتی، بخش‌های غیرانتفاعی خصوصی و جوامع محلی بتوانند برای ارتقای اقتصاد محلی در کنار یکدیگر فعالیت کنند. تمرکز توسعه اقتصاد محلی بر بالابردن رقابت‌پذیری، افزایش نرخ رشد پایدار و تضمین فراگیر و همه‌جانبه بودن رشد است. توسعه اقتصاد محلی شامل طیفی از اقداماتی شامل برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی شهر و منطقه، توسعه اقتصادی و بازاریابی می‌باشد.

توسعه اقتصاد محلی می‌تواند در مقیاس‌های جغرافیایی گوناگون به کار گرفته شود. دولت محلی برای کسب سود برای مناطق تحت پوشش به دنبال استراتژی‌های توسعه اقتصاد محلی می‌باشد. هر یک از این جوامع و مناطق ذیل قلمرو دولت محلی نیز می‌توانند برای افزایش رقابت‌پذیری خود، استراتژی‌های توسعه اقتصاد محلی را دنبال کنند. این روش‌ها در صورتی که با همکاری استراتژی‌های دولت محلی صورت پذیرفته باشد عمده‌تاً موفقیت‌آمیز بوده‌اند. بنابراین توسعه اقتصاد محلی درباره جوامعی است که به جهت بالابردن رقابت‌پذیری، حفظ موقعیت‌های شغلی و افزایش درآمدها به صورت مستمر در حال ارتقای فضای سرمایه‌گذاری و بهبود محیط توانمندسازی کسب‌وکار خود هستند. جوامع محلی به مدل‌های گوناگونی به نیازهای توسعه اقتصاد محلی پاسخ می‌دهند، و اقدامات مختلفی صورت می‌پذیرد که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تضمین این که فضای سرمایه‌گذاری محلی برای کسب‌وکار محلی، مفید و مناسب خواهد بود.
حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط
تشویق به ایجاد بنگاه‌های جدید
جذب سرمایه‌گذاری خارجی اعم از بین‌المللی یا ملی
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سخت‌افزاری
سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نرم‌افزاری
حمایت از رشد خوشه‌های کسب‌وکار
حمایت از کسب‌وکارهای که به صورت غیررسمی و به تازگی به وجود آمده‌اند.

در سال‌های اخیر تمرکززدایی سبب شده است که مسئولیت بر روی دوش دولت محلی و شهرداری قرارگیرد و متخصصان توسعه اقتصاد محلی در بخش توسعه شهری با دولت محلی برای دستیابی به موثرترین استراتژی جهت افزایش اشتغال و پویاساختن اقتصاد، همکاری می‌کنند. رویکرد توسعه اقتصاد محلی نه فقط در مناطق شهری که در مناطق روستایی و غیرشهری هم موثر خواهد بود. مدل استراتژیک توسعه اقتصاد محلی به دولت‌های محلی کمک می‌کند تا بتوانند به سمت ساخت محیطی قابل زندگی، رقابتی و مطمئن برای سرمایه‌گذاری پیش بروند.

رویکرد توسعه اقتصاد محلی بر استقلال و حاکمیت دولت محلی تأکید دارد. اقدامات و برنامه‌های توسعه اقتصاد محلی معطوف به ایجاد اجماع در سطح محل و تشویق به مشارکت محلی جهت دستیابی به رفاه اجتماعی و اقتصادی است. به جهت تمرکز و تأکید بر اقتصاد محلی و اهمیت مالکیت محلی بر فرآیند توسعه، راهبرد استراتژیک توسعه اقتصاد محلی به طور همزمان در همه سطوح دولتی و جامعه مدنی، فرآیند توسعه را پیگیری می‌کند. راهبرد استراتژیک توسعه اقتصاد محلی این دیدگاه را بروز می‌دهد که مناطق شهری از طریق سیاست‌های عمومی درگیر در فعالیت اجتماعی، بخش خصوصی متعهد، دولت محلی مسئول و دولت ملی پشتیبان، می‌تواند به طور موثری با دولت مرکزی و ملی مشارکت داشته باشد. برای دستیابی به اهداف تعیین شده و رهنمون شدن به چشم‌انداز شهرهای پایدار، بانک جهانی از طریق بخش‌ها، گروه‌های مرتبط و خوشه‌های کارآمد، قابلیت‌ها و منابع را به گردش در می‌آورد.

توسعه استراتژی توسعه اقتصاد محلی بخش جدایی‌ناپذیری از فرآیند گسترده‌تر برنامه‌ریزی استراتژیک مناطق شهری، شهرکی و روستایی است. برنامه‌ریزی استراتژیک موثر تضمین می‌کند که موضوعات اولویت دار به دقت مشخص شوند و منابع محدود به درستی هدف قرار گیرند. باید دانست که فرآیند به صورت

تجویزی نیست بلکه بایست برای هر جامعه و محیط، به نحوی تنظیم شود که بتواند نیازهای آن جامعه را پاسخ دهد. لذا گام‌های ذیل در تدوین و پیاده سازی یک استراتژی توسعه اقتصاد محلی پیگیری می‌شوند.

گام اول: سازمان‌دهی فعالیت‌ها

در یک جامعه، برنامه‌ریزی استراتژی توسعه اقتصاد محلی با شناسایی افراد، نهادهای عمومی، کسب و کارهای موجود و سایر گروه‌ها و انجمن‌ها با علائق و اهداف اقتصادی محلی، آغاز می‌شود. این مساله معمولاً تحت هدایت شهردار یا مدیر اجرایی صورت می‌پذیرد. منابع و توانایی‌ها و قابلیت‌هایی که هر کدام از این ذی‌نفعان در اختیار فرآیند استراتژی می‌نهند، بنیان و اساس حیاتی و مهمی برای دستیابی به موفقیت است. شناسایی این سازمان‌ها، نهادها و اشخاص تضمین‌کننده دستیابی به بعضی اطلاعات پایه از اقتصاد شهر است. این مرحله بایست شناسایی منابع مالی، انسانی و سایر منابع سرمایه را که می‌تواند به راهبرد توسعه اقتصاد محلی کمک کنند، را نیز شامل شود. برای حصول اطمینان از اینکه ساختارهای رسمی و غیررسمی به گونه‌ای شکل گرفته و قوام‌یافته‌اند که به توسعه و اجرای استراتژی منجر شوند لازم است تا گروه‌های کار و کمیته‌های راهبری ایجاد گردند. تشکیل تیم‌های ستادی توسعه اقتصاد محلی و فرآیندهای مناسب سیاسی از دیگر موضوعات و مسائلی است که بایست در مراحل اولیه با آنها مواجه شد.

گام دوم: سنجش و ارزیابی اقتصاد محلی

هر جامعه دارای مجموعه‌ای از شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد و مختص همان محل است که می‌تواند سبب رشد و پیشرفت توسعه اقتصادی شود یا چون مانعی در برابر آن قرار بگیرد. ساختار اقتصادی محلی، ظرفیت منابع انسانی برای ایجاد توسعه اقتصادی و میزان مساعد بودن محیط سرمایه‌گذاری دولت محلی در فعالیت‌های اقتصادی و کسب‌وکار از جمله این ویژگی‌ها و شرایط است که برای هر جامعه متفاوت از جامعه دیگر است. سنجش و ارزیابی اقتصاد محلی کمک می‌کند تا تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی اقتصاد محلی مشخص شود و سبب می‌شود تا نقاط قوت و ضعف آن جامعه در مسائلی چون ظرفیت منابع انسانی، میزان اشتیاق و رغبت دولت محلی به هرگونه فعالیت اقتصادی حقوقی و صنفی یا حتی غیررسمی، عیان شود. هدف از این ارزیابی این است که نمایه‌ای از اقتصاد محلی به دست آید که مبنای قیاس مزیت‌های رقابتی و تطبیقی محل در مقایسه با جوامع همسایه یا سایر رقبای منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی قرار گیرد.

گام سوم: توسعه راهبرد توسعه اقتصاد محلی

به عنوان بخشی از راهبرد توسعه اقتصاد محلی، تصویر مشترک اقتصادی جامعه، اهداف، برنامه‌ها، پروژه‌ها و برنامه‌کار توسعه پیدا خواهند کرد. این فرآیند تضمین خواهد کرد که همه گروه‌های ذینفع و فعالین اصلی این فرصت را به دست آورند که معین کنند چه چیزی باید به دست آید، چگونه به دست آید، چه کسی مسئول خواهد بود و برنامه‌زمانی مربوط به اجرای راهبرد توسعه اقتصاد محلی به چه صورت خواهد بود. از طرفی بسیار حیاتی است که راهبرد توسعه اقتصاد محلی و برنامه‌کاری به دقت بر اساس ظرفیت منابع موجود مانند محدودیت‌های بودجه‌ای، سنجیده و ارزیابی شود. برنامه عملیاتی استراتژی بایست با برنامه بودجه و فعالیت‌ها و اقدامات حاکمیت محلی تطبیق داده شود. کمک ارائه شده در زمینه تقویت توانایی‌ها، غلبه بر ضعف‌های موجود، بهره‌برداری و استفاده کردن از فرصت‌ها و برطرف کردن تهدیدات خواهد بود.

گام چهارم: پیاده‌سازی راهبرد توسعه اقتصاد محلی

پیاده‌سازی استراتژی بر مبنای برنامه عملیاتی توسعه اقتصاد محلی، پیش خواهد رفت. تشکیلاتی که در مرحله اول پروژه ایجاد و یا شناسایی شدند به صورت مداوم روند و پیشرفت پروژه را مانیتور می‌کنند. ارزیابی و سنجش خروجی و عواید پروژه تضمین خواهد کرد که ادامه راهبرد اتخاذ شده، دستیابی به اهداف و دورنمای پیاده‌سازی استراتژی را ممکن می‌سازد. در پیاده‌سازی استراتژی اتخاذ شده لازم و ضروری است که نهادهای مناسب و ضروری برای اجرای برنامه‌ها، شناسایی و ایجاد شوند.

گام پنجم: مرور استراتژی توسعه اقتصاد محلی

پایش کردن دقیق و استفاده از تکنیک‌های ارزشیابی کمک می‌کند تا میزان عواید پروژه محاسبه شده، هزینه‌ها توجیه شوند و میزان سازگاری و پیشرفت و روش‌های مناسب توسعه تعیین شوند. همچنین این اطلاعات و داده‌ها برای بررسی و بازبینی کل استراتژی توسعه اقتصاد محلی نیاز است. راهبرد توسعه اقتصاد محلی بایست حداقل یکبار در سال مورد بازبینی قرار گیرد تا کارکرد آن برای ادامه مسیر مورد تایید قرار گیرد. باید توجه داشت که ممکن است در جریان پروژه شرایط تغییر کند و یا ارزیابی‌ها و سنجش‌های اولیه با توجه به شرایط محلی نادرست بوده‌باشند. راهبرد توسعه اقتصاد محلی باید بتواند دائماً در مواجهه با تغییر در فضای رقابتی، خود را توسعه بخشد تا کارآمدی خود را حفظ کند.

فصل ششم: اعتبارات خرد و اقتصاد روستا

کاربرد اعتبارات خرد

اعتبارات خرد می تواند برای خرید ابزارهای جدید، یک ماشین یا مغازه ای در یک بازار باشد. میلیون ها نفر از مردم فقیر و کم درآمد جهان از مزایای وام های کوچک برای بهبود زندگی خود استفاده کرده اند.

مردم در طول سه دهه گذشته از این وام ها برای شروع شرکت های جدید، ایجاد مشاغل و کمک به شکوفایی اقتصادها استفاده نموده و بارها ثابت کرده اند که می توانند وام ها را به موقع بازپرداخت کنند.

وام تنها پاسخ نیست. آنان ممکن است به خدمات مالی اساسی دیگری مانند بیمه، حساب پس انداز و سپرده سرمایه گذاری، یا توانایی انتقال پول به شخصی که در جای دیگری زندگی می کند نیاز داشته باشند.

خانواده ها با دسترسی به اعتبار و این مجموعه از ابزارهای مالی که در مجموع منابع مالی خرد نامیده می شوند، می توانند براساس اولویت های خاص خود برای هزینه های مدرسه، مراقبت بهداشتی، تغذیه یا مسکن سرمایه گذاری کنند و به جای تمرکز بر بقای روزمره، برای آینده برنامه ریزی کنند.

تعاریف اعتبارات خرد

منابع مالی خرد به وامها، پس اندازها، بیمه، خدمات انتقال پول و سایر فعالیتهای مالی اختصاص یافته و به متقاضیان کم درآمد مربوط می شود.

اعتبار خرد به اعتباری اطلاق می شود که به وسیله یک بانک و نهاد اقتصادی دیگر به یک متقاضی پرداخت می شود. این اعتبارات غالباً بدون وثیقه و گرو به شخص یا گروهی از افراد اعطا می شود.

پس انداز خرد به خدمات سپرده گفته می شود که به فرد امکان می دهد مبلغ کم پول را برای استفاده آتی و به منظور تامین هزینه های غیر منتظره و برنامه ریزی برای سرمایه گذاری آینده پس انداز کند.

بیمه خرد روشی است که مردم، شرکتهای و سایر سازمانها برای کاهش خطر از دست دادن سرمایه، مبالغی را پرداخت می کنند. دسترسی به بیمه، کارآفرینان را قادر می سازد بیشتر به فکر توسعه کسب و کار خود باشند.

ارسال پول، انتقال پول توسط مردم ساکن یک مکان برای مردم جای دیگر است که معمولاً از طرف ساکنین آن سوی مرزها و برای اعضای خانواده و دوستان انجام می گیرد. پولهای ارسالی در مقایسه با سایر منابع

سرمایه که می‌توانند بسته به شرایط سیاسی و اقتصادی نوسان داشته باشند، منبع نسبتاً ثابتی برای تامین اعتبار هستند.

تعریف اعتبار خرد (از نظر سازمان ملل)

اعتبار خرد، مبلغ کمی پول وام داده شده به وسیله یک بانک یا نهاد دیگر است که غالباً بدون اخذ وثیقه و گرو، به یک شخص یا به گروهی از افراد ارایه می‌شود.

تعریف نهاد منابع مالی خرد (از نظر سازمان ملل متحد)

یک نهاد منابع مالی خرد MFI سازمانی است که به افراد فقیر خدمات مالی ارائه می‌دهد. در حالی که هر نهاد منابع مالی خرد با نهاد دیگر تفاوت دارد. همه آنها در خصوصیت ارایه خدمات مالی به متقاضیان فقیرتر و آسیب پذیرتر، نسبت به متقاضیان سنتی این خدمات از بانک‌ها، مشترک هستند. اخذ اعتبارات کلان در سطح ملی برای همه اقشار جامعه است لیکن دستیابی به این نوع اعتبارات بدلیل پروسه زمانی بسیار طولانی، بروکراسی عریض و طویل اداری و اخذ وثایق و تضامین سنگین برای بخش اعظمی از افراد جامعه که نیازهای مالی آنی و اندکی دارند به سادگی میسر نمی‌باشد از این رو با توجه به تعریف ارائه شده، اعتبارات خرد برای آن دسته از مردم که نیازهای مالی اندکی دارند می‌تواند نقش موثری را در اشتغال رایی، رفع فقر و محرومیت زدایی داشته باشد.

اهداف سازمان ملل از منابع مالی خرد در سال ۲۰۰۵

- ۱- متحد نمودن کشورهای عضو، کارگزاران سازمان ملل و شرکای منابع مالی خرد سازمان
- ۲- تعیین میزان کمک منابع مالی خرد و پشتیبانی آن از جهت دسترسی به هدفهای توسعه هزاره
- ۳- افزایش آگاهی عمومی از منابع مالی خرد به عنوان بخش حیاتی معادله توسعه
- ۴- ترویج و پشتیبانی از نظامهای مالی فراگیر
- ۵- حمایت از دسترسی مداوم و پایدار به این منابع
- ۶- تشویق نوآوری و مشارکتهای جدید

دیدگاه

سال اعتبارهای خرد فرصت قابل توجهی برای آگاهی از اهمیت منابع مالی خرد، به ویژه اعتبارات خرد، در ریشه کنی فقر بخصوص فقر روستایی فراهم می سازد و در حال حاضر تلاشهای بین المللی، منطقه ای و ملی که از منابع مالی خرد حمایت می کنند، به طور مستقیم به تحقق هدفهای توسعه هزاره، به ویژه هدف کاهش تعداد کسانی که در فقرمطلق به سر می برند کمک می کنند. بررسیهای جامع درباره تاثیر منابع مالی خرد نشان داده است:

الف) منابع مالی خرد به خانواده های فقیر کمک می کند تا نیازهای اولیه خود را تامین و از خود در برابر نوسانات درآمد و سایر خطرات محافظت نمایند.

ب) استفاده خانواده های کم درآمد از خدمات مالی با بهبود رفاه اقتصادی خانواده و ثبات و رشد شرکتهای خدمات مالی ارتباط دارد.

ج) منابع مالی خرد با حمایت از مشارکت اقتصادی زنان، برای زنان اهمیت زیادی دارد و سبب رفاه بیشتر خانواده ها می شود.

د) تاثیر خدمات مالی، به صورت مثبت، با طول زمانی که متقاضی از این خدمات استفاده می کنند، بستگی دارد.

لزوم سودآوری اعتبارات خرد

لازم است نهادهای منابع مالی خرد سودآور باشند تا بتوانند:

الف: در یک دوره زمانی مداوم هزینه های رسیدگی و تامین تقاضای بخش هایی از جمعیت که به آنان خدمتی ارایه نشده را جبران کنند.

ب: بتواند توانایی خود را برای پرداخت وام های بیشتر به یک کارآفرین خرد پس از دریافت یک سری اعتبارهای بسیار کم حفظ کند تا این کسب و کارهای کوچک بتوانند رشد کنند و به شرکت های کوچک تبدیل شوند.

بررسیهای انجام شده در هند، کنیا و فیلیپین نشان داد که میانگین سود سالانه سرمایه گذاری ها به وسیله کسب و کارهای خرد از ۱۱۷ تا ۸۴۷ درصد متفاوت بود.

کسب این سودهای سرشار بین کارآفرینان خرد امری عادی است، و درست است که نرخ سودها زیاد به نظر می آید اما بهره ها معمولاً بخش کوچکی از مجموع سودهای کارآفرینان خرد را تشکیل می دهند. نرخ های بهره دریافتی به وسیله وام دهندگان غیررسمی خیلی بیشتر از نرخ بهره نهادهای منابع مالی خرد است.

نرخ های بهره اعتبارهای خرد به منظور تامین خدمات مالی دراز مدت و قابل قبول بر مقیاسی بزرگ (تعداد بیشتری از متقاضیان اعتبارات خرد) تعیین می شود، در حالی که نرخ های بهره یارانه ای معمولاً فقط به تعداد کمی از گیرندگان وام (به علت محدودیت منابع) و برای دوره ای کوتاه پرداخت می شود.

دستاوردهای اعتبارات خرد

یک وام کوچک (اعتبار خرد) می تواند خانواده ای روستایی را متحول کند.
چند وام (اعتبار خرد) می تواند جامعه ای روستایی را تقویت کند.
هزاران وام (اعتبار خرد) می تواند تمامی یک اقتصاد را متحول سازند.

پس انداز افراد فقیر

مردم فقیر بخصوص روستاییان همیشه پس انداز می کنند. اگرچه بیشتر به راه های غیررسمی. آنان جواهرات، حیوانات اهلی، مواد ساختمانی و چیزهایی که بتوان به آسانی آنها را به پول تبدیل کرد، پس انداز می کنند. دسترسی به خدمات پس انداز امن و رسمی باعث آرامش خاطر خانواده ها در شرایطی می شود که آنها نیاز به پول بیشتر برای هزینه های فصلی و در زمان های سخت دارند. حساب های پس انداز به مردم امکان می دهد برای هزینه های نامنتظره ناشی از بیماری، ساختن خانه، تدارک برای پیری یا پرداختن هزینه های مدرسه، ازدواج و تولید آسوده خاطر باشند..

تأثیر منابع مالی خرد بر موقعیت زنان

در دنیایی که بیشتر فقیران آن زن هستند، مطالعات نشان داده است که دسترسی به خدمات مالی موقعیت زنان را در خانواده و اجتماع بهتر کرده است. زنان مطمئن تر و دارای اعتماد به نفس بیشتری شده اند. به علاوه زنانی که در نتیجه منابع مالی خرد صاحب املاک، از جمله زمین و مسکن شده اند، نقش قوی تری در تصمیم گیری ها دارند و در جوامع خود نقش های رهبری را بر عهده گرفته اند.

شرایط پرداخت اعتبار خرد

پرداخت اعتبار خرد در جایی که شرایط، حاکی از وجود دشواری های جدی برای بازپرداخت آن است، ممکن است مناسب نباشد.

برای مثال، جمعیت هایی که از نظر جغرافیایی پراکنده اند یا موارد بروز بیماری در آنها زیاد است، ممکن است متقاضیان مناسبی برای دریافت منابع مالی خرد نباشند. در این موارد پرداخت کمک مالی، بهبود تاسیسات زیربنایی یا برنامه های آموزشی یا کارآموزی موثرتر هستند. برای این که شرایط پرداخت اعتبارهای خرد مناسب باشد، متقاضیان باید توانایی بازپرداخت وام را تحت شرایطی که براساس آن وام پرداخت شده است را داشته باشند. (مدیریت ریسک اعتباری)

مدیریت صندوق اعتبارات خرد

از آنجایی که این صندوقها ماهیت توسعه ای دارند مدیریت آن را می توان در دو مرحله راه اندازی و واگذاری تعریف کرد راه اندازی شامل مراحل مختلف تشکیل یک صندوق است که می توان برای آن وظایفی چون انتخاب روستای مناسب، ایجاد ارتباط با مردم محلی، عضو گیری، تشکیل جلسات اعتبار پس انداز، انتخاب هیئت مدیره را تعریف نمود. مرحله واگذاری هنگامی است که فرایند شکل گرفته و جامعه محلی اداره صندوقها را به عهده می گیرند.

اهداف صندوق اعتبارات خرد در ایران

اصل هدف اعتبارات خرد، توانمند ساختن کلی روستا و ثروت زایی و مشارکت در برنامه ریزی و تصمیم گیری برای توسعه روستاها می باشد، هدف کلی صندوق های اعتبارات خرد در کشور ما احیای مدیریت توسعه پایدار منابع طبیعی و ارتقاء خودباوری اهالی روستا و جوامع عشایری به خصوص زنان و کودکان می باشد.

مهمترین اهداف تشکیل صندوقهای اعتبارات خرد عبارتست از:

- ۱- توانمند سازی جامعه محلی از طریق اجرای بستری مناسب برای مشارکت جمعی زنان در قالب گروههای اعتبار - پس انداز
- ۲- ارتقاء مهارتهای فردی و اجتماعی زنان روستایی از طریق برنامه های آموزشی

- ۳- تجهیز پس انداز خانوارهای روستایی در جهت تامین مالی فعالیتهای درآمدزا
- ۴- افزایش در آمد خانوارهای کم در آمد از طریق پرداخت وام های کوچک برای انجام فعالیتهای درآمدزا

ویژگیهای عمده صندوقهای اعتبارات خرد عبارتست از:

- ۱- اکثریت اعضای این صندوقها را، زنان روستایی تشکیل می دهند.
 - ۲- سرمایه صندوقها متعلق به جامعه محلی (زنان عضو) است.
 - ۳- اعضای هر صندوق به گروههایی ۵ تا ۷ نفره تقسیم می شوند.
 - ۴- حداکثر تعداد اعضا در صندوق ۵۰ نفر می باشد.
 - ۵- خدمات آموزشی اعم از آموزش عمومی، تخصصی از طرف اداره امور زنان استان و شهرستان به اعضا ارائه می شود.
 - ۶- خانوارهای کم در آمد در هر روستا در اولویت عضویت قرار دادند.
- از دیگر اهداف این صندوق ها، برنامه ریزی مشارکتی با خود جوامع محلی، چانه زنی با دولت برای سهم بودن جوامع محلی در تصمیم گیری و برنامه ریزی منطقه ای، تخصیص بودجه ها و احیای انگیزه و حس مسئولیت جوامع محلی است.

در سی سال گذشته فعالین و دست اندرکاران برنامه ریزی توسعه به شکست برنامه ریزی مرکز محور پی برده و تشخیص داده اند که جوامع محلی در سامان دهی امور خود و استفاده مناسب از منابعی که در اختیارشان است ظرفیت بالایی دارند. رویکرد امروزه در برنامه ریزی توسعه دولتها را به دوری گزیدن از نقش قالب و بستر سازی برای بخش خصوصی و نیروهای محلی ترغیب می کند. ضمن آنکه باید توجه داشت سیستم برنامه ریزی و تصمیم گیری مرکز محور نمی تواند از دانش و تجربه بدست آمده توسط مقامات محلی، که بواسطه حضورشان در محل، فرصت ارتباط بیشتر با جامعه و مشکلات را دارند، بهره مند گردد.

ویژگی های صندوقهای اعتبارات خرد

- ۱- این صندوق می بایست شخصیت حقوقی مستقلی داشته باشد.
- ۲- به افزایش درآمد جامعه بومی کمک کند.
- ۳- سبب اشتغال زایی در روستاها و کاهش مهاجرت شود.
- ۴- در اجرا نمودن طرح های ملی توسط خود جوامع بعد از توانمند شدن کمک کند اعتبارات این صندوق ها

برای اجرای طرح های ملی نباید سبب نابودی مراتع _ جنگل ها _ آب های سطحی و زیرزمینی _ تالاب ها ... شود و بطور کلی به نابودی مناطق حفاظت شده توسط جوامع محلی منجر شود.

متقاضیان منابع مالی خرد

متقاضیان منابع مالی خرد معمولاً افراد فقیر و کم درآمد هستند. زنان سرپرست خانوار، بازنشستگان، صنعتگران یا کشاورزان خرده پا ممکن است از جمله آنان باشند.

چگونه خدمات مالی به افراد فقیر و کم درآمد کمک می کند؟ پیشینه تحقیق و بررسی ها ثابت کرده است که منابع مالی خرد به افراد بی بضاعت کمک می کند نیازهای اولیه خود را تامین کنند. برای مثال افراد فقیر با دسترسی به بیمه خرد می توانند بر مشکل هزینه های ناگهانی ناشی از بیماری های جدی یا از دست دادن دارایی ها، غلبه کنند. ثابت شده است که صرف دسترسی داشتن به حساب های پس انداز رسمی نیز انگیزه ای برای پس انداز کردن است. متقاضیانی که به برنامه های منابع مالی خرد می پیوندند و در آن باقی می مانند نسبت به غیر متقاضیان شرایط اقتصادی بهتری دارند. چند بررسی نیز نشان داده است که بسیاری از این متقاضیان طی زمانی طولانی از چنگال فقر رهایی می یابند.

عضو گیری

- ۱- داد اعضای هر صندوق حداقل ۳۰ و حداکثر ۵۰ نفر خواهد بود.
- ۲- از هر خانواده تنها یک نفر می تواند عضو صندوق باشد.
- ۳- سن اعضا حداقل ۱۵ و حداکثر ۶۰ سال است.
- ۴- اعضای هر صندوق باید ساکن همان روستا باشند.
- ۵- اولویت عضویت در صندوق با خانوارهای کم درآمد در هر روستا است.

مقررات مالی

الف) پس انداز:

- یکی از منابع عمده تشکیل سرمایه مردمی در صندوقهاست
- حداقل پس انداز توسط اعضاء در جلسه اول تعیین خواهد شد
- هر یک از اعضا باید در هر جلسه مبلغی را به عنوان پس انداز بیاورد

ب) کمک سرمایه دفتر امور زنان:

- برای تقویت مالی صندوقها مبلغی که بستگی به میزان منابع و محرومیت محل استقرار صندوقها دارد به این صندوقها اهدا می شود

- کلیه درآمدهای این سرمایه متعلق به صندوق بوده و بایستی در جهت تامین هزینه ها و افزایش توان سرمایه به کار گرفته شود

ج) کارمزد:

- کارمزد به عنوان مهمترین منبع درآمدی صندوق است

پرداخت وام

وام برای فعالیتهای تولیدی پرداخت می شود و فعالیت تولیدی متقاضی باید توجیه اقتصادی (سودآوری) داشته باشد و برنامه ریزی پرداخت وام به نحوی باشد که هر عضو در سال بتواند از یک وام استفاده کند.

بازپرداخت وام

بازپرداخت وامها ۱۰ ماهه و می باید در ۲۰ قسط توسط وام گیرندگان پرداخت شود.

بررسی یک نمونه موفق از اجرای طرح صندوق اعتبارات خرد در ایران با همکاری دفتر عمران سازمان ملل متحد

در ایران از حدود ۶ سال پیش نمایندگی دفتر عمران سازمان ملل ۷ با هدف، توسعه پایدار انسانی(محرومیت زدائی و ایجاد اشتغال) کار انتقال و ترویج ایده ها و راهکارهای خوب توسعه در سطح بین الملل را بر عهده گرفت. البته این ایده ها بصورت کلی در ایران پیاده نمی شوند بلکه با توجه به شرایط و نیاز های کشور، پس از بازنگری در صورت مناسب بودن، بومی شده و اجرا می گردند.

شهرستان شیرآباد زاهدان یک نمونه عملی از پیاده سازی برنامه اعتبارات خرد با هدف توسعه پایدار انسانی

از جمله برنامه های موفق این دفتر پروژه فقرزدائی شهرستان شیرآباد از توابع استان سیستان و بلوچستان است. برآورده های اولیه در این شهرستان مبین آن بود که مسائل اقتصادی باید در کنار مسائل اجتماعی و محیط زیستی دیده شوند. دیدگاهی که در بین دولتمردان عرف نبوده و معمولاً خیلی ها مادی و اقتصادی فکر می کنند از جمله نرخ بازگشت سرمایه و... با اجرای این پروژه دفتر فوق سعی نمود این نگرش را تغییر

دهد و به این منظور یکی از راهکارهای نوین خود را تحت عنوان "بسیج اجتماعی" و "اعتبارات خرد" که اکنون در بسیاری از کشورهای جهان به شکل های مختلف پیاده شده است را اتخاذ نمود. به این منظور پروژه فقر زدائی و محرومیت زدائی در شهرستان شیرآباد زاهدان به مدت ۳ سال انجام شد و ۲۰۰ خانوار زن انتخاب شدند. این پروژه در واقع یک راهکار مشخصی است که ترکیب خاصی دارد.

فصل هفتم: زنان و اقتصاد روستایی

زنان و توسعه اقتصادی

در ایران، زنان از دیرباز نقش‌های بسیار مهمی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایفا کرده‌اند. به عنوان مثال در جامعه روستایی ایران، هر خانواده می‌تواند به عنوان یک واحد تولیدی قلمداد گردد. این واحدهای تولیدی اغلب کوچک هستند به نحوی که در بسیاری از موارد اکثر تولیدات آنها توسط خانواده به مصرف می‌رسد. البته بخشی از این تولیدات نیز به بازارهای ملی و بین‌المللی راه می‌یابد. یکی از شالوده‌ها و بنیان‌های اساسی این واحدها، زنان روستایی می‌باشند به طوری که بدون حضور آنان ساختار اقتصادی خانواده نمی‌تواند پایدار باشد. بخصوص فعالیت و مشارکت زنان روستایی ایران در فعالیت‌های اقتصادی در قالب ساختار نظام یافته تعاونی‌ها با حمایت طرح‌های اعتباری مثل صندوق اعتبارات خرد، گامی در راستای کارآفرینی و اشتغال‌زایی و نیز کاهش هزینه‌های تولید و افزایش درآمد خانوار است.

نقش اعتبارات در توسعه مشارکت اقتصادی زنان روستایی

طرح‌های اعتبارات خرد، زنان را به خاطر نرخ بالای بازپرداخت وام از منابع محلی و نیز به این دلیل که دادن وام به این قشر باعث کاهش شکاف‌ها و تفاوت‌های اجتماعی می‌شود، تحت پوشش خود دارند. این طرح‌ها احتمالاً اساسی‌ترین منبع تأمین اعتبارات مالی مورد نیاز این گروه هستند.

مشهورترین مدل در این زمینه بانک «گرامین» است که دادن وام به شرکت‌های کوچک را با هدف ارائه کمک‌های اجتماعی - اقتصادی و نیز آموزش مهارت‌های کارآفرینی به زنان روستایی را در صدر اهداف خود قرار داده است.

در روستاهای ایران نیز انواع همیاری‌های مردمی با اشکال مختلفی همچون راه‌اندازی صندوق‌های رفع مصیبت در روستاهای استان‌های شمالی چون استان مازندران، تشکیل صندوق‌های پس‌انداز در بین زنان روستایی در استان‌هایی چون کرمانشاه، لرستان، مازندران و ... روبه‌رو هستیم.

ضرورت دسترسی به اعتبارات در مناطق روستایی

دستیابی به اعتبارات کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت یکی از عناصر حیاتی جهت توسعه روستایی و یکی از مواردی است که عموماً در استراتژی های توسعه همه جانبه روستایی، برای رفع احتیاجات مالی روستاییان به آن توجه کافی می شود. به طور کلی می توان ضرورت دسترسی به اعتبارات را در مناطق روستایی به شرح زیر بیان کرد:

۱- از نظر اقتصادی، برای جلوگیری از کاهش میزان تولید روستاییان که بخشی از مواد غذایی مورد نیاز افراد کشور و مواد اولیه صنایع کشور را تأمین می کنند و از محل صدور محصولات آن، درآمدهای ارزی نصیب کشور می شود، لازم است در تقویت بنیه مالی آنها از طریق صندوق های اعتباری اقدام لازم به عمل آید.

۲- یکی از علل مهاجرت روستاییان به شهرها، عدم سرمایه گذاری در محیط های روستایی است؛ لذا اعتبارات از طریق صندوق اعتبارات روستایی می تواند در کاهش مهاجرت های روستایی مؤثر باشد.

۳- در نواحی روستایی که بیکاری، اعم از آشکار و پنهان در سطح وسیعی از اقشار جامعه بخصوص جوانان و زنان روستایی وجود دارد، ضرورت تأمین اعتبارات جهت ایجاد فرصت های شغلی برای نیروی کار عظیم و فراوان روستایی کاملاً احساس می شود.

مزایای تأمین مالی زنان روستایی از طریق صندوق اعتبارات خرد

زنان روستایی به عنوان قشر محروم و فراموش شده روستاها با ایجاد صندوق اعتباری با استفاده از پس اندازهای ناچیزی که از پس اندازهای اندک، خرجی خانه و یا از درآمدهای جنسی تولیدی مانند فروش تخم مرغ، کشک، روغن محلی و سبزیجات تولیدی به دست می آورند، می توانند در این صندوق ها سرمایه گذاری کرده و این مبلغ های ناچیز را به سرمایه صندوق افزوده تا به جای بدون استفاده ماندن، یک جا جمع شود و به صورت وام به متقاضیان پرداخت شود. با افزایش سرمایه صندوق و سرمایه گذاری دولت، وام های مصرفی تبدیل به وام های تولیدی می شود و به جای افزایش مصرف در جامعه، تولید فزونی خواهد یافت و در نتیجه با کسب درآمد به دست آمده از تولید، فقر وام گیرندگان نیز کاهش خواهد یافت. ایجاد چنین صندوقی با مشارکت زنان روستایی در روستاها و پرداخت وام بدون وثیقه، سبب می شود تا سرمایه ها از بانک های دولتی به سوی این صندوق ها انتقال یابد و بر تعداد اعضای آن افزوده شود.

وثیقه نگرفتن و نبود مقررات دست و پا گیر برای وام گیرندگان و مشارکت روستاییان در حضور وام گیرنده بدون وثیقه در روستا، هدر رفتن و اتلاف وام ها را کاهش می دهد زیرا حضور اعضا در یک روستا، نظامی خودکنترلی پدید آورده و وام گیرنده نمی تواند از پرداخت قسط خودداری کند زیرا در غیر این صورت با اعتراض تمامی صاحبان سرمایه روبه رو خواهد شد. اگر چه تورم همراه با کاهش ارزش پول در زمانی که سرمایه صندوق ثابت است، سبب کم شدن سرمایه واقعی خواهد شد و با ثابت ماندن تعداد وام گیرنده در هر دوره ارزش واقعی وام پایین می آید ولی در این صندوق سرمایه در حال افزایش است بنابراین هم اثر کاهش ارزش پول را خنثی می کند و هم می تواند بر تعداد وام گیرندگان و یا ارزش واقعی وام بیفزاید. با پرداخت وام های مصرفی به زنان روستایی می توان از مشکلات مالی که در برخی مواقع شدت می یابد، جلوگیری کرد. همچنین خانواده ها دیگر مجبور به قرض کردن از اطرافیان، دوستان و اقوام نبوده و در صورت برطرف شدن نیاز، لازم نیست تا وام با بهره بالا را بگیرند و تا مدت ها فقیر و بدهکار بمانند.

از طرفی، تجمع این سرمایه های اندک راهی است در جهت توسعه و گسترش تعاونی ها و ایجاد زمینه های کارآفرینی و اشتغال زایی برای آنها.

در جامعه روستایی ایران، هر خانواده می تواند به عنوان یک واحد تولیدی قلمداد گردد. یکی از شالوده ها و بنیان های اساسی این واحدها، زنان روستایی می باشند به طوری که بدون حضور آنان ساختار اقتصادی خانواده نمی تواند پایدار باشد.

فصل هشتم: کارآفرینی و توسعه اقتصادی روستا

تعاونی ها و توسعه کار آفرینی

از جمله هدف های شرکت های تعاونی، توسعه همه جانبه مشارکت های مردمی در جهت بهبود زندگی اجتماعی، فراهم ساختن زمینه اشتغال مولد، توزیع عادلانه درآمد، تعمیم عدالت اجتماعی، افزایش تولید ملی و آماده کردن جامعه برای توسعه متعادل و هماهنگ از طریق ایجاد تشکل های تعاونی است. برای رسیدن به این اهداف، باید توانمندی های توسعه هر منطقه از کشور و همچنین استعدادهای آن مناطق را با توجه به مزیت های نسبی آنها مورد بررسی و شناسایی قرار داد، به طوری که با نیازهای اساسی مردمان هر منطقه مطابقت داشته باشد. این شناسایی انجام نمی گیرد مگر آنکه امکان ایجاد تشکل های تعاونی را در مناطق مورد نظر فراهم سازیم.

بدین ترتیب با تشکیل و گسترش تعاونی ها در سراسر کشور می توانیم امکانات، استعدادها، نیازها و موانع موجود در هر منطقه را شناسایی کنیم و با ایجاد واحدهای تولیدی خدماتی و بهره گیری بهتر و بیشتر از منابع موجود هر منطقه در راستای رفع نیاز مردم، ایجاد زمینه اشتغال برای نیروی انسانی بیکار یا نیمه بیکار پنهان (یعنی زنان روستایی) را از طریق ایجاد تشکل های تعاونی فراهم سازیم؛ چرا که این تشکل ها قادرند شدت بیکاری را کاهش و میزان اشتغال را افزایش دهند و توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی را برای افراد تا حدودی از میان بردارند.

امروزه نیروی انسانی به عنوان یک منبع نامحدود و محور هر نوع توسعه، مطرح است. در این بین کارآفرینی و پرورش کارآفرینان به طور خاص دارای نقشی مؤثر در فرآیند توسعه اقتصادی است. تحقیقات نشان می دهد بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان یک کشور و تشکل های کارآفرینی در آن کشور، همبستگی مثبتی وجود دارد.

از جمله هدف های شرکت های تعاونی، توسعه همه جانبه مشارکت های مردمی در جهت بهبود زندگی اجتماعی، فراهم ساختن زمینه اشتغال مولد، توزیع عادلانه درآمد، تعمیم عدالت اجتماعی، افزایش تولید ملی و آماده کردن جامعه برای توسعه متعادل و هماهنگ از طریق ایجاد تشکل های تعاونی است.

تعاونی ها، محلی برای کار آفرینی و اشتغال زایی

ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار روستایی و نیروی نیمه بیکار یا بیکار پنهان روستایی (زنان روستایی) از جهات گوناگون جهت رویارویی اصولی با مشکل بیکاری، چه از نظر ملی (که در قانون اساسی تأمین شرایط و امکانات کار برای همه مورد تأکید قرار گرفته) و چه از لحاظ امنیت اجتماعی (که لازمه آن برخورداری همه افراد از امکان اشتغال و تلاش برای تأمین معاش می باشد) برای دولت و جامعه درخور توجه است.

تعاونی های اشتغال زا که تشکیل آن از اوایل انقلاب و با تصویب طرح اشتغال آغاز گردید، تا کنون تعداد درخور توجهی از بیکاران روستایی را به کمک اعتبارات حمایت شده (از جمله اعتبارات دفتر امور زنان در قالب صندوق های اعتبارات خرد) به کار وا داشته است.

با نگرش به تورم سال های اخیر، روز به روز هزینه ایجاد اشتغال در زمینه های صنعت و معدن افزایش می یابد؛ به همین دلیل باید عواملی از جمله همکاری انواع تعاونی ها به کار گرفته شود تا از طریق ایجاد تعاونی های تولید، خدمات و مصرف، با امکانات اعتباری موجود بتوان زمینه های اشتغال گوناگون و متنوع را در محیط روستا به وجود آورد چرا که این زمینه اولاً احتیاج به مهارت های فنی و تخصصی و در نتیجه آموزش های طولانی مدت و پرهزینه ندارند، ثانياً از لحاظ پایه اعتباری، منطبق با سطح اقتصادی و میزان اعتبار و سرمایه آنهاست.

ویژگی های بارز تعاونی ها در راستای کار آفرینی

۱- تعاونی ها ترجیح می دهند خطرهای محاسبه شده و میانه را بپذیرند؛ یعنی ریسک معتدل را ترجیح می دهند.

۲- تعاونی ها به دنبال موفقیت هایی می گردند که در آن از طریق بازخورد محسوس بتوانند اطلاع دقیق به دست آورند که تا چه اندازه درست و عملی کار می کنند.

۳- تعاونی ها از تفکر جمعی در راستای استفاده از تفکر بهتر در انجام دادن کارها استفاده می کنند.

۴- تعاونی ها به کسب موفقیت های جمعی و آثار و پیامدهای فعالیت ها بیشتر از موفقیت های شخصی اهمیت می دهند.

۵- تعاونی ها به حضور فعال افراد و اعضا که دارای سوددهی بیشتر در عرصه اقتصاد کشور و تسریع رشد اقتصادی است، اهمیت می دهند.

نقش تعاونی ها در کارآفرینی جامعه

تعاونی ها در راستای کارآفرینی جامعه و به عنوان محرک توسعه اقتصادی نقش های مختلفی ایفا می کنند که هر یک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. موارد زیر خلاصه ای است از آثار و نقش های تعاونی ها در راستای کارآفرینی جامعه:

- ۱- عامل اشتغال زایی؛
- ۲- عامل ترغیب و تشویق سرمایه گذاری؛
- ۳- عامل شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید؛
- ۴- عامل تعادل در اقتصاد پویا؛
- ۵- عامل تحول و تجدید حیات ملی و محلی؛
- ۶- عامل کاهش بوروکراسی اداری؛
- ۷- عامل نوآوری و تغییر و تحولات مثبت در جامعه؛
- ۸- عامل تحرک و تشویق حس رقابت سازنده در زمینه های تولیدی؛
- ۹- عامل سازماندهی منابع و استفاده اثربخش از آنها؛
- ۱۰- عامل یکپارچگی و ارتباط بازارها؛
- ۱۱- عامل رفع خلل، شکاف ها و تنگناهای بازار کار و اجتماع.

تعاونی های اشتغال زا با تجمع فکری و سرمایه ای اعضا به حل خلاقانه مسائل و ریسک پذیری به تهدیدها و تنگناهای محیطی را تبدیل به فرصت کرده و در شرایط سخت، فرصت های جدیدی را کشف و از آنها بهره برداری می کنند که نهایتاً منجر به رفع تنگناهای جامعه می شود. بی تردید گسترش تعاونی ها در راستای کارآفرینی می تواند گره گشای بسیاری از مشکلات موجود در بخش اشتغال کشور باشد و راه توسعه همه جانبه ملی را فراهم آورد. لذا ترویج و اشاعه مفاهیم و راهکارهای عملی و علمی کارآفرینی از طریق

تعاونی‌ها، نظیر اطلاع‌رسانی، آموزش، فراهم کردن تسهیلات مالی و قانونی برای دانش‌آموختگان و ... از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

تجربیات کشور ما نیز بیانگر این واقعیت است که با تکیه بر زیرساخت‌های تعاونی‌ها و ارائه تعریفی نو از مقوله کار و اشتغال و گذار از مراحل کارجویی و کاریابی به کارآفرینی و نیز اشاعه آن از طریق آموزش، می‌توان شاهد تحولات ساختاری در زمینه اشتغال بود. این امر مستلزم آشنایی و آگاه‌سازی و آموزش اعضای تعاونی‌ها حداقل در موارد زیر است:

۱- آشنایی با اصول نوآوری و کارآفرینی؛

۲- شناسایی فرصت‌های شغلی متناسب با سطح سواد، سطح سرمایه و شرایط منطقه؛

۳- آشنایی با تجمع و اهمیت تأمین سرمایه‌های جمعی و گروهی؛

۴- ارائه نظر در راستای شغل‌های درآمدزا در منطقه؛

۵- روش‌های تأمین و جذب نیروی انسانی خلاق، فعال و مسئول در تعاونی‌ها؛

۶- افزایش کیفیت محصولات تولیدی و تبلیغ محصولات و ...

قابلیت‌های مورد انتظار پس از گذراندن این دوره‌ها، کسب مهارت‌های لازم نظیر نوآوری، خلاقیت، مخاطره‌پذیری، اعتماد به نفس، هدف‌گرایی، تمایل به مسئولیت‌پذیری، توانایی ایجاد ارتباطات و حرکت در مسیر خوداشتغالی است، هر چند که تحقق این اهداف ممکن است به اقدامات سازنده دیگر نیز احتیاج و بستگی داشته باشد.

کارآفرینی روستایی

تعاریف مختلفی از کارآفرینی وجود دارد. نوآوری، مخاطره‌پذیری، نیروی ثبات‌دهنده و متعادل‌کننده بازار، ایجاد یک کسب و کار جدید (ایجاد یک کسب و کار بر مبنای یک ایده جدید) یا توسعه کسب و کار موجود از جمله مفاهیمی است که برای آن مطرح شده است. قدمت واژه کارآفرینی به سال ۱۷۰۹ میلادی برمی‌گردد. سی‌اقتصاددان قرن هجدهم، کارآفرین را فردی می‌دانست که منابع اقتصادی را از حوزه‌ای با بهره‌وری پایین‌تر بیرون می‌کشد و آنها را به حوزه‌ای با بهره‌وری و سود بیشتر منتقل می‌کند. در نیمه اول قرن بیستم، شومپتر، اقتصاددان و نظریه پرداز اجتماعی، مطالب گسترده‌ای در مورد کارآفرینی و تأثیر آن بر اقتصاد نوشت. نظریه شومپتر این بود که کارآفرینان نوآور موجب نوعی عدم تعادل پویا در اقتصاد می‌شوند.

وی، فرد کارآفرین را یک تخریب گر خلاق قلمداد می کرد که با تجاری سازی نوآوری و نهادینه کردن آن در محیطی که پیش از آن فاقد آن بوده، تعادل اقتصادی را برهم می زند. کارآفرینی روستایی تفاوت اساسی با کارآفرینی در شهر ندارد جز این که باید آن را در فضای روستا تصور کرد. از سوی دیگر "پترین" (۱۹۹۴) کارآفرینی روستاوی را مجموع سه گزاره ذیل تعریف می کند:

۱. نیروئی که سایر منابع را برای پاسخ گوئی به یک تقاضای بی پاسخ بازار بسیج می کند.
۲. توان خلق و ایجاد چیزی از هیچ ندارد.
۳. توان فرآیند خلق ارزش به وسیله جمع کردن مجموعه واحدی از منابع را در راستای بهره گیری از یک فرصت دارد.

در مجموع می توان کارآفرینی روستایی را به صورت زیر تعریف کرد:

به کارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت کسب و کار

فصل نهم: راهکارها و پیشنهادات برای توسعه اقتصادی روستا

راهکارها و پیشنهادات

مطالعه برنامه ها، راهبردها ها و راهکارهای مختلف توسعه در کنار بررسی تجربه عملی کشورهای مختلف در زمینه توسعه روستایی و توسعه کارآفرینی و اشتغال زایی در روستاها، می تواند راهکارهای مناسبی را در اختیار برنامه ریزان کشور قرار دهد. اگرچه نمی توان این تجربه ها و رویکردها را به صورت مشابه استفاده کرد، اما توجه به آنها و یادگیری دست نکات، باعث روشن شدن فضای موضوع کارآفرینی و اشتغال زایی در روستاها و تسهیل و تسریع فرآیند سیاستگذاری در این زمینه خواهد شد. به علاوه می توان در بسیاری از موارد با به کارگیری رویکرد بومی سازی با استفاده از ابتکارها و دانش سایر ملل، به گونه ای اثربخش روش ها، طرح ها و برنامه های محلی را طراحی و اجرا کرد. در اکثر مناطق جهان، روستاها از جمله نواحی فقیر و در حال فرسایش محسوب می شوند، اندیشمندان و سیاستگذاران کشورهای دنیا توجه خاصی به توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آنها دارند. امروز صاحب نظران بین المللی بر این اعتقادند که باید جدای از راهبردهای کلان توسعه و توسعه اقتصادی (که بسیار مهم هستند)، به طور ویژه و مشخص به توسعه روستاها و ریشه کنی فقر گسترده حاکم بر آنها پرداخت. مشکل ها و معضلات روستاها در جهان ناشی از دو مسئله اساسی است:

۱. یکی کمبود امکانات اجتماعی (ضعف زیرساخت)

۲. دیگری کمبود درآمد (ضعف اقتصادی).

از جمله امکانات اجتماعی می توان به خدمات بهداشتی، آموزشی، بیمه و تأمین اجتماعی، خطوط ارتباطی (حمل و نقل و مخابرات)، امنیت، آب آشامیدنی، سوخت، برق و موارد شبیه آن اشاره کرد. اگرچه بسیاری از دولت ها برنامه های گسترده و پرهزینه ای را برای بهبود این زیرساخت ها انجام داده اند، اما بررسی ها نشان دهنده آن است که این امر به تنهایی نتوانسته کاستی های زندگی روستاییان را حل کند و آنان را از فقر برهاند و مهاجرت از روستا به شهر را کاهش دهد.

کمبود درآمد عامل مهمی است که اگر برای آن چاره ای اندیشیده نشود، اجازه نمی دهد طرح های توسعه روستایی به ثمر بنشیند، کمبود درآمد روستاییان ناشی از چندین مسئله است:

(۱) افزایش جمعیت روستاییان (مقدار مطلق)

(۲) بیکاری (کامل یا فصلی)

۳) بهره‌وری پائین افراد و منابع

۴) عدم جذابیت برای سرمایه‌گذاری و کمبود سرمایه‌گذاری

۵) ضعف فضای کسب و کار

بررسی‌های مختلف نشان داده که یکی از مهمترین اهداف توسعه اقتصادی (در شهرها یا روستاها) ایجاد اشتغال و مهمترین ساز و کار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری و افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نتیجه افزایش درآمد مردم می‌شود. البته کارآفرینی خصوصی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما می‌توان گفت که بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. اقتصاددانان آن را مهمترین محرک توسعه اقتصادی روستاها و سیاستمداران آن را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی در روستاها می‌دانند. کشاورزان و روستاییان کارآفرینی خصوصی را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود تلقی می‌کنند.

با تحلیل مجموعه مطالعات نظری و بررسی‌های انجام شده می‌توان به ۲۶ نکته کلیدی و اساسی در راستای توسعه پایدار اقتصادی روستاها دست یافت:

۱. توسعه روستاها نه تنها یک بحث حاشیه‌ای و ساده نیست بلکه با توجه به نظر ((تودارو)) که توسعه ملی هر کشوری را در گروه توسعه روستایی آن کشور می‌داند، یک بحث مهم و حیاتی است لذا جهت توسعه پایدار ملی، هر کشوری نیازمند توسعه روستاها و توجه به روستا و روستایی می‌باشد.
۲. تقریباً ۳۲ درصد جمعیت کشور در روستاها ساکن هستند و توجه به آنان و رفع مشکلات معیشتی و اجتماعی آنها یک وظیفه اصلی و شرعی برای حکومت‌ها بویژه حکومت اسلامی ایران می‌باشد. پس توجه به روستاهای کشور باید یک وظیفه برای دولت محسوب شده و در کنار تمامی مسائل، برنامه‌ریزی توسعه روستایی را نیز جزء اولویت کاری خود قرار دهد.
۳. با توجه به اینکه یکی از ابعاد مهم توسعه بعد انسانی آن است بنابراین به لحاظ انسانی، لازم است که جامعه روستایی متناسب با جامعه شهری از فرصت‌ها برخوردار گردد. و همچنین با توجه به اینکه امروزه بیش از هر زمان دیگر توجه به حقوق انسانها و محرومیت‌زدایی از اجتماعات انسانی در قانون توجه همگانی قرار دارد و حق توسعه و برخورداری از امکانات و فرصت‌ها، از حقوق مسلم

انسانی محسوب می شود، لذا توسعه روستایی و برنامه ریزی برای تحقق آن در کشور یکی از ضرورت‌های مهم در فرایند توسعه ملی است.

۴. فقر و بیکاری از جمله مشکلات بزرگ و اساسی در روستاهای ماست و این امر باعث تشدید مهاجرت‌های روستایی می شود و همچنین با توجه به اینکه جوان و نخبه گزین بودن از ویژگی‌های بارز مهاجرت‌های روستایی است. بنابراین برای رفع فقر و بیکاری در روستاها، توسعه روستایی یک ضرورت بنظر می رسد که در این راه می توان با متنوع کردن اقتصاد روستایی و همچنین با استفاده از کارآفرینی و ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط، فرصت‌های جدید شغلی خصوصا برای فارغ التحصیلان، جوانان و زنان روستایی ایجاد کرد.

۵. بدون وجود یک راهبرد کلان توسعه و توسعه اقتصادی مشخص، نمی توان توفیق چندانی در توسعه روستایی و توسعه کارآفرینی در روستاها به دست آورد. بنابراین باید تمرکززدائی یکی از مهمترین و اساسی ترین اهداف کلان توسعه کشور باشد.

۶. راهبرد توسعه اقتصادی کشور باید به خوبی جایگاه روستاها و رویکرد توسعه روستایی مطلوب را مشخص کند و برای آن ارزش و اهمیت کافی قائل شود، برای مثال نمی توان با انتخاب یک راهبرد صنعتی شدن به توسعه روستایی و کشاورزی دست یافت.

۷. توسعه روستایی معادل توسعه کشاورزی نیست. توسعه کشاورزی باید به عنوان زیرمجموعه توسعه روستایی تلقی شود. به علاوه کشور نباید تنها بر توسعه کشاورزی متمرکز شود چون نمی توان انتظار داشت که توسعه کشاورزی به توسعه روستایی منتهی شود.

۸. بهترین راهبرد توسعه روستایی، ترکیبی از رویکرد ساختارهای سلسله مراتبی پایدار و بهره برداری بیشینه از زمین و منابع طبیعی نیست. جالب است بدانیم بسیاری از کشورهای پیشرفته (هم چون آلمان) به کنترل و محدودسازی کشاورزی و استفاده از جنگل ها و مراتع خود پرداخته اند و بیشتر مایل هستند این گونه مواد و محصولات مورد نیاز خود را از دیگر کشورها تأمین کنند تا محیط زیستشان سالم باقی بماند.

۹. توسعه روستایی باید تنها از طریق توسعه زیرساخت های عمرانی و ارائه خدمات اجتماعی محقق نمی شود، بلکه نیازمند اشتغال زائی درآمدزا برای روستاییان و تسریع توسعه فرهنگی آنان (در مقابل جذابیت های فرهنگی - اجتماعی شهرها) است.

۱۰. ساماندهی ساختار سلسله مراتب سکونت گاه های کشور بسیار ضروری است. باید روستاهای مرکزی تر (بزرگ تر و دارای امکانات بیشتر)، روستاهای کوچک تر و پراکنده اطراف خود را پوشش

دهند و این روستاها از طریق شهرک ها یا شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و در نهایت کلان شهرها ارتباط یابند. ممکن است در این فرآیند بسیاری از مناطق دور افتاده تر یا غیرقابل دسترس که طبق روند موجود نیز در حال تخلیه و نابودی هستند، نیز از چرخه خارج و ساکنان آنها به دیگر روستاها یا مناطق جدید کوچ داده شوند.

۱۱. باید با ارائه خدمات اجتماعی و اقتصادی مناسب در "نقاط واسطه" هم چون روستاهای مرکزی، شهرک ها و شهرهای کوچک، از مهاجرت مستقیم روستاییان به شهرهای بزرگ جلوگیری کرد. به علاوه وجود نقاط ملی باعث می شود که بسیاری از روستاییان علاوه بر حفظ کار در روستا از زندگی شهری نیز برخوردار و حتی دارای کسب و کار جدیدی در آن نقطه واسطه در کنار شغل روستایی خود شوند که این موضوع زمینه افزایش درآمد و رفاه آنان را فراهم می سازد.

۱۲. نباید تنها توسعه روستایی و توسعه کارآفرینی روستایی را در بافت خود روستا تصور کرد، بلکه باید به آن به صورت ملی نگاه شود. به همین دلیل از مهمترین راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغال زائی در مناطق روستایی می توان به ایجاد شهرک های کسب و کاری اشاره کرد. این شهرک ها با ایجاد فضای مناسب برای رشد کسب و کارها و کارآفرینی باعث رشد شرکت ها و بنگاه های روستایی می شوند.

۱۳. در اکثر کشورهای جهان، نسبت جمعیت روستایی به جمعیت کل کشور در حال کاهش است به طوری که در اغلب کشورهای پیشرفته این مقدار زیر ۱۰ درصد است. جدای از مسائل مربوط به روند رشد طبیعی شهرنشینی در تمام جهان، علت اصلی این کاهش، محدود بودن ظرفیت تولید مناطق روستایی (به خصوص در حوزه های مربوط به کشاورزی) است. با صنعتی شدن و علمی شدن کشاورزی در کشورها، بهره وری منابع تولید روستایی نیز افزایش می یابد و در نتیجه (در درازمدت) نیازمند نیروی انسانی کمتری است. این روند خود به خود باعث افزایش بیکاری و کاهش درآمد روستاییان دارای زمین و امکانات کمتر می شود. به همین دلیل یکی از راهبردهای اصلی اشتغال زائی در مناطق روستایی، حرکت به سمت صنایع و فعالیت های غیرکشاورزی است. این گونه کسب و کارها در چند حوزه اساسی صنایع تبدیلی، صنایع فرهنگی، خدمات، امور دولتی و قرار می گیرند.

۱۴. صنایع تبدیلی از جمله مهمترین زمینه های توسعه کشاورزی، توسعه روستایی و توسعه اشتغال زائی در روستاها است. وظیفه اصلی این صنایع، فرآوری محصولات کشاورزی و دامی روستا و تبدیل آنها به کالاهائی نهائی تر و با ارزش تر است که اغلب در صنایع و کارخانه های شهری انجام می شود.

انجام این فعالیت ها در روستاها یا نواحی اطراف روستاها باعث خلق ارزش افزوده بیشتر در این مناطق و تحریک تولید می شود. به علاوه کیفیت و دوام در کنار آن محصولات نیز افزایش می یابد و قدمی رو به جلو در راستای تحکیم امنیت غذایی کشور برداشته می شود. توسعه این گونه صنایع که به دانش و فناوری فوق العاده ای نیازمند نیستند، امری امکان پذیر برای نواحی روستایی محسوب می شود. بسیاری از روستاییان نیز که در شهرها در همین نوع صنایع و کسب و کارها به کار مشغول می شوند، کمتر به مهاجرت متمایل خواهند شد. این گونه صنایع، امکان صادرات مستقیم محصولات و کالاها به دیگر کشورها را فراهم می آورد و باعث افزایش رونق مناطق روستایی می شود.

۱۵. صنایع فرهنگی از جمله صنایع ریشه دار در مناطق روستایی هستند و به جرأت می توان گفت این صنایع روستایی بیشتر بر صنایع دستی متمرکزند. از آن جایی که روستاییان به صورت نسبی وقت آزاد زیادی (به خصوص به صورت فصلی) در اختیار دارند، اغلب در زمینه ای از این گونه صنایع وارد می شوند. مواد اولیه مورد نیاز صنایع دستی، به وفور در مناطق روستایی موجود است، ضمن آن که نیازمند دانش فوق العاده یا فناوری سطح بالایی نیست. این صنایع، زمینه اشتغال مناسبی برای زنان (به عنوان قشر عظیمی از جمعیت روستایی) محسوب می شود و از یک طرف آنان را از فضای خانه دور نمی کند و از طرف دیگر، با شرایط جسمانی و روحی آنان سازگاری بیشتری دارد.

۱۶. صنعت گردشگری (توریسم) نیز از دیگر صنایع فرهنگی محسوب می شود که زمینه رشد فوق العاده ای در مناطق روستایی دارد. طبیعت زیبای مناطق روستایی همراه با جاذبه های سنتی، زمینه مورد علاقه گردشگران داخلی و خارجی محسوب می شود. توسعه این صنعت که با هزینه قابل توجهی همراه نیست، در حاشیه خود باعث توسعه کسب و کار خواهد شد.

۱۷. خدمات زمینه اشتغال زائی است که بخش در حال رشدی در اکثر کشورهای جهان محسوب می شود به گونه ای که بسیاری از اندیشمندان، اقتصاد نوین را اقتصاد خدماتی می نامند، بخش خدمات زمینه بسیار مستعدی برای اشتغال زائی دارد چون در یک اقتصاد روبه رشد و پویا، نمی توان هیچ گونه محدودیتی برای توسعه خدمات در نظر گرفت. در کنار آن خدمات زمینه مناسبی برای خلاقیت و نوآوری افراد محسوب می شود. بخش عمده ای از کارآفرینی ها در حوزه خدمات اتفاق می افتد. خدمات اجتماعی، بهداشتی، فنی، آموزشی، تجارت، اقتصادی و مالی و ارتباطی از جمله مهمترین زمینه های قابل توسعه و اشتغال زا در مناطق روستایی هستند. مشارکت دولت در این زمینه می تواند تسهیل کننده و تسریع کننده فرآیند توسعه خدمات در روستاها باشد.

۱۸. دولت می تواند با برنامه ریزی، طراحی و اجرای طرح های مختلف برای ارائه خدمات دولتی در مناطق روستایی، زمینه اشتغال زائی و کارآفرینی فوق العاده ای را در روستاها ایجاد کند که حوزه آن بسیار گسترده است، از جمله امور اداری، اقتصادی، انتظامی، بیمه و تأمین اجتماعی، مراقبت از محیط زیست، حفظ و توسعه مراتع و جنگل ها. استخدام نیروهای کاری در این زمینه ها باید به صورت محلی انجام پذیرد و تا حد ممکن به بخش خصوصی واگذار شود. این امر از طرف دیگر، باعث کاهش حرکت و مهاجرت روستاییان به شهرها برای دریافت این گونه خدمات خواهد شد. تحقق دولت الکترونیکی در سطح روستاها، چشم اندازی مطلوب برای آینده است که اکثر کشورهای در حال حرکت به سمت آن هستند.

۱۹. "رویکرد خوشه ای" به توسعه، نگرش جدیدی است که سیاستگذاران و برنامه ریزان توسعه در کشورهای مختلف به کار می گیرند. نگاه جامع و منسجم به مسائل و کل فضای مربوط به یک مقوله، مدیران را در اجرای برنامه های توسعه با موفقیت بیشتری همراه می سازد. توسعه روستاها بر مبنای توسعه خوشه های صنعتی، خوشه های فناوری و خوشه های دانش روستایی، راهکار مناسبی برای توسعه روستاها و توسعه کسب و کارهای روستایی است.

۲۰. اکثر کشورهای جهان به ویژه کشورهای پیشرفته در حال حرکت به سمت ایجاد جامعه دانش بنیان، جامعه یادگیرنده و جامعه اطلاعاتی هستند. جامعه دانش بنیان و جامعه یادگیرنده دو روی یک سکه هستند که از مسیر تشکیل و تکامل یک جامعه اطلاعاتی می گذرند. اقتصادهای دانشی و اطلاعاتی نیازمند نیازها و مقدماتی هستند که اگر از آنها غفلت شود اقبال روستایی از جمله آسیب پذیرترین گروه در آن خواهند بود. به همین دلیل، اکثر کشورها برای تقویت زیرساخت های اطلاعاتی جوامع روستایی خود و مدیریت اثربخش دانش، در این مناطق برنامه ریزی کرده اند.

۲۱. توسعه فناوری های مناسب و اشاعه آنها در مناطق روستایی نقش به سزائی در توسعه کسب و کارها دارد. توسعه فناوری های زیستی و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی باعث افزایش توان مندی های نوآوران و کارآفرینان روستایی و شهری برای فعالیت در روستاها خواهد شد. اشتغال به این فناوری ها، موجی عظیم از فرصت های اشتغال را به مناطق روستایی سرازیر می کند.

۲۲. ادغام فناوری های سنتی موجود در مناطق روستایی کشور با فناوری های نوین و پیشرفته راهکار مناسبی برای پیشرفت و روزآمد شدن محصولات و کالاهای ساخت روستا است. بسیاری از محصولات سنتی را می توان با ابزارها و تجهیزات نوین تولید یا آنها را با فناوری های جدید همراه

کرد. این امر باعث بقای صنایع سنتی فعلی و در مواردی توسعه بازار روبه اضمحلال آنان خواهد شد.

۲۳. توسعه فناوری، امید رویکرد مناسبی برای ارتقاء کیفیت و زندگی روستاییان است این مفهوم که اولین بار توسط "راشمی مایر" (اندیشمند و آینده پژوه هندی) مطرح شد، تصریح می کند که توسعه کشورهای در حال توسعه و ورود به عصر فراصنعتی تنها از مسیر صنعتی شدن و الگوهای توسعه کلاسیک تجویزی غربی نمی گذرد. بسیاری از کشورهای توسعه نیافته (به ویژه در مناطق روستایی) می توانند با به کارگیری مجموعه ای از فناوری های نرم و اثربخش که هزینه سرانه اندکی دارند، در دسترس هستند و باعث آلودگی محیط زیست نمی شوند، یک مسیر توسعه اقتصادی نرم را پیمایند. از جمله این فناوری ها می توان به منابع انرژی تجدیدپذیر (هم چون سلول های خورشیدی و بیو گازها)، فناوری های ارتباطی ارزان قیمت (تلفن های رادیویی) و فناوری های مالی و اقتصادی اشاره کرد. استفاده از این فناوری ها ارزان و نیازمند دانش تخصصی سطح بالائی نیست.

۲۴. فرهنگ سازی از مهمترین و زیربنائی ترین اموری است که باید برای توسعه روستاها و توسعه کارآفرینی در آنها صورت گیرد. کارآفرینی نیازمند فرهنگ خاصی است که پرورش آن بسیار سخت و نیازمند تلاشی طولانی مدت است. توانائی درک تغییرات و کشف فرصت ها، مشارکت و کار گروهی، خلاقیت و نوآوری، روحیه استقلال طلبی و مسئولیت پذیری، مخاطره پذیری و مخاطره جوئی، از عناصر اصلی سازنده این فرهنگ هستند و نمی توان تنها با انجام برنامه های کوتاه مدت و ضربتی به آنها دست یافت. بهترین راهکارهای توسعه فرهنگ کارآفرینی در روستاها، ارتقای سواد کارآفرینی روستانشینان از طریق برنامه های آموزشی و ترویجی مختلف است. به علاوه تدوین ساختار و معماری مشاغل روستایی و آموزش یکی از رویکردهای آموزشی نوین و اثربخش است. توسعه سواد خواندن و نوشتن (سواد عمومی و پایه) راهگشای مسائل روستایی خواهند بود. توسعه مجموعه ای از سوادهای فرهنگی، فناوری و اطلاعاتی باعث توان مندی توسعه و بهره برداری از کسب و کارها و منابع یاری می رساند.

۲۵. سه راهبرد اساسی برای توسعه کارآفرینی روستایی وجود دارد:

اول: جذب کسب و کارها از دیگر مناطق (به خصوص مناطق شهری) به روستاها که در مجموع و از نگاه ملی چندان مفید نیست.

دوم: حفظ و توسعه کسب و کارهای موجود از طریق کمک های حمایتی که در اغلب موارد سیاستگذاران و مدیران کشور به آن توجهی نمی کنند.

سوم: حمایت از ایجاد و تولد کسب و کارهای جدید از دل خود مناطق روستایی که اغلب مدنظر قرار دارد اما نیازمند برنامه ریزی منسجم و درازمدت است.

۲۶. به نظر نمی رسد هیچ گروهی مستعدتر از فارغ التحصیلان روستازاده برای امر کارآفرینی روستایی باشد. ایجاد شرایطی مناسب برای فعالیت و جذب این افراد به فضاهای روستایی از مهمترین مسائل پیش روی مدیران توسعه روستایی است. از دیگر اهداف مورد نظر می توان به موثرد زیر اشاره کرد: ایجاد شهرک های کسب و کار، ایجاد مراکز رشد روستایی و پارک های کارآفرینی، اعطای تسهیلات و امکانات به آنها، ارائه آموزش های کارآفرینی به آنها، ایجاد آموزشگاه های مختلف، ایجاد مراکز آموزشی، تحقیقاتی و علمی در مناطق روستایی مستعد و تقویت ارتباطات این گونه مراکز با روستاها. می توان در بسیاری از موارد با به کارگیری رویکرد بومی سازی با استفاده از ابتکارها و دانش سایر ملل، به گونه ای اثربخش روش ها، طرح ها و برنامه های محلی را طراحی و اجرا کرد.

۲۷. ایجاد فضای مدیریت مشارکتی در روستاها و همراه کردن آنان در تصمیم گیری های صورت گرفته در مورد آنان از جمله مهمترین سازوکارهای توسعه روستایی و بسط کارآفرینی است. روحیه مشارکت جوئی در توسعه منطقه خود، از مهمترین الزامات و محرک های کارآفرینی روستایی به شمار می آید که از طریق بسط مردم سالاری در سطح روستاها ناشی می شود. شوراها از مهمترین سازوکارهای این امر هستند. کمک به ایجاد تعاونی ها و مشارکت در فرآیند تکامل و موفقیت آنان از مهمترین اقدامات دولت ها محسوب می شود.

منابع و مواخذ:

- ۱- اسدی، شمس، عدم سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، ماهنامه تزویج، شماره ۲۵۹، مهر و آبان ماه ۱۳۸۲
- ۲- اصغری، شریفی، نقش صندوق بیمه، ماهنامه تزویج شماره ۲۶۴ مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۳
- ۳- زراعی متین، حسن، مبانی سازمان و مدیریت (رویکرد اقتصادی)، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- ۴- فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران، ۱۳۸۰
- ۵- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستاهای ایران، تهران، ۱۳۶۹
- ۶- خادم، آدم، سیاست اقتصاد کشاورزی در نظام های مختلف اداری
- ۷- خزاعی، علی، صندوق مشارکت زنان روستایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۷۸.
- ۸- حسین وحیدی، تاریخ عقاید اقتصادی از آغاز تا پایان سوسیالیسم، (۱۳۸۱)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات سنایی.
- ۹- شایان، سیاوش و همکاران، جغرافیا (۱)، رشته های ادبیات و علوم انسانی دوره متوسطه، ۱۳۸۳
- ۱۰- میرزا امینی، محمد رضا، راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغال زایی روستایی
- ۱۱- دربان آستانه، علیرضا، مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، سازمان شهرداری ها و دهیاریها، تهران، ۱۳۸۳
- ۱۲- مهدی زاده، ایمان، گردشگری روستایی، نیازمند زیر ساخت، روزنامه شرق، ۲۴ مهرماه ۱۳۸۴
- ۱۳- نظری، علیرضا، اراضی منابع طبیعی و فرصت اشتغال زایی، ماهنامه دهیاریها، شماره دوم، اسفند ماه ۱۳۸۲.
- ۱۴- شاهنده، بهزاد، استفاده از مزارع کشاورزی برای جذب گردشگر، ماهنامه دهیاریها، شماره یازدهم، بهمن ماه ۱۳۸۳
- ۱۵- رکن الدین، عبدالرضا، دهیاریها و مدیریت توسعه پایدار روستا، ماهنامه دهیاریها، شماره دوم، تیرماه ۱۳۸۲
- ۱۶- سعیدی، عباس، برخی الزامات دهگردانی در پرتو مشارکت روستایی، ماهنامه دهیاریها، شماره ۹، شهریور ۱۳۸۳
- ۱۷- معصوم، جلال، اصول و مفاهیم گردشگری روستایی، ماهنامه دهیاریها، شماره ۴، شهریور ۱۳۸۲

- ۱۸- منشی زاده، رحمت اله و همکاران، گردشگری روستایی، ماهنامه دهیاریها، شماره ۴، شهریور ماه ۱۳۸۲
- ۱۹- اکبری، توسعه صنعت گردشگری فرصتی برای اشتغال زایی روستایی، ماهنامه دهیاریها، شماره ۹، شهریور ماه ۱۳۸۳
- ۲۰- عزتی، مرتضی، صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی و تأمین مالی فعالیت های تولیدی و اشتغال زایی روستاها، ماهنامه دهیاریها، شماره ۱۳، خرداد ماه ۱۳۸۴
- ۲۱- شیرزاد، حسین، تأمین اجتماعی در روستا ضرورت توجه به تأمین اجتماعی روستاییان در فرآیند خدمات رسانی روستایی، ماهنامه دهیاریها، شماره ۷، اردیبهشت ماه ۱۳۸۳
- ۲۲- بسطام، بهروز، آشنایی با مفاهیم اقتصاد روستایی، چشم انداز خودکفایی واحدهای مدیریت روستایی، ماهنامه دهیاریها، شماره هفتم، اردیبهشت ماه ۱۳۸۳
- ۲۳- کربلایی، فرناز، بررسی رابطه سواد و درآمد سرپرست خانوار روستایی، ماهنامه دهیاری ها، شماره ۱۲، اسفند ماه ۱۳۸۲
- ۲۴- مقصودی، و همکاران، ماهنامه ترویج و صنایع تبدیلی، شماره ۲۶۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۳
- ۲۵- مقصودی، و همکاران، توسعه پایدار، ترویج و صنایع، ماهنامه شماره ۲۶۴، مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۳
- ۲۶- رحمانی، توسعه روستایی، ماهنامه ترویج، صنایع، ماهنامه شماره ۲۶۲، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۳
- ۲۷- ترک نژاد، احمد، ماهنامه ترویج و کشاورزی، شماره ۲۳۹-۲۳۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰
- ۲۸- ابراهیم پور، ترک نژاد، شغل، ماهنامه ترویج و صنایع تبدیلی، شماره ۲۵۱-۲۵۰، مرداد و تیرماه ۱۳۸۱
- ۲۹- فرهادیان، خدمات فنی و صنعتی روستاها، ماهنامه ترویج، شماره ۲۵۸، مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۲
- ۳۰- حاجی میر رحیمی، شفیع مهر، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، ماهنامه ترویج، شماره ۲۶۱، بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۲
- ۳۱- رنجبر، علیزاده، عدم سرمایه گذاری مناسب در تولید فرصت های اشتغال مولد، ماهنامه ترویج، شماره ۲۶۰، آذر و دی ماه ۱۳۸۲
- ۳۲- زمانی، اهمیت و ضرورت برنامه ریزی بازاریابی، ماهنامه ترویج، شماره ۲۶۰، آذر و دی ماه ۱۳۸۲
- ۳۳- اشتری، مهر جوی، انواع توریسم، ماهنامه ترویج، شماره ۲۶۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳

- ۳۴- بریم نژاد، ولی، روش اندازه گیری بهره وری، ماهنامه ترویج، شماره ۲۳۹-۲۳۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰
- ۳۵- امیرانی، تکنولوژی در فرآیند تولید کشاورزی، ماهنامه ترویج، شماره ۲۳۹-۲۳۸، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۰
- ۳۶- گل افرا، فریدون، بهینه سازی روابط بیکاری با تورم در بخش کشاورزی می تواند قدرت خرید مردم را رقم بزند، ماهنامه کشاورزی، علمی، اقتصادی و انتقادی، شماره ۳۰۸، مرداد ماه ۱۳۸۴
- ۳۷- ابراهیمی، تحولات لازم در صنایع غذایی برای ورود به بازارهای جهانی، ماهنامه اقتصادی اجتماعی و معلومات عمومی گل چین، شماره ۲۳۰ و ۲۳۱، بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۳
- ۳۸- دیدگاه، ارزیابی سیاست های حمایتی در بخش پیشنهاد سیاست ها و راهکارهای مؤثرتر، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۵، پائیز ۱۳۸۳
- ۳۹- دانا، متن سخنرانی، مجموعه سخنرانی ها و مقالات ارائه شده در همایش صنایع روستایی، جهاد سازندگی، اردیبهشت ماه ۱۳۷۸
- ۴۰- جمال احمد، نماینده فائو در جمهوری اسلامی ایران، مقاله مسائل صنایع روستایی در ایران، جهاد سازندگی، اردیبهشت ماه ۱۳۷۸
- ۴۱- عمادی، محمد حسین، چالش ها و راهبردهای ارتقای بهره وری در صنایع روستایی، جهاد سازندگی، اردیبهشت ماه ۱۳۷۸
- ۴۲- شاهدی، محمد، مقاله، سمینار استقرار صنعت در روستا، کمیته فنی دفتر مرکزی جهاد سازندگی، ۱۳۶۵
- ۴۳- مهدی دوست، حسین، فضلی، هوشنگ، (۱۳۷۹)، آشنایی با سرمایه گذاری و اشتغال در نواحی روستایی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد.
- ۴۴- معصوم، جلال، دهیاری و اهمیت آشنایی با اقتصاد روستا، ماهانه دهیارها، شماره سوم، مرداد ماه ۱۳۸۲.
- ۴۵- طالب، مهدی، (۱۳۶۵)، نقش تعاونی ها در صنعت روستا، سمینار استقرار صنعت در روستا کمیته فنی دفتر مرکزی جهاد
- ۴۶- لاهیجانیان، (۱۳۶۵)، سخنرانی، عضو شورای مرکزی جهاد، استقرار صنعت در روستا، کمیته فنی دفتر مرکزی

- ۴۷- لهسایی زاده، (۱۳۶۵)، تکنولوژی مناسب برای جوامع روستایی کشورهای پیرامون، سمینار استقرار صنعت در روستا، جهاد سازندگی
- ۴۸- جایگاه صنعت در روستا و ارتباط آن با استقلال اقتصادی کشور، مقاله‌ای از اداره کل کار و امور اجتماعی استان اصفهان، ۱۳۶۵
- ۴۹- نصیرزاده، (۱۳۶۵)، نحوه استقرار صنعت در روستا در چارچوب برنامه‌ریزی و توسعه، سمینار استقرار صنعت در روستا، کمیته فنی دفتر مرکزی جهاد.
- ۵۰- اسدی شمس، (۱۳۸۲)، عدم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، ماهنامه ترویج، شماره ۲۵۹، مهر و آبان
- ۵۱- شکیبا، مقدم، (۱۳۸۵)، مدیریت تعاونی‌ها، انتشارات یاسر
- ۵۲- حاج فتحعلی، عباس، (۱۳۷۲)، توسعه تکنولوژی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران
- ۵۳- جیمز ای. فیتز سیمونز و موناچی، ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داود ایرانی، (۱۳۸۲)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران
- ۵۴- گزارش نخستین سمینار بین‌المللی اعتبارات خرد برای جوانان، اسفند، ۱۳۸۲ شیراز
- ۵۵- طاهری، طیب؛ نشریه «برزگر»، شماره ۷۶۷ و ۷۶۸، اشتغال و شرکت‌های تعاونی